



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا
بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

(سوره ی مبارکه ی سبا، آیه ی کریمه ی ۴۶)

بگو: من فقط به شما يك اندرز می‌دهم که: دو تا دو تا و يك يك برای خدا به پا خیزید، سپس
ببیندیشید که این دوست شما [محمد ﷺ] هیچ گونه جنونی ندارد، او صرفاً شما را از عذاب سختی
که در پیش است، هشدار می‌دهد.





دانش و دانش‌گاه اسلام

وَضَعَيْتُ كُنُوزِي وَرَاهِيكَ اِهْيَايْ وَصَوْلِي بِهٖ اَنَّ



علیہ ہادی جھری
رضا نیازی

سرشناسه: بهادری جهرمی، علی، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور: دانش و دانشگاه اسلامی: وضعیت کنونی و راهکارهای وصول به آن/ علی بهادری جهرمی، رضا نیازی؛ کاری از بسیج اساتید تهران بزرگ
مشخصات نشر: قم، کعبه دل، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۷۲-۸۵-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: دانشگاه ها و مدارس عالی - جنبه مذهبی - اسلام
موضوع: دانش و دانش اندوزی - جنبه مذهبی - اسلام
موضوع: دانشگاه ها و مدارس عالی - ایران - ارزشیابی
موضوع: آموزش عالی - ایران - هدف ها و نقش ها
شناسه افزوده: نیازی، رضا، ۱۳۵۴
رده بندی کنگره: LB۲۳۳۴/ب۹د۲۱۳۹۱
رده بندی دیویی: ۳۷۸/۰۰۷۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۲۱۵۷۷

دانش و دانشگاه اسلامی

وضعیت کنونی و راهکارهای وصول به آن

کاری از بسیج اساتید تهران بزرگ
مؤلفان: علی بهادری جهرمی، رضا نیازی
مدیر هنری: رسول خسرویگی
ناشر: انتشارات کعبه دل
نوبت چاپ: اول
تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۷۲-۸۵-۷

فصل نخست؛ چرا دانشگاه‌ها اسلامی شوند؟..... ۱۷

الف: تشخیص امام‌المسلمین، وظیفه‌ی شرعی و قانونی ملت:..... ۱۸

فرمان امام خمینی رحمته‌الله بر تغییر بنیادی دانشگاه..... ۱۸

مطالبه‌ی مستمر ولایت امر و امامت امت..... ۱۹

واجب‌تر از نان شب..... ۱۹

تکلیف اعضای هیات علمی..... ۱۹

چرا در محیط دانشگاه تصریح نمی‌شود که ما می‌خواهیم دانشگاه را اسلامی کنیم؟..... ۲۰

چرا هنوز دانشگاه‌ها اسلامی نشده است؟..... ۲۱

ب: دانشگاه اسلامی، لازمه‌ی رشد و توسعه..... ۲۱

نیاز امروز کشور به دانشگاه حقیقتاً اسلامی..... ۲۲

دانشگاه اسلامی پایه‌ای برای رشد و تعالی علمی و سیاسی..... ۲۲

سرنوشت کشور در دست دانشگاهیان..... ۲۳

تاثیر گذار بودن اساتید..... ۲۴

عقب بودن از قطار رشد و توسعه‌ی علوم..... ۲۴

ج: خطر دانشگاه غیر اسلامی..... ۲۵

ما از دانشگاه غیر اسلامی می‌ترسیم..... ۲۵

مصونیت دانشگاه از بلایا..... ۲۵

خطر اتکای به علوم غیر اسلامی و غیر بومی..... ۲۵

این تخصص، تخصص مهلک است نه سازنده..... ۲۸

خطر علوم بنیادی غیر اسلامی..... ۲۸

فصل دوم؛ مفهوم دانش و دانشگاه اسلامی..... ۳۱

الف: مفهوم دانش اسلامی (علم دینی)..... ۳۲

منظور اسلام از علم کدام علم است؟..... ۳۳

هر علمی که به حال مسلمین مفید باشد علم دینی است..... ۳۴

تولید علم دینی در کدام دسته از علوم؟..... ۳۵

علم اگر علم باشد نه وهم و خیال و فرضیه‌ی محض، هرگز غیر اسلامی نمی‌شود..... ۳۷

پاسخ امام خمینی رحمته‌الله به توهم برخی در خصوص علوم اسلامی..... ۳۹

ب: مفهوم دانشگاه اسلامی..... ۴۰

تحلیل برخی از تعاریف ارائه شده در خصوص دانشگاه اسلامی..... ۴۱

استقلال فرهنگی از غرب و شرق شرط اسلامی شدن دانشگاه..... ۴۳

اسلامی کردن دانشگاه به معنی بسنده به امور ظاهری و کم‌اهمیت نیست..... ۴۳

دانشگاه اسلامی و ملی در مقابل دانشگاه استعماری..... ۴۴

تعلیم و تربیت استعماری..... ۴۵

اسلامی کردن دانشگاه، به معنی ساختن مسجد، برپایی مراسم و... نیست..... ۴۵

دانشگاه کاملاً اسلامی..... ۴۶

فصل سوم؛ پیشینه‌ی احیاء دانش و دانشگاه اسلامی..... ۴۷

الف: احیای تفکر دینی توسط حوزه‌های علمیه..... ۴۷

ب: احیای تفکر دینی در دوران معاصر..... ۴۸

ج: تشکیل کمیته‌ی اسلامی شدن دانشگاه‌ها ۵۰

فصل چهارم؛ نقاط قوت موجود در دانشگاه‌های ما ۵۳

الف: وجود اساتید و دانشجویان مؤمن و انقلابی ۵۳

اساتید و دانشجویان مومن در محیط دینی دانشگاه ۵۳

دانشجویان و اساتید، امانت‌داران انقلاب اسلامی ۵۴

دانشجویان اهل عبادت و راز و نیاز هستند ۵۴

پاکی دانشجویان و امید به آینده ۵۵

ب: ارتباط حوزه و دانشگاه ۵۶

نزدیکی حوزه و دانشگاه از برکات نهضت ۵۶

ارتباط حوزه و دانشگاه فرصت‌گران بها ۵۶

ج: سایر امتیازات دانشگاه‌ها ۵۷

انسان‌سازی؛ ۵۷

طراوت دانشجویی و جوانی ۵۸

نگاه آرمانی ۵۸

زبان انتقادی ۵۸

فصل پنجم؛ نقاط ضعف دانشگاه‌های کنونی ما ۶۱

الف: پسماندهایی از انحرافات دوران طاغوت ۶۲

وضعیت دانشگاه در دوران قبل از انقلاب ۶۲

وجود بقایای تفکر سکولار ۶۶

دانشگاه در دست غرب‌زدگان و شرق‌زدگان ۶۷

کاری کردند که فارغ التحصیلان ما فقط به درد خودشان بخورند ۶۷

کم‌رنگ بودن نقش دانشگاه در عبور از بحران‌ها ۶۷

ب: ضعف‌های مربوط به علوم ۶۸

ناهماهنگی درونی علوم ۶۸

نگاه معیوب به علم ۶۸

غیبت انسان‌شناسی در دانش و دانشگاه ۶۹

متروک ماندن شریعه‌ی شهود ۷۱

عدم تبیین نظام فاعلی و غایی ۷۲

ج: تهاجم فرهنگی و علمی غرب ۷۲

فرار مغزها ۷۲

د: سایر ضعف‌ها ۷۴

عدم هماهنگی علم و عمل ۷۴

محتوای کتب ۷۴

نبود انسجام فکری همگانی ۷۵

سایر مشکلات و ضعف‌ها ۷۵

فصل ششم. شاخصه‌های دانش و دانشگاه اسلامی ۷۷

الف: مولفه‌های علوم اسلامی ۷۸

نافع بودن علم ۷۹

مهم بودن علم ۷۹

نگاه صحیح به علم و طبیعت ۷۹

ارزشمند بودن علم و علم‌آموزی	۸۰
وسعت دایره‌ی ادله در علوم اسلامی	۸۱
تاثیر وحی در شکوفائی علوم انسانی	۸۴
نهیضت نرم‌افزاری و تولید علم با محوریت قرآن	۸۴
محوریت و حضور علوم اسلامی	۸۶
اسلامی کردن علوم با توجه به جایگاه عقل است نه باویران کردن اساس علوم رایج	۸۷
افراط و تفریط نه!!	۸۸
هماهنگی اندیشه	۸۸
ب: خصوصیات اساتید و دانشجویان دانشگاه اسلامی	۸۸
ایستادگی بر اصول	۸۹
اسلام دغدغه‌ی دانشگاهیان	۸۹
عزیز بودن علم و عالم و استاد	۸۹
اعتلاطلب، روبه مردم، فعال و پرنشاط	۸۹
جهاد علمی و علم جهادی	۹۰
عشق به اسلام و انقلاب و غرور ملی و دینی در اساتید	۹۰
اسوه‌ی حسنه بودن اساتید	۹۰
اساتیدی مصمم در اسلامی شدن دانشگاه با همت بالا	۹۱
فارغ التحصیلانی با دغدغه‌ی دینی و انقلابی	۹۱
دانشجو جزو قشرهای برگزیده‌ی دینی جامعه	۹۳
روحیه‌ی انقلابی	۹۳
خدوم به ملت با عرق مذهبی و ملی	۹۵
ماندن در این جا و خدمت کردن امتیاز است نه رفتن به خارج	۹۵
استقلال فکری	۹۶
عدم خودباختگی و ضعف در برابر تمدن‌های غیر اسلامی	۹۶
پشتکار در نهضت علمی و آزاداندیشی	۹۶
ج: بصیرت و بینش دانشگاهیان	۹۷
بینش دینی و سیاسی	۹۷
دانشجو باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه کند	۹۸
د: اهداف و جهت‌گیری اسلامی	۹۸
هدف از تعلیم و تربیت در بیان حضرت امام خمینی رحمته‌الله	۹۸
دعوت به توحید	۹۹
انسان را انسان کند	۱۰۰
هدایت مردم	۱۰۰
قرآن می‌فرماید: بخوان به نام خدا، نه خواندن مطلق	۱۰۱
مکارم اخلاق	۱۰۱
هدفمند بودن و مشخص بودن جهت‌گیری و هدف دانشگاه	۱۰۱
همه‌ی علمی که مقدمه‌ی رسیدن به هدف‌های اسلامی است، فراگیرند و کوتاهی نکنند ...	۱۰۲
پیش‌آهنگی و پیش‌قراولی در حرکت انقلابی	۱۰۳
اگر قلم‌ها برای خدا باشد مسلسل‌ها کنار می‌رود	۱۰۴
ه: رعایت اخلاق اسلامی	۱۰۴
تربیت و تزکیه بالاتر از تعلیم است	۱۰۴
پرهیز از کبر و غرور	۱۰۴
ضرورت وجود روابط حسنه علی‌رغم اختلاف سلیقه‌ها	۱۰۵

۱۰۶	احترام به استاد یکی از ویژگی‌های دانشگاه اسلامی
۱۰۶	هرچه عالم‌تر می‌شوید متواضع‌تر و مردمی‌تر شوید
۱۰۷	و: تلفیق علم و ایمان و توجه به امور معنوی
۱۰۷	یافتن مسیر صحیح با تمسک به اهل بیت علیهم‌السلام
۱۰۸	تلفیق علم و ایمان
۱۰۹	هم‌هنگی علم و دین
۱۰۹	دانش همراه با معنویت
۱۱۰	پرهیز از تفکر قارونی
۱۱۱	عمل با اخلاص بدون جنجال‌های بی‌هوده
۱۱۲	توجه به علم لدنی
۱۱۲	ز: وحدت حوزه و دانشگاه
۱۱۴	وحدت در هدف حوزه و دانشگاه
۱۱۵	استفاده از علمای دین
۱۱۵	ارتباط خوب و متقابل دانشگاه با حوزه‌های علمیه
۱۱۵	استفاده از علمای دین
۱۱۶	حضور روحانیون در دانشگاه
۱۱۷	ح: مدیریت اسلامی
۱۱۷	تحقق مدیریت اسلامی
۱۱۸	اسلامی بودن روش‌ها و روابط
۱۱۹	حضور مسئولین در دانشگاه
۱۱۹	ط: وجود فضای اسلامی
۱۲۰	فضای آزاداندیشی و هدایت‌گری
۱۲۱	فرهنگ اسلامی، فرهنگ حاکم در دانشگاه
۱۲۱	اسلام در دانشگاه غریب نباشد
۱۲۲	رعایت بواطن و ظواهر اسلامی در دانشگاه‌ها بصورت توأمان
۱۲۲	محیطی سالم
۱۲۲	ویژگی‌های فضای آموزشی اسلامی
۱۲۳	تقدیر از نظریه‌سازان و نوآوران
۱۲۳	ی: مولفه‌های دیگر

۱۲۵	فصل هفتم: موانع اسلامی شدن دانشگاه
۱۲۶	الف: آموزش‌ها و شعارهای غیر اسلامی
۱۲۶	اساتیدی در غیر مسیر اسلام
۱۲۶	رواج شعار تعارض علم و دین توسط دو گروه خاص
۱۲۷	مغلطه‌ی مغالطه‌گران
۱۲۷	رواج شعار ما نمی‌توانیم
۱۲۸	ب: موانع بومی‌سازی علوم
۱۲۸	خودباختگی، نبود باور و همت بالا و ...
۱۳۰	عدم شناخت اکثر دانشگاهیان از جامعه‌ی اسلامی ایران
۱۳۱	کارشکنی دشمنان
۱۳۲	ج: تک بعدی بودن
	اهتمام بر عالم طبیعت بدون توجه به مبدا (فاصله گرفتن از جهان بینی رسول
۱۳۲	الله ﷻ

سیاست زدگی یا سیاست زدایی	۱۳۲
خودمحوری دانشگاهیان	۱۳۳
د) سایر موانع	۱۳۳
تفرقه و تشتت	۱۳۴
«هرج و مرج» و «دیکتاتوری»	۱۳۴
جدال و مراء و هتاکي	۱۳۴
مرداب «سکوت و جمود» یا گرداب «هرزه‌گوئي و کفرگوئي»	۱۳۵
فصل هشتم؛ وظایف ما	۱۳۷
الف: تصمیم جدی بر حرکت و اصلاح	۱۳۷
عدم قناعت به وضع موجود	۱۳۸
تلاش مجدانه مردم و دولت‌مردان، از الزامات تعلیم و تربیت اسلامی	۱۳۹
ج: حفظ استقلال علمی و بومی‌سازی علوم	۱۴۰
مستقل باشید و در برابر فرهنگ غرب مقاومت کنید	۱۴۰
مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را بحث کنید	۱۴۰
اگر برای تحصیل به خارج می‌روید هویت ملی و فرهنگی خود را گم نکنید	۱۴۱
اگر هم دولت نرسیده باشد این عذر نمی‌شود	۱۴۱
بومی‌سازی علوم	۱۴۲
جلوگیری از وابستگی فکری	۱۴۲
بومی‌سازی دانشجویان	۱۴۳
معنای بومی‌سازی علم	۱۴۳
معنای بومی‌سازی علوم انسانی	۱۴۴
د: ابتناء بر علوم اسلامی	۱۴۷
ظرفیت و جامعیت مکتب اهل بیت علیهم‌السلام	۱۴۷
تفکر اسلامی، هدایت‌کننده دانشگاه‌ها	۱۴۷
نقد میانی علوم	۱۴۸
تعبیر علم و عقل به جای تعبیر علم و دین	۱۴۹
تفسیر قول خداوند در حوزه و فعل خداوند در دانشگاه	۱۴۹
حضور خالق جهان در علوم تجربی	۱۵۰
محوریت ادله‌ی نقلی	۱۵۰
اتخاذ روش تفسیری تکوین به تکوین	۱۵۱
تقدم اصلاح هستی‌شناسی و انسان‌شناسی بر نظریه‌پردازی در علوم انسانی	۱۵۱
حدود علوم و میزان توانایی ابزارهای کسب علم تبیین شود	۱۵۱
ه: فضای دانشگاه‌ها	۱۵۲
دانشگاه را محیط انقلابی و اسلامی کنید	۱۵۲
ایجاد فضای سالم	۱۵۳
روش‌های دانشگاهی در جهت تولید علم	۱۵۳
و: وظیفه‌ی اساتید	۱۵۵
فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ	۱۵۵
الگوگیری از قرآن	۱۵۵
ایجاد جنبش نرم‌افزاری	۱۵۶
ایجاد الگوهای دانشگاه اسلامی با عملی کردن مولفه‌های دانشگاه اسلامی	۱۵۶
وظیفه‌ی اساتید در آگاه‌سازی و بصیرت‌بخشی	۱۵۷

تهیه‌ی متون مناسب..... ۱۵۸

ارائه برنامه‌ی اجرایی درکنار مباحث نظری..... ۱۵۹

روحیه‌ی عدالت خواهی را در دانشجویان تقویت کنید..... ۱۶۰

نتیجه گیری و پیشنهادات..... ۱۶۱

فهرست منابع..... ۱۶۷

❖ مقدمه (بیان مساله)

دین و دانش هر دو از عناصر تمدن ساز هستند. دین موثرترین عامل در تشکیل و بقاء تمدن‌هاست دانش نیز در طول تاریخ نقش ویژه‌ای ایفا نموده است.^۱ این دو عنصر در کنار هم در دانشگاه اسلامی جمع می‌شود ولی کدام سطح یا مفهوم از دین در کنار چه سطحی از دانش لازمه‌ی تشکیل و مقوم بقای دانشگاه اسلامی است؟

اسلامی شدن دانشگاه‌ها، یکی از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی در بعد فرهنگی آن و از نیازهای اساسی جامعه می‌باشد. تأملی در دغدغهی خاطر امام خمینی رحمته‌الله علیه نسبت به تحول در دانشگاه‌ها، و دلمشغولی و اهتمام فراوان امام خامنه‌ای ظله‌الله نسبت

۱. احمدزاده، میرحواس،
چبستی تمدن از دیدگاه
اندیشمندان، مجموعه
مقالات مقدمه‌ای بر دانشگاه
تمدن ساز اسلامی، دفتر
برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت
علوم، صص ۳۵ به بعد.

به اسلامی شدن دانشگاه‌ها، جایگاه این موضوع را در انقلاب فرهنگی مشخص می‌سازد. از این رو پس از تاکیدات رهبر فقید انقلاب رحمته الله علیه در قبل^۲ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی که حجم بالایی از سخنرانیهای ایشان خطاب به دانشگاهیان و به این موضوع اختصاص یافت، تاکنون گامهای مثبتی در این زمینه برداشته شده اما پس از گذشت سه دهه از انقلاب به این دلیل که مفهوم اسلامی کردن دانشگاه برای بسیاری از افراد که حتی جزو دلسوزان اسلام و خواص انقلاب هستند مشخص نیست، و راهکارهای وصول به آن تبیین نگردیده؛ این موضوع گرفتار سلايق مختلف گشته و لذا کماکان نیاز به بازشناخت و تامل بیشتری دارد. این مهم با عنایت به اهداف انقلاب اسلامی و جایگاه شایسته دانشگاه نیز با کاستیهای فراوانی روبه‌رو است. اکتفا به برخی امور مانند تغییر ظواهر کتب درسی، گنجاندن چند درس محدود، برگزاری مجالس مذهبی و ... هر چند امری لازم است ولی از ممیزات اصلی دانشگاه اسلامی نبوده و ضمن عدم کفایت آن جایگاه دانشگاه را نشان نمیدهد و انتظارات جامعه از يك دانشگاه اسلامی را برآورده نم‌سازد.

بنابراین شناخت مقتضای ذات، مقصود و مقصد دانشگاه اسلامی، سیر تاریخی و تحولی آن، مبانی نظری اسلامی شدن دانشگاه‌ها در منابع استنباط، اهداف و

۲. حضرت امام در سخنرانی سال ۱۳۴۳ و دیگر بیاناتشان در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بحث دانشگاه اسلامی را مطرح کرده اند.

کارکرد آن و پاسخ به سوالات بی‌شماری که کمتر به آن‌ها پاسخ داده شده از دیدگاه اندیشمندان و نظریه‌پردازان حاکمیت اسلام در انقلاب اسلامی ایران، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

گنجینه‌ی موجود از معارف و اندیشه‌ی اندیشمندان اسلام و انقلاب باید بازخوانی شود و به عنوان محصول انقلاب اسلامی ایران به انقلاب‌های جهان عرضه گردد تا تفکرات سره‌ی اسلام در این انقلاب، از ناسره‌های روزگار شناخته و معرفی گردد تا چراغی فراسوی انقلابیون در اقصی نقاط جهان از مصر و لیبی و یمن و بحرین گرفته تا خیابان‌های وال استریت آمریکا و سایر کشورها باشد.

این نوشته به عنوان طرح بحثی از سوی جامعه‌ی اساتید در هشت فصل به موضوع می‌پردازد پس از این مقدمه که مساله و سوالات اصلی در آن بیان گشت؛ در فصل نخست به ضرورت موضوع اشاره می‌شود؛ در فصل دوم مفهوم اسلامی شدن دانشگاه و برخی از تحلیل‌های موجود بیان می‌گردد؛ فصل سوم به پیشینه‌ی موضوع و فصل چهارم و پنجم به ترتیب با رویکردی به وضعیت کنونی دانشگاه‌ها به برخی از نقاط قوت و نقاط ضعف جامعه‌ی دانشگاهی اشاره می‌نماید. فصل ششم شاخصه‌های دانشگاه اسلامی به طور مجزا در دسته‌های شاخصه‌های دانش اسلامی، دانشگاهیان و

مدیریت و فضای اسلامی بیان گریده است و فصل هفتم موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها را احصا نموده است و در نهایت در فصل هشتم وظایف اساتید و دانشجویان و سایر اقشار در اسلامی شدن دانشگاه‌ها آمده است.

دو نکته نباید فراموش شود، اول اینکه آنچه در این مجموعه در خصوص مفهوم و مولفه‌های دانشگاه اسلامی آمده همه از يك جنس نیست برخی از مولفه‌های ذکر شده، مقتضای ذات دانشگاه اسلامی است که در صورت نبود آن شاخصه‌ها نمی‌توان گفت دانشگاه اسلامی تحقق یافته است؛ سایر مولفه‌ها شرط کمال دانشگاه اسلامی است. بنابراین این نکته باید در شناخت مفهوم و ارائه راهکار و اولویت‌بندی در فرصت‌ها و هزینه‌ها، مد نظر قرار گیرد.

و دوم اینکه راه حرکت به سمت اسلامی شدن دانشگاه‌ها راهی مقدس و پربهجت است که قطعاً به مقصد می‌رسد چرا که «والذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا»^۳.

اثر حاضر تمامی ابعاد و مولفه‌های مرتبط با دانشگاه اسلامی را پوشش نداده و تحقیق و انتشار آثار متعددی از این قبیل را نیازمندیم تا حق موضوع ولو به صورت کلی ادا شود.^۴ همچنین گردآوری مطالب این مجموعه ممکن است با نواقص و کاستی‌ها و شاید قصورهایی

۳. سوره‌ی مبارکه عنکبوت، آیه‌ی کریمه‌ی ۶۹

۴. افتخاری، اصغر، ارزش و دانش، مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۲

همراه باشد که امید است در مجموعه‌های بعدی با
توفیق روزافزون الهی و نظرائمه‌ی هدی علیه‌السلام آن انوار
الهی در ظلمات زمین و نقدهای با حسن نیت جامعه
دانشگاهی مرتفع گردد.

سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

علیه‌پادری کجهری

معاونت تحلیل و بررسی اساتید تهران بزرگ

بهار ۱۳۹۱



فصل نخست؛ چرا دانشگاه‌ها اسلامی شوند؟ (ضرورت و اهمیت موضوع)

رویکرد ویژه‌ای که در انقلاب ایران به معرفت و دین وجود داشت موجب شد تا در کلیه‌ی تصمیمات اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب نگاهی ویژه به دانشگاه صورت گیرد. در این دروه کمتر رخداد فرهنگی‌ای در ایران مشاهده می‌شود که رد پای دانشگاه را در آن نبینیم.^۶ چه اگر دانشگاه‌های ما اسلامی بودند، این حضور آثار منحصربه‌فرد دیگری در پی می‌داشت. از طرفی اسلامی شدن دانشگاه ندای فطرت است و انسان با فطرت خدایی خود بدان متمایل است، هر گامی که در راستای فطرت برداشته شود استواری آن بدیهی و ضرورت آن تصدیق می‌گردد. از این روست که ولی امر مسلمین می‌فرماید؛ «فکر

۶. خواجه سروی، غلامرضا، دانشگاه اسلامی به مثابه راهبرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات ارزش و دانش، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۱، ۱۳۸۷، ص ۲۰۵

نمی‌کنم حتی یک نفر در دانشگاه‌ها باشد که ضرورت و خوب بودن و مفید بودن آن (اسلامی شدن دانشگاه‌ها) را احساس نکنند»^۷؛ در کلام معماران انقلاب اسلامی نیز این موضوع به کرات آمده است به منظور تبیین لزوم اسلامی کردن دانشگاه‌ها مطالبی از کلام اندیشمندان اسلامی در رأس آن، امر امامت امت و تأکید ولی امر مسلمین به عنوان راهبر و مهندس نظام فکری جمهوری اسلامی ایران که در مقاطع مختلف در خصوص ضرورت اسلامی شدن دانشگاه بیان گردیده خواهد آمد.

الف: تشخیص امام المسلمین، وظیفه‌ی شرعی و قانونی ملت:

تبیین نظر و دیدگاه امام‌المسلمین برای حرکت و بقاء بر صراط مستقیم ضروری است چرا که «آن که منوبٌ عنه را شناخت، به شناخت نایب راه نمی‌یابد. امام معصوم، نایب رسول اکرم است و ولایت فقیه، عهددار نیابت عام امام معصوم؛ پس آن که وحی و نبوت را شناخت، امام‌شناس نمی‌شود و آن که امام‌شناس نشد، نیابت عام و ولایت فقیه را نخواهد شناخت»^۸. از این رو طلیعه فصل نخست این مجموعه به آرمان بلند امام خمینی رحمته‌الله علیه و مطالبه‌ی مستمر رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام اختصاص می‌یابد.

فرمان امام خمینی رحمته‌الله علیه بر تغییر بنیادی دانشگاه

دانشگاه‌ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت‌های اسلامی... ما می‌خواهیم که اگر ملت ما در مقابل کمونیست ایستاد، تمام دانشگاهی‌های

۷. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۷۷/۲/۲۲

۸. جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی، موعود موجود، قم اسراء، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰ و ۱۵۹

ما هم در مقابل کمونیست بایستند ... ما دانشگاه اسلامی و دانشگاهی که تربیت کرده باشد جوانان ما را، نداشتیم و نداریم.^۹

مطالبه‌ی مستمر ولایت امر و امامت امت

رهبر معظم انقلاب علیه السلام اسلامی شدن دانشگاه را از نان شب هم واجبتر میدانند و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و سایر اقشار را مکلف به اقدام در این خصوص نموده‌اند.

واجب‌تر از نان شب

«اسلامی کردن دانشگاه‌های يك معنای عمیق و وسیع و جامعی دارد؛ و به اعتقاد من از نان شب برای دانشگاه‌ها واجب‌تر است»^{۱۰}.

تکلیف اعضای هیأت علمی

سوال؛ تکلیف نیروهای علمی تازه جذب شده به اعضای هیئت علمی دانشگاه در خصوص کمک به اسلامی کردن دانشگاه‌ها چیست؟

مسأله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها در برنامه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی است که برایش برنامه‌هایی دارند، کارهایی انجام می‌دهند و در زمینه‌های مختلف آن را ریز کرده‌اند. در این جهت، نیروی تازه جذب شده و نیروی قدیمی، فرقی نمی‌کند؛ گمان نمی‌کنم تفاوتی داشته باشد. به هر حال، در روش این کار، من هیچ دخالتی نمی‌کنم و نکرده‌ام. روش، مربوط به مسئولان

۹. این مطلب در روز اول اردیبهشت ۱۳۵۹، چند روز پس از طرح بحث‌هایی پیرامون تعطیلی دانشگاه‌ها و «انقلاب فرهنگی» توسط حضرت امام خمینی طی سخنانی بر لزوم اسلامی شدن دانشگاه‌ها ایراد شد.

۱۰. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، در دیدار روسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۷۶/۱۲/۶.

دانشگاه‌ها و اعضای برجسته‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی است؛ آن‌ها باید تصمیم بگیرند. من ایده را مطرح نمودم و از آن‌ها مطالبه کردم و مطالبه هم خواهم کرد... بنابراین، همه تکلیف دارند که در این زمینه کار کنند.^{۱۱}

چرا در محیط دانشگاه تصریح نمی‌شود که ما می‌خواهیم دانشگاه را اسلامی کنیم؟

می‌بینم که در محیط کار فرهنگی ما به عنوان اسلام، کار خیلی کمی انجام می‌گیرد. فرض بفرمایید وزارت ارشاد نمی‌آید اعلان کند که من می‌خواهم «سینمای اسلامی» درست کنم! مگر ما از چه خجالت می‌کشیم؟! يك روز در این دنیا کسانی بودند که از گفتن «بسم الله» و از بردن نام اسلام، خجالت می‌کشیدند؛ ما آمدیم اسلام را در دنیا سگه‌ی رایج و نرخ شاه‌عباسی کردیم. حالا خجالت بکشیم از اینکه بگوییم سینما و تئاتر اسلامی می‌خواهیم؟! چرا اعلان نمی‌کنند؟ صریحاً بگویند که ما می‌خواهیم سینمای مان را اسلامی کنیم. «سینمای اسلامی» یعنی چه؟ یعنی ما می‌خواهیم محتوای این تکنیک، این قالب و این هنر را که از دیگران گرفته‌ایم مثل خیلی چیزهای دیگر اسلامی کنیم. ما می‌خواهیم از قالب این، هرچه را که با اسلام منافات دارد، حذف کنیم. چه مانعی دارد این گفته شود؟! چرا گفته نمی‌شود که ما در هنرهای نمایشی مان و در دانشگاه و در فلان برنامه، کارگردان مسلمان می‌خواهیم؟! به این معنا تصریح شود که ما می‌خواهیم کارگردان مسلمان، فیلمنامه‌نویس و بازیگر مسلمان درست کنیم و فضای جامعه را اسلامی کنیم. چرا

۱۱. بیانات مقام معظم رهبری (عج)، ۷۷/۲/۲۲

این تصریح نمی‌شود؟! چرا در محیط دانشگاه تصریح نمی‌شود که ما می‌خواهیم دانشگاه را اسلامی کنیم؟! من چند سال قبل، این را مطرح کردم. البته اطلاع دارم که آقایان جلساتی دارید؛ إن شاء الله که این جلسات به نتایج خوبی هم برسد. من می‌گویم از اینکه شما بگویید «ما می‌خواهیم دانشگاه، اسلامی باشد»، خجالت نکشید و از این نترسید. این، آن چیزی است که این ملت برای آن قیام کرده است و من و شما پوسته‌ی رویی و ظاهر این ملت هستیم. اراده‌ی ما، فکر، گمان و روحیات ما حاکی از اعماق عظیم قشرهای این ملت نیست! قشرهای ملت، همان کسانی هستند که این انقلاب را به وجود آوردند، این جنگ را اداره کردند و این همه شهید دادند. الآن هم حاضرند؛ اگر امتحانی پیش‌آید، همان‌طور شهید خواهند داد، کشته خواهند شد و گرسنگی خواهند کشید. مردم، مؤمنند».^{۱۳}

چرا هنوز دانشگاه‌ها اسلامی نشده است؟

چرا پس از گذشت بیش از دو دهه از انقلاب فرهنگی، هنوز دانشگاه‌ها اسلامی نشده است؟ مسئولیت آن به عهده‌ی چه کسی است؟ البته کارهای خیلی خوبی شده؛ اما... دانشگاه‌ها صد درصد اسلامی نیست.^{۱۳}

ب: دانشگاه اسلامی، لازمه‌ی رشد و توسعه

رشد و توسعه «فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی اجتماعی می‌باشد و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد».^{۱۴} پس

۱۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۲/۲۷

۱۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۲/۲/۲۲

۱۴. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، قم اسراء، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳

رشد در آموزه‌های اسلامی، جریانی پویا و مداوم و همه جانبه با هدف به کمال رسیدن انسان است.

مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانی دانشگاه اسلامی را باعث پیشرفت توأم علم و اخلاق میدانند.^{۱۵} و در جای دیگر اسلامی شدن دانشگاه را شرط لازم علمی شدن آن میدانند ایشان بیان میدارند: «اگر بخواهید دانشگاه علمی هم بشود باید اسلامی بشود.»^{۱۶}

نیاز امروز کشور به دانشگاه حقیقتاً اسلامی

امروز کشور به دانشگاهی که حقیقتاً اسلامی باشد، نیازمند است... چنین دانشگاهی است که کشور را آباد می‌کند، و به نظام اسلامی آبرو می‌بخشد. و به پیشرفت توأم علم و اخلاق در جهان کمک می‌کند.

اگر اسلامی شدن دانشگاه را با این دید در نظر آورید، خواهید دید که برای این کار، تلاش استاد، شاگرد، مدیر، دانشجو، درس، برنامه و کتاب، همه و همه ضروری و دخیل است و البته نقش مجتمعات دانشجویی اسلامی و به ویژه دفاتر نمایندگی در آن ممتاز و برجسته است.^{۱۷}

دانشگاه اسلامی پایه‌ای برای رشد و تعالی علمی و سیاسی

«اهمیت دانشگاه و نقش دانشگاهیان در نظام جمهوری اسلامی و برای آینده‌ی آن، از جمله اموری است که مدیران کشور و مخصوصاً متصدیان امور فرهنگی، نباید لحظه‌ای

۱۵. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۵/۷/۳

۱۶. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۶/۱۲/۴

۱۷. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۵/۷/۳

نسبت به آن غفلت ورزند. امام فقید و عظیم‌الشان ما، در ده‌ها سند مکتوب و توصیه‌ی شفاهی مضبوط، این مهم را گوشزد و نسبت به آن تأکید فرموده‌اند. دانشگاه ما اگر اسلامی باشد، خواهد توانست بار علمی و اداری جامعه را در جهت استقلال و آزادی و سربلندی کشور بر دوش بکشد و پایه‌ای برای رشد و تعالی علمی و سیاسی در آینده باشد»^{۱۸}.

سرنوشت کشور در دست دانشگاهیان

در کشور ما پست‌های کلیدی دست دو گروه دانشگاهیان و حوزویان است اگر این دو گروه آگاهانه و هماهنگ عمل کنند به یقین نظام اسلامی بیمه خواهد شد و مشکلات نیز حل می‌شود.^{۱۹}

سرنوشت آینده‌ی کشور، عمدتاً به دست فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌هاست. قبل از پیروزی انقلاب به طور کلی در اختیار آن‌ها بود و روحانی جایی نداشت و اکنون فی‌الجمله یک جایی برای روحانی باز شده است - البته روحانیان نیز، چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت، آمادگی کافی برای پر کردن این خلأ را ندارند - و از طرف دیگر می‌دانیم که بسیاری از مفاسدی که ما با آن درگیر هستیم، ناشی از ضعف ما در علوم انسانی است.^{۲۰}

حضرت امام رحمه‌الله‌علیه فرمودند اگر می‌خواهید جامعه اصلاح شود باید قشر دانشگاهی اصلاح شود، این تأکید امام به دلیل آن بود که این قشر، رهبری فکری جامعه را تا حدود زیادی در اختیار دارند

۱۸. بیانات مقام معظم رهبری رحمه‌الله‌علیه، ۶۸/۷/۱۵

۱۹. بیانات آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار با مسئولان وزارت علوم

۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، سخنرانی در هجدهمین نشست انجمن فارغ‌التحصیلان مؤسسه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، ۸۸/۸/۱۵

و در این میان تنها علما و منبرها نیستند که مسئولیت هدایت را بر عهده دارند.^{۲۱}

تأثیر گذار بودن اساتید

امروز ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار دانشجوی کشور به اعضای هیئت علمی و اساتید سپرده شده‌اند. قرار نیست که این دانشجویان فقط مباحث علمی را یاد بگیرند مدرکی بگیرند و بروند. از نظر ما این‌ها باید آماده‌ی پذیرش حس مسئولیت‌های مهم در کشور شوند. پس چه کسانی باید تعلق خاطر دینی و فرهنگی را در دانشجویان به وجود بیاورد. ما معتقدیم که فقط اعضای هیئت علمی هستند که بیشترین تأثیر را در این عرصه دارند. نگاه ما به اساتید نگاه شاگردپروری است فقط بنا نیست آموزش علمی بدهند بلکه باید دانشجو را پرورش دهند. ورود به عرصه‌ی دل افراد مهمترین چیز است. ما برای ورود به دل افراد نیاز به افراد خاصی داریم و ابرازش این است که انسان خودش صاحب دل باشد که سخنانش تأثیر بگذارد.^{۲۲}

عقب بودن از قطار رشد و توسعه‌ی علوم

ما در شاخه‌های علوم طبیعی و تجربی و به خصوص آنچه که نتایج عینی عملی داشتند، شاهد پیشرفت‌های زیادی بوده‌ایم که باعث افتخار کشور ما، بلکه جهان اسلام است، اما به دلایلی در علوم انسانی این حرکت بسیار با کندی صورت گرفته است تا امروز که کسانی احساس مسئولیت کرده‌اند و به ندای مقام معظم رهبری علیه السلام در خصوص ضرورت این امر و بحث تهاجم

۲۱. بیانات آیت الله جعفر سبحانی در دیدار با فراکسیون دانشگاهیان مجلس شورای اسلامی

۲۲. حجت الاسلام محمدیان، مسئول نمایندگی مقام معظم رهبری علیه السلام در دانشگاه‌ها، سخنرانی در طرح ضیافت اندیشه، دانشگاه علوم پزشکی تهران

فرهنگی و سایر فرمایشات ایشان که ده‌ها سال در این زمینه تأکید کرده‌اند، لبیک گفته‌اند که امید است حرکت پربرکت خداپسندی باشد.^{۲۳}

ج: خطر دانشگاه غیر اسلامی

ما از دانشگاه غیر اسلامی می‌ترسیم

حضرت امام رحمته‌الله علیه تلاش زیادی در جهت رسوب زدایی از افکار غرب زده و شرق زده و استعماری در جهت ایجاد دانشگاهی مستقل داشتند ایشان بیان می‌داشتند؛ «عزیزان من، ما از حصر اقتصادی نمی‌ترسیم. ما از دخالت نظامی نمی‌ترسیم. آن چیزی که ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است. ما از دانشگاه استعماری می‌ترسیم.»^{۲۴} در جای دیگر فرمودند؛ «این وابستگی فکری، وابستگی عقلی و وابستگی مغزی به خارج منشا اکثر بدبختی‌های ملت‌ها و ملت ماست.»^{۲۵}

مصونیت دانشگاه از بلایا

و اگر اسلامی نباشد، به همان بلیه‌ای دچار خواهد شد که در ده‌ها سال حاکمیت رژیم گذشته، به آن مبتلا شده بود؛ سقوط علمی و اخلاقی و ناتوانی از برآوردن نیازهای ملتی که اراده کرده است عقب ماندگی و وضعی را که بر او تحمیل شده است، با عزم و ایمان انقلابی خود جبران کند.^{۲۶}

خطر اتکای به علوم غیر اسلامی و غیر بومی

۲۳. مضمون بیانات آیت الله مصباح یزدی در کنگره علوم انسانی اسلامی، خرداد ۹۱

۲۴. سخنرانی حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه مورخ ۵۹/۲/۱

۲۵. صحیفه نور، ج ۶، ص ۵۷۳

۲۶. بیانات مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه، ۶۸/۷/۱۵

سوال: اهداف مطرحکنندگان ایده‌ی لزوم تولید علوم انسانی، چیست؟ به عبارت دیگر سرّ تأکید چند و چندباره‌ی مقام معظم رهبری علیه السلام بر لزوم بومیسازی علوم انسانی در کشور چیست؟ خطر اتکای به علوم غیربومی و وارداتی چه می‌باشد؟

علوم انسانی عرض عریضی دارد و یک بخش آن شامل برخی مسائل کاربردی است که حتی در زندگی روزمره‌ی ما و عموم مردم نقش دارد؛ مسائلی که به روان‌شناسی، علوم تربیتی، مسائل خانوادگی و... مربوط است و تقریباً عام‌البلوی است و هیچ‌کس از آن مستثنی نیست. اگر دیدگاه‌های اسلام در این مسائل روشن شود برکات فراوانی خواهد داشت و اگر خدای ناکرده در آن‌ها انحرافی صورت گیرد و کسانی در این جهات، نگرشی مخالف با اسلام پیدا کنند، دود آن در چشم همه می‌رود.

بخش دیگر، علمی است که سطح خاص‌تری دارد و بیشتر با نخبگان ارتباط پیدا می‌کند؛ با کسانی که در نهادهای مختلف دولتی و شبه‌دولتی در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها فعالیت می‌کنند. این افراد از یک سلسله‌گزاره‌های علوم انسانی استفاده می‌کنند که اگر خدای ناکرده انحرافی در آن‌ها پیدا شود، ابتدا زیانش متوجه گروه خاصی می‌شود؛ ولی نهایتاً با واسطه به سایر مردم هم سرایت می‌کند؛ مثل مسائل اقتصادی، حقوقی، سیاسی و... اگر اقتصاد ما به معنای واقعی کلمه اقتصاد اسلامی نباشد و کسانی بر اساس همان تئوری‌های اقتصادی غربی که در دنیا معروف است، تصمیم‌گیری کنند،

اختلالاتی در دستگاه‌های مربوط پیدا خواهد شد و طبعاً با واسطه، نقایص آن به عموم مردم هم سرایت می‌کند. مثلاً اگر در بعضی از برنامه‌های اقتصادی بر اساس اقتصاد رایج جهان و اقتصاد لیبرال تصمیم‌گیری شود این احتمال وجود دارد که بعضی از قوانین ما با مسائل ربوی آلوده شود. این اشکال، اول متوجه نخبگانی است که در قوه‌ی مقننه یا در دولت و وزرات اقتصاد یا وزرات‌های مربوط دیگر در تصمیم‌گیری‌ها مؤثرند؛ ولی به هر حال فساد آن به همه‌ی جامعه سرایت می‌کند. این هم بخشی از علوم انسانی است که مستقیماً با همه‌ی مردم سروکار ندارد؛ ولی با واسطه‌ی نخبگان، تصمیم‌گیران، برنامه‌سازان و تصمیم‌سازان به مردم هم می‌رسد. سلسله‌ی دیگری از مسائل علوم انسانی هم هست که از این مسائل، کلی‌تر و بنیادی‌تر است؛ جنبه‌ی کاربردی آن ضعیف است ولی از مسائل بنیادی است. این مسائل، داوطلب کمتری برای تحقیق دارد؛ چون انسان به طور طبیعی وقتی دنبال کاری می‌رود یا پروژه‌ای را اجرا می‌کند یا تحقیقی را انجام می‌دهد، دوست دارد نتیجه‌اش را ببیند؛ اگر نتیجه‌اش ظاهر شد برای ادامه‌ی کار تشویق می‌شود؛ می‌گوید زحمتی که کشیدم اثر داد. در تحقیقات کاربردی وقتی تحقیقی انجام می‌گیرد امکان عملی شدن آن زیاد است و انسان می‌تواند نتیجه‌اش را هم ببیند؛ وقتی حُسن نتیجه‌اش را دید برای ادامه کار و عمق بخشیدن به آن تشویق می‌شود.^{۲۷}

۲۷. آیت الله مصباح یزدی،
نقل از پایگاه اطلاع رسانی
معظم له

این تخصص، تخصص مهلک است نه سازنده

دانشگاه تربیت شوند که برای ملت خودشان باشند.^{۲۸}

خطر علوم بنیادی غیر اسلامی

باشد مواد عداپی، درست به سایر اعضاء نمی‌رسد. اگر ریشه

۲۸. بیانات امام خمینی
 نقل از <http://jamaran.ir/fa/>

سمومی را جذب کرد به جای این که درخت میوه‌ی سالم بدهد میوه‌ی زهرآگین، فاسد و بیمارکننده‌ای را تحویل می‌دهد. همه‌ی مردم که زیر زمین را نمی‌بینند، ساقه و شاخ و برگ درخت را می‌بینند؛ ولی آن‌ها که ژرف‌نگرند و دقت بیشتری دارند، می‌بینند که همه‌ی این‌ها از ریشه تغذیه می‌شوند. در این مثال، محل تشبیه فقط تأثیری است که ریشه در ساقه و شاخ و برگ دارد؛ و الا ممکن است برخی تأثیرها از نور و هوا و... هم حاصل شود و یا تأثیر متقابل بین ریشه و سایر اعضا وجود داشته باشد. مسائل بنیادی در علوم انسانی حکم ریشه را دارند؛ اگر این ریشه‌ها در جای خودش مستحکم شده باشند شاخ و برگ‌هایی که از آن‌ها می‌روید نتیجه‌ی خوبی خواهد داد، اما اگر این ریشه‌ها فاسد باشد یا غذایی که از راه ریشه‌ها به گیاه می‌رسد مواد سمی باشد، آثار نامطلوبی در شاخ و برگ‌ها و نهایتاً در میوه‌ها خواهد داشت. چه بسا نتوان نشان داد که این میوه، مضر و خطرناک است و بگویند: درخت سالم است و هیچ اشکالی ندارد؛ ولی زمانی روشن می‌شود این میوه‌ها مسموم بوده‌اند که مصرف شوند و آثار آن‌ها ظاهر شود؛ آن وقت هم دیگر کار از کار گذشته است مسائل بنیادی در علوم انسانی حکم ریشه‌ها را دارند؛ اما داوطلب برای تحقیق در این مسائل کم است؛ چون به دقت زیاد، استعداد خاص و حوصله‌ی زیاد نیاز دارد. باید انسان سال‌ها زحمت بکشد تا یک مبنا و یک مسأله بنیادی را حل کند با این که چندان اثر عملی ظاهری ندارد؛ یعنی روشن نیست که در عمل چه

نتیجه‌ای دارد. به همین دلیل غالباً به خصوص در کشورهای
 که رشد فرهنگی‌شان ضعیف است مسائل بنیادی، کمتر مورد
 توجه قرار می‌گیرد و حتی همان طور که عرض کردم بعضی‌ها
 بی‌مهری می‌کنند و می‌گویند: این‌ها وقت تلف کردن است؛ باید
 بحثی مطرح کنید که نتیجه‌ای داشته باشد! غافل از این‌که
 وقتی ریشه خراب است بحث‌های دیگر پا در هواست؛ «وَمَثَلُ
 كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» سخن آلوده
 به درخت ناپاکی می‌ماند که از روی زمین برکنده شده، و قرار و
 ثباتی ندارد قرآن می‌گوید اگر درخت بی‌ریشه باشد این شجره،
 خبیث است و نمی‌تواند ثباتی داشته باشد. این شاخ و برگ‌ها
 وقتی می‌توانند استقرار داشته باشند و تأثیر ببخشند و نقش ایفا
 کنند که ریشه‌ی محکمی داشته باشند. اگر ریشه خراب شد،
 آن‌ها نمی‌توانند نقش خودشان را درست ایفا کنند؛ چند روزی
 تأثیرات موقت می‌گذارند و خشک می‌شوند و دور می‌افتند؛
اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ. بنابراین مسائل بنیادی
 را نباید کم‌اهمیت شمرد؛ البته نمی‌گوییم همه‌ی نیروهایمان را
 صرف مسائل بنیادی کنیم، ولی باید به این نکته توجه داشت
 که همه‌ی نیروهایمان را هم صرف مسائل کاربردی نکنیم. باید
 بدانیم که مسائل کاربردی مبتنی بر مسائل دیگری است که
 آن‌ها باید در جای خودش حل شده باشد تا نتایج درستی بر
 آن‌ها مترتب شود و الا مصداق این آیه‌ی شریفه‌ی «كَشَجَرَةٍ
خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» خواهد شد.^{۲۹}

۲۹. آیت الله مصباح یزدی،
 نقل از پایگاه اطلاع رسانی
 معظم له



فصل دوم؛ مفهوم دانش و دانشگاه اسلامی

دانش و دانشگاه اسلامی یعنی چه؟ چه مؤلفه‌هایی دارد؟ دانشگاه اسلامی چه تفاوتی با دانشگاه‌های دیگر دارد؟ آیا به صرف گنجاندن چند درس معارف و تاریخ اسلام و... در سرفصل دروس و احیاناً آویزان کردن چند تابلو در دانشگاه می‌توان دانشگاه را اسلامی کرد؟

آنچه که مسلم است این است که «منظور از اسلامی شدن دانشگاه‌ها، همیشه و همه جا و نزد همه درست فهمیده نشده.... بعضی‌ها آن را خیلی محدود، کوچک و ضعیف فهمیده‌اند. مقصود، يك مسأله‌ی خیلی والاتر از این حرف‌هاست».^{۳۰}

نقد و بررسی تفاسیر مختلف از مفهوم «دانشگاه اسلامی» بر اساس دیدگاه‌های دینی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی اندیشمندان مختلف مجال گسترده‌ای نیاز دارد ولی معنای

۳۰. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام ۷۷/۲/۲۲

اراده شده از این موضوع در فهم و درک مساله و یافتن راه حل مناسب برای آن موثر است. لذا در این جا در جهت تبیین شبکه مفهومی نوشتار به برخی از تعابیر در کلام اندیشمندان اشاره می شود.

الف: مفهوم دانش اسلامی (علم دینی)

چندی است در برخی از محافل علمی دانشگاهی و حوزوی، به جای تعبیر «رابطه علم و دین» تعبیر دیگری مطرح شده است؛ «علم دینی» تا پیش از این چنین تعبیری در خصوص علوم به کار برده می شد که یا مقدمه ی فهم متون دینی بودند (مانند عربی و منطق و ...) یا خود فهم متون دینی بودند مانند فقه و کلام. متفکرینی چون شهید مطهری رحمته الله علیه^{۳۱} این تلقی را نقد می کردند. ایشان علم دینی را به معنای هر علمی که در راستای خدمت به جامعه دینی قرار بگیرد می دانستند.^{۳۲}

همانطور که برخی از نویسندگان^{۳۳} گفته اند؛ سوال این است که آیا «علم دینی» ترکیب معنی داری است؟ اگر هست، معنای واضح و دقیق آن چیست؟ ربط و نسبتش با این علوم موجود که با عنوان کلی به «science» تعبیر می شود و با خود دین چگونه است؟ راهکار تحقق آن چیست؟ آیا این راهکار از جنس تهیه کردن بسترهای مناسب برای شکوفایی يك علم است یا از جنس يك سلسله توصیه های روش شناختی کاملاً واضح، به نحوی که با يك برنامه ریزی دقیق و مشخص ظرف چند سال معین بتوان به میزان مشخصی از علم رسید؟

۳۱. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، صدرا، چ ۸، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱

۳۲. سوزنجی حسین، ارزش و علم، درآمدی بر علوم انسانی اسلامی، مجموعه مقالات ارزش و دانش، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵

۳۳. سوزنجی، حسین، ارزش و علم، درآمدی بر علوم انسانی اسلامی، ص ۱۴۵

منظور اسلام از علم کدام علم است؟

در اینکه در قرآن و روایات راجع به علم، تاکید و توصیه فراوان شده، هیچ شکی وجود ندارد به طوری که وجوب علم در اسلام نه مقید به متعلم و یا معلم خاصی است و نه از لحاظ زمان و مکان، محدودیتی دارد. اما این جا سوال مهمی پیش می آید و آن این است که منظور اسلام از علم، کدام علم است؟ شاید به ذهن برسد که مقصود از همه ی توصیه ها، فراگیری علم خود دین است که در این صورت، اسلام خودش را تبلیغ کرده، در حقیقت به خودش توصیه کرده و درباره ی موارد کلی علم که همان اطلاع بر حقایق عالم هستی است سخنی نگفته است. اما شواهدی زیاد، گواه است که مراد اسلام از علم، علم دین نمی باشد، از جمله این که در احادیث آمده: (علم بیاموزید حتی از مشرکین و یا حتی با سفر به کشور چین)؛ واضح است که علوم دینی نزد مشرکین وجود ندارد؛ یا توصیه شده است به فراگیری علم نافع؛ این اطلاق عام، تمامی علوم را که به نحوی به بشر فایده می رسانند، شامل می شود. از طرف دیگر می بینیم هنگامی که از اواخر قرن اول هجری به بعد، انواع کتابهای علمی توسط دستگاه خلافت به زبان عربی ترجمه و وارد فرهنگ مسلمین شد، در تاریخ هیچ اعتراض و انتقادی از سوی ائمه ی اطهار علیهم السلام به این حرکت ذکر نشده است که این دلیل موافقت آن ها با این جریان می باشد. دلیل سوم اینکه می بینیم قرآن علم را به طور کلی نور، و جهل را ظلمت معرفی می کند و انسان ها را به تفکر در موضوع هایی دعوت می کند که

لازم و واجب می‌شود به اصطلاح علما علم هم وجوب نفسی و هم وجوب تهیئی دارد یعنی هم می‌تواند مستقلاً دارای ارزش باشد و هم به انسان آمادگی می‌دهد که بتواند سایر وظایف خود را انجام دهد پس وجوب علم تابع میزان احتیاج جامعه اسلامی است و کارهایی که جامعه به آن‌ها نیاز دارد آموختن علم آن‌ها واجب است.^{۳۷}

تولید علم دینی در کدام دسته از علوم؟

سوال: از آن‌جا که برخی قائل به تولید علوم دینی در تمامی حوزه‌ها و برخی اصولاً مخالف امکان علم دینی و برخی اسلامی شدن علوم را تنها در حیطه‌ی علوم انسانی می‌دانند، به نظر شما در عبارت «تولید علم دینی» مراد از «علم» و «علم دینی» چیست؟

بعد از دوران رنسانس در اروپا تحولاتی جهانی در عرصه‌ی آموزش اتفاق افتاد که سبب شد بسیاری از ارزش‌های علمی روز، جایگاه خود را از دست داده و ارزش‌های دیگری جایگزین آن‌ها شود این موضوع سبب ایجاد تقابل و تعارض میان علوم قدیم (علوم دینی) و جدید (علوم تجربی) شد که تا مدت‌ها باعث بروز بحران فکری و مروج‌گرایی شک‌گرایی در قرون وسطی بود. جامعه‌ی حوزوی و دانشگاهی کشور باید تاریخچه و مبانی پیدایش علوم جدید در اروپا و جهان را با دقت بررسی کنند تا بتوانند با موج علوم غربی مسلط بر فضای علمی کشور مقابله کنند. در تعاریف مصطلح امروزی در جوامع غربی، علم

۳۷. استاد شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله، ده گفتار، ص ۱۶۵ به بعد. نقل از صد گفتار خلاصه آثار شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ص ۶۲

دینی در برابر علم دانشگاهی و مرادف با علوم قدیم دانسته می‌شود که با توجه به نام دیگر علوم دانشگاهی که علوم جدید است در واقع تقابل علم دینی و دانشگاهی تقابل علم جدید و قدیم تصور می‌شود. متفکران غربی و طرفداران آن‌ها برای علوم به اصطلاح قدیم جایگاهی قائل نیستند و معتقدند که تنها علوم جدید نتایج ارزشمندی برای بشر به همراه داشته‌اند. باید به این نکته توجه داشت که علم برابر با تجربه نیست بلکه علم آشنایی با تمام حقایق و به بیان دیگر کشف حقیقت است. دین نیز در اصطلاح علمای اسلامی از سه عنصر اعتقاد به خدا، قیامت و رابطه‌ی وحیانی میان خدا و خلق تشکیل شده و به تمامی شئون زندگی انسانی اعم از فردی و اجتماعی رنگ خدایی می‌دهد، سلیقه‌ای و دل‌خواهی نیست، و جدی‌ترین مسأله در زندگی بشر به شمار می‌آید با توجه به تعاریف علم (کشف حقیقت) و دین (برنامه‌ی جامع فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی)، ترکیب علم دینی شکل می‌گیرد. در تعریف صحیح علم دینی باید شأن ذاتی دین و هدف اصلی آن حفظ شود که همانا بیان حقایقی است که دسترسی به آن‌ها از راه‌های متعارف و عمومی فهم امکان‌پذیر نیست. علم دینی تنها شامل معلوماتی می‌شود که از منابع اختصاصی دین (کتاب و سنت) استخراج شده باشند، که البته این معلومات باید نتایجی یقینی باشند که با روش‌های یقینی از منابع یقینی به دست آمده باشند. باید توجه داشته باشیم که هر علمی که از آیات و روایات استخراج می‌شود را هم نمی‌توان علم دینی

قلمداد کرد، چرا که برخی از این معلومات (همچون مثال‌های قرآن) تنها نقشی ابزاری برای تبیین هدف دین دارند و خود جزئی از علم دینی نیستند، همان‌گونه که عقل نیز از نظر اسلام معتبر است ولی همه مدرکات آن (مانند معادلات دو مجهولی یا مسائل منطقی) جزء دین به‌شمار نمی‌روند. در مباحث و گفت‌وگوهای علمی نباید به آیات متشابه و روایات ضعیف تمسک شود چون در آینده‌ای نه چندان دور از همین آیات و روایات متشابه و ضعیف در برابر ما استفاده خواهند کرد که زیان‌های جبران‌ناپذیری برای اسلام به همراه خواهد داشت. منابع دینی باید به خوبی شناخته شوند و سهل‌انگاری در این کار باعث انحراف و برداشت‌های نادرست از دین می‌شود، همان‌طور که بسیاری از انحرافات گروه‌های الحادی و التقاطی از نسبت‌دادن‌های ساده‌انگارانه به دین ناشی می‌شود و باعث خسارات فراوانی شده است.^{۲۸}

علم اگر علم باشد نه وهم و خیال و فرضیه‌ی محض، هرگز غیر اسلامی نمی‌شود

علم اگر علم باشد نه وهم و خیال و فرضیه‌ی محض هرگز غیر اسلامی نمی‌شود. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد به ناچار اسلامی و دینی است و معنا ندارد که آن را به دینی و غیر دینی و اسلامی و غیر اسلامی تقسیم کنیم.

۲۸. آیت الله مصباح
یزدی، هشتمین همایش
وحدت حوزه و دانشگاه،
۱۳۸۹/۱۰/۴

عقلانیه است و در مرز فرضیه و وهم و گمان به سر نمی برد، یقیناً اسلامی است هرچند شخص فیزیکدان ملحد و یا شاک باشد. اینکه او به سبب اعوجاج و الحادش ارتباط عالم طبیعت با خدا را قطع کرده و خلقت را باور ندارد، موجب آن نیست که فهم او از طبیعت در صورتی که حقیقتاً علم یا کشف اطمینان آور باشد، فاقد حجیت و اعتبار شرعی تلقی گردد و تفسیر فعل خدا قلمداد نشود. همان گونه که اگر کسی ملحدانه ارتباط قرآن که کتاب تدوینی است با خداوند را قطع کرد و این حقیقت را نادیده گرفت که خدای سبحان این کتاب را برای اهداف والایی؛ نظیر هدایت متقیان و اقامه قسط، نازل کرده است، با این حال به بررسی و تفسیر قرآن پرداخت و جهات ادبی و لطایف و فصاحت و بلاغت آن را بررسی نمود و به مطالعه قصص و تاریخش پرداخت و معارف حکمی و کلامی آن را ارزیابی کرد نمی توان به استناد الحادش، فهم و تفسیر او را گرچه با رعایت شرایط کامل فهم و ادراک معتبر و مضبوط صورت گرفته باشد، مخدوش و ناموجه اعلام کرد، زیرا تفسیر قول خداوند سبحان اگر وهم و حدس نباشد و تفسیر صحیح و فهم درست باشد، به اسلامی و غیر اسلامی تقسیم نمی شود هرچند صاحب این فهم به مسلمان و غیر مسلمان تقسیم شود. شاهد این مدعا آن است که قرآن که بر پیامبر نازل می شد مردم را که شامل کفار و مشرکان نیز می شدند مخاطب قرار می داد و اسلام را به آنان معرفی می کرد اگر فهم آنان از این آیات مطابق اسلام نباشد و فهم قرآن به اسلامی و غیر اسلامی (به حسب مفسر)

تقسیم شود ابلاغ رسالت و محتوای دین اسلام به مردم صورت پذیرفته است. پس فهم قرآن فهم محتوای اسلام است و این علم و معرفت، اسلامی است، گرچه کسی که آن را فهمیده بر اثر قبول یا نکول یا مسلمان است و یا کافر.

اگر کسی همانند (و به اندازه‌ی) حضرت موسی علیه السلام معتدل و جامع نبود و حقیقت نظام را مثله کرد و «ربنا الذی اعطی» را که راجع به مبدا فاعلی است نادیده گرفت و «ثم هدی» را نیز که ناظر به مقصد غایی است کنار زد و فقط بر نظام داخلی اشیاء و عالم متمرکز شد و تلاش کرد تا نظم درونی اشیاء و اسرار نهفته در دل مواد و موجودات و روابط پیچیده و محیرالعقول آن‌ها را کشف کند، نمی‌توان و نباید به جرم غفلت او از دیگر بخش‌های حقیقت این بخش از نظام هستی را نامعتبر و ناصوب دانست، پس چنین فهمی از طبیعت، به اسلامی و غیر اسلامی تقسیم نمی‌شود، بلکه همواره دینی و اسلامی است و در درون هندسه معرفت دینی جایگاه خویش را حائز است.^{۳۹}

پاسخ امام خمینی رحمته الله علیه به توهّم برخی در خصوص علوم اسلامی
بعضی گمان کردند که [مراد از اسلامی کردن دانشگاه این است که] علوم دو قسم است: هر علمی دو قسم است. علم هندسه یکی اسلامی است، یکی غیراسلامی. علم فیزیک یکی اسلامی است، یکی غیراسلامی. از این جهت اعتراض کردند به اینکه علم، اسلامی و غیراسلامی ندارد. و بعضی توهّم کردند که این‌ها که قائلند به اینکه باید دانشگاه‌ها اسلامی بشود؛

۳۹. آیت الله جوادی آملی،
منزلت عقل در هندسه‌ی
معرفت دینی، صص ۱۴۳
به بعد.

است که عبارتند از؛ ۱- در راس آن يك عالم علوم اسلامی باشد
۲- علوم اسلامی در آن تدریس شود ۳- دانشجویان آن از روحیه
اسلامی برخوردار باشند ۴- در کشور اسلامی فعالیت نماید ۵-
بر مبنای اندیشه اسلامی تاسیس شده باشد ۶- دارای اهداف
و آرمان‌های اسلامی باشد ۷- دانشگاهی است که اهداف،
راهبردها، برنامه‌ها و دستاوردهای خود را در دو حوزه تولید
علم و عالم و بر مبنای آموزه‌های اسلامی طراحی کند و بدان
اهتمام ورزد و ...^{۴۲} ولی به راستی مراد و منظور اندیشمندان و
معماران انقلاب اسلامی از دانشگاه اسلامی که بازوی مدیریتی
نظام است، چیست؟

تحلیل برخی از تعاریف ارائه شده در خصوص دانشگاه اسلامی
در این جا به تحلیلی که در خصوص مفهوم دانشگاه اسلامی در
آثار برخی از علما^{۴۳} آمده اشاره می‌شود:

برخی گفته‌اند؛ دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که صرفاً جو
علمی در آن غالب باشد چون اسلام طرفدار علم و تحقیق است.
یا دانشگاه اسلامی آن است که آزادی اندیشه در آن حاکم باشد
زیرا اسلام همواره طرفدار آزادی اندیشه و تفکر است اگر چنین
دانشگاهی اسلامی است پس بسیاری از دانشگاه‌های غربی هم
اسلامی است.

برخی گفته‌اند؛ همین که ادب و اخلاق اسلامی حاکم باشد به
صورتی که افراد اعم از دانشجو و استاد بر خلاف مظاهر اسلامی
تظاهر نکنند و بانوان حجاب را رعایت کنند و ارتباط زن و مرد

۴۲. گودرزی، غلامرضا،
دانشگاه اسلامی در چشم
انداز آینده یا تاکید بر حوزه
نیروی انسانی، ص ۲۰۹

۴۳. آیت الله مهدوی کنی،
دین محوری در آموزش،
مجموعه مقالات سمینار
دانشگاه، جامعه و فرهنگ
اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۹

بر اساس ضوابط شرعی باشد دانشگاه اسلامی حاصل می‌شود ولی در این صورت دانشگاه اسلامی با یک کارخانه اسلامی و اداره اسلامی و سایر نهادها تفاوتی نخواهد داشت.

برخی مدیریت اسلامی را شرط اسلامی شدن می‌دانند در این صورت دانشگاه در ردیف سایر دستگاه‌ها خواهد بود.

برخی معتقدند؛ دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که محتوی علمی و روش آموزش آن اسلامی باشد یعنی علوم نظری و انسانی که از لحاظ جهان بینی یا ارزشی و اخلاقی و حقوقی که با مکتب در ارتباطند بایستی بر طبق اصول دینی و فلسفه اسلامی تدوین شده باشد و مسائل مخالف مکتب بایستی حذف شده و حداقل نظریه مکتب اسلامی همراه آن تدوین و تدریس شود و قهراً اساتید از بین معتقدین انتخاب شوند.

عده‌ای دیگر اسلامی شدن دانشگاه را در گزینش‌های دقیق نسبت به آحاد دانشجو و اساتید می‌دانند. که عملاً دوام نخواهد یافت و با حقوق شهروندان در تعارض خواهد بود.^{۴۴}

برخی اینگونه تفسیر می‌کنند اسلامی کردن دانشگاه این است که روش تحقیق در علوم باید متحول شده و علوم طبق قرآن و حدیث بیان شود و چون این تصور بسیار خام است و نمی‌توان علوم را از قرآن و حدیث استخراج کرد، برخی معتقد شدند منظور از اسلامی کردن علوم انسانی این است که این علوم به نحوی تبیین و تدریس شود که با اسلام تضاد و تقابل نداشته باشد. از طرفی برخی مطرح می‌کنند که علوم انسانی موجود

۴۴. آیت الله مهدوی کنی، دین‌محوری در آموزش، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۰

با زحمات میلیون‌ها انسان و در طول قرن‌ها شکل گرفته و نمی‌توان بر روی همه‌ی آن‌ها خط بطلان کشید و سراغ قرآن و حدیث رفت. ... (آنچه مسلم است) منظور از اسلامی کردن علوم انسانی، کاری تبعیدی و تعصب‌آمیز نیست که هدف آن اثبات یک گرایش ایدئولوژیک یا یک حزب و حتی به کرسی نشاندن آرمان‌های انقلابی باشد، بلکه فعالیتی صد درصد علمی است، هر چند در نهایت سبب می‌شود عالمی ریزه‌خوار این خان گسترده شوند.^{۴۵}

معنای اسلامی شدن دانشگاه این نیست که آدم بی‌دین در دانشگاه نباشد (هر چند در دانشگاه) باید دین وجه غالب باشد.^{۴۶}

استقلال فرهنگی از غرب و شرق شرط اسلامی شدن دانشگاه
معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم.^{۴۷}

اسلامی کردن دانشگاه به معنی بسنده به امور ظاهری و کم اهمیت نیست

اسلامی کردن دانشگاه‌ها به این معنی نیست که اکنون اساتید و دانشجویان هستند و باید دیندار شوند به تعبیر مقام معظم رهبری علیه السلام معنایش این نبود که دانشگاه‌های ما روسای ناباب

۴۵. مضمون بیانات آیت الله مصباح یزدی، کنگره‌ی علوم انسانی اسلامی، خرداد ۱۳۹۱

۴۶. مضمون بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۶/۱۲/۶

۴۷. سخنرانی حضرت امام خمینی علیه السلام مورخ ۵۹/۲/۱

یا آدمهای ناجوری دارد یا دانشجوهای ما بیدینند خیر... در بین آنها افراد متدین خیلی زیاد است.^{۴۸} در هر کجای جامعه اسلامی و از جمله در دانشگاه باید با مظاهر فساد و فسق مقابله شود اما قشری تصور کردند که اسلامی کردن دانشگاه در همین امر خلاصه میشود.^{۴۹} در حالی که مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند: من منظورم از آن حرفی که آن وقتها بارها تکرار کردم این نبود که ببینید زلف چه کسی از دخترها بیرون است با عنف او برخورد کنند و با فلان جوان که مثلاً بازوهایش بیرون است آن جور کنند! این نبوده اینها چیز کوچکی است اینها ظواهر و مظاهر هستند اهمیتی هم ندارند. بحث برسر اعتقادات و باورهای دینی و آن ایمان درخشان و ارزشمند و بسیار کارآمد دینی است.^{۵۰}

معنای اسلامی کردن دانشگاه این نیست که دانشجویان لباس روحانیت بپوشند یا حوزه به دانشگاه منتقل شود یا چند واحد معارف اسلامی در دانشگاه تدریس شود مقوله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها بسیار عمیق‌تر و ظریف‌تر از چنین برداشت‌های سطحی و کوتاه‌اندیشانه‌ای است.

دانشگاه اسلامی و ملی در مقابل دانشگاه استعماری

حضرت امام رحمته الله علیه، دانشگاه پیراسته از آثار منفی و آراسته به استقلال، خودکفایی، آزادگی و دیانت را «دانشگاه اسلامی و ملی» می‌خوانند و نقطه‌ی مقابل چنین دانشگاهی را نیز دانشگاه استعماری می‌نامند.^{۵۱}

۴۸. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار با روسای دانشگاه‌ها، ۱۳۷۷/۹/۹

۴۹. حجت‌الاسلام محمدعلی یوسف‌زاده مسؤول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری علیه السلام در دانشگاه شهید بهشتی علیه السلام، ۱۳۸۸/۹/۲۸

۵۰. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار با روسای دانشگاه‌ها، ۱۳۷۷/۹/۹

۵۱. حجه الاسلام محمد داوری و علی سلیمی، ویژگی‌های دانشگاه اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه

تعلیم و تربیت استعماری

رهبر فقید انقلاب اسلامی رحمة الله علیه ما در وصیت نامه سیاسی الهی، مشخصه های تعلیم و تربیت استعماری را تبیین نموده است ما نیز از باب «تعرف الاشياء باضدادها» می توانیم با شناخت آن ها به سوی تعلیم و تربیت اسلامی گام برداریم. ایشان در خصوص هدف تعلیم و تربیت استعماری؛

۱. غرب زده و شرق زده کردن کشورها
 ۲. بیگانه نموده کشورهای استعمارزده از خود
 - را به عنوان اهداف تعلیم و تربیت استعماری بیان می دارد.
 - همچنین در خصوص روش های این نوع تعلیم و تربیت استعماری می فرماید؛ این روش با
 ۱. سوء استفاده از قرآن و روحانیت
 ۲. تبلیغات خود
 ۳. تبلیغات مراکز فساد و فحشا و ...
 ۴. استفاده از معلمان و استادان غرب زده
- عملی می شود.^{۵۲}

اسلامی کردن دانشگاه، به معنی ساختن مسجد، برپایی مراسم و ... نیست

اسلامی کردن دانشگاه به معنای ساختن مسجد و برپایی نماز جماعت در دانشگاه نیست، بلکه اسلامی کردن دانشگاه به معنای اسلامی کردن آموزه های دانشگاه هاست. این کار

۵۲. وصیت نامه ی امام خمینی رحمة الله علیه

سنگینی است چرا که انقلاب فرهنگی از انقلاب سیاسی بسیار دشوارتر است، این تحول به زمان طولانی نیاز دارد و از طرفی سایه انداختن مسائل سیاسی بر امور فرهنگی نیز سبب تأخیر در این تحول شده است.^{۵۳}

دانشگاه کاملاً اسلامی

(دانشگاه) اسلامی هم فقط به معنای رعایت کردن حجاب و این حرف‌ها نیست؛ همین تحقق علم و تحقیق، اسلامی است. اگر بخواهیم دانشگاه به طور کامل اسلامی باشد، باید همه‌ی جنبه‌ها در آن رعایت شود، که نشده است. البته باید تلاش کنید؛ کار دست شما دانشجویان است.^{۵۴}

۵۳. آیت الله مصباح یزدی، سخنرانی در کنگره‌ی بین المللی علوم انسانی اسلامی، خرداد ۱۳۹۱

۵۴. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۸۲/۲/۲۲



فصل سوم؛ پیشینه‌ی احیاء دانش و دانشگاه اسلامی

«تمدن‌های بشری در اصل از ادیان و مذاهب سرچشمه گرفته و سپس به تناسب اوضاع و احوال توسعه یافته است. بنابراین نظام آموزش و تعلیم و تربیت در پرتو دین پدیدار گشته و با ظهور اسلام اولین جریان پدیدار شده فرهنگی در عرصه زندگی و نظام آموزشی، دین محوری بوده است.^{۵۵} با مطالعه روایاتی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است می‌توان به قطع گفت که پیشینه‌ی بحث دانش اسلامی به صدر اسلام بر می‌گردد.

همچنین «بسیاری از اندیشمندان بلاد اسلامی اندیشه و دغدغه‌ی بازسازی علم مدرن را بر اساس اصول دین اسلام به طرق و شیوه‌های گوناگون در ذهن پرورانیده‌اند.»^{۵۶}

۵۵. آیت الله مهدوی کنی، دین محوری در آموزش، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱

۵۶. خواجه سروی، غلامرضا، دانشگاه اسلامی به مثابه‌ی راهبرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات، ص ۳۰۷

الف: احیای تفکر دینی توسط حوزه‌های علمیه 
حکمایی چون ابن سینا و دیگران نیز در آثار خود از علوم

اسلامی و معیارهای علم اسلامی غافل نبوده‌اند ابن سینا علت اینکه برخی به دنبال انکار برخی از علوم هستند و آن‌ها را خرافه می‌دانند اشاره می‌کند.^{۵۷} سابقه‌ی تاریخی حوزه‌های علمیه در امت اسلام نیز بیانگر این حقیقت است که عموم آموزش‌ها در رشته‌های مختلف در شعاع آموزش دین و معارف صورت می‌گرفته است ولی متأسفانه در جریان ارتباط شیطانی و استعمارگرانه غرب با نظام‌های فاسد سیاسی حاکم بر این مرز و بوم، سکولاریسم در جریان فرهنگ و تعلیم و تربیت جامعه ما نفوذ کرد و جدائی آموزش و تعلیم از دین، کار جامعه و کشور ما را که یک روز مهد حکما بود، به دریوزگی در درگاه دانش غرب کشاند.^{۵۸}

ب: احیای تفکر دینی در دوران معاصر

مصلح بزرگ اسلامی اقبال لاهوری سلسله بحث‌هایی تحت عنوان «احیای تفکر دینی» مطرح کرده، که نمی‌خواهم ادعا کنم تمام حرف‌هایش صحیح است و همه‌ی حرف‌ها رازده، ولی از باب این که وی این موضوع را عنوان کرده و راجع به آن بحث‌هایی داشته، بسیار شایسته‌ی تقدیر و تمجید است... او متوجه شده که اسلام واقعی در میان مسلمین وجود ندارد. شعائر اسلام مثل اذان، نماز و دیگر مراسم و آداب ظاهری اسلامی وجود دارد اما روح اسلام در جامعه مرده است...^{۵۹}

به گفته برخی از نویسندگان در دوران معاصر در بین اندیشورانی که به احیاء فکر اسلامی پرداختند بعضی متمحض در کار فکری

۵۷. رک، الشفاء (الهیات)، حسن زاد، ص ۴۸۴

۵۸. آیت الله مهدوی کنی، دین‌محوری در آموزش، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲

۵۹. استاد شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله علیه، نبرد حق و باطل، صص ۶۵ به بعد، نقل از انسان بر آستان دین خلاصه آثار استاد، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ص ۲۰۲

چون تالیف و تدریس و تبلیغ بودند و برخی به اقدامات عملی در این راه مبادرت کرده‌اند هرچند در مواردی تفکیک بین این دو جهت آسان نیست. در راستای تحقق تعلیم و تربیت اسلامی متناسب با عصر جدید در سال ۱۸۷۵ سر سید احمد خان در علی‌گه دانش‌سرای اسلامی را تاسیس کرد که در ۱۹۲۰ به دانشگاه تبدیل شد. غرض وی پرورش شخصیت‌هایی بود که در عرصه‌های موثر اجتماعی چون سیاست و اقتصاد رهبری را به عهده بگیرند. در دهه‌ی هفتاد تحولات چشمگیری در جهان اسلام روی داد و حرکت‌های علمی چه در ممالک اسلامی و چه از سوی متفکران اسلامی، در غرب شروع و موسساتی در این زمینه تشکیل گردید. در دهه‌ی هشتاد آثار مهمی در زمینه‌هایی چون اقتصاد اسلامی، بانک‌داری اسلامی، جامعه‌شناسی اسلامی، تعلیم و تربیت اسلامی و مردم‌شناسی تالیف گردید. یکی از موسسات قابل ذکر موسسه‌ی بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی است که توسط اسماعیل الاروقی در آمریکا تاسیس شد و در ۱۹۸۰ به ثبت رسید با ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه اندیشه‌ی اسلامی‌سازی ابعاد مختلف زندگی به ویژه علم به اوج رسید. سرآمد همه‌ی حرکت امام خمینی رحمته‌الله علیه بود که یک انقلاب همه‌جانبه در پی داشت که بعد فرهنگی از ارکان آن محسوب می‌شود. پس از آن تلاش‌های بسیاری صورت پذیرفت و نهادها و ارگان‌هایی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی و دفتر همکاری حوزه و دانشگاه برای این منظور تشکیل گردیدند.^{۶۰}

۶۰. فنائی اشکوری، محمد،
دانش اسلامی دانشگاه
اسلامی، انتشارات موسسه
آموزشی پژوهشی امام
خمینی رحمته‌الله علیه، ص ۲۱

باشد؟ ابتدا برخی پیشنهاد دادند: نام آن «کمیته انقلابی کردن دانشگاه‌ها» باشد. بعد اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گفتند: «مگر دانشگاه‌های ما اسلامی نیست که ما می‌خواهیم آنها را اسلامی کنیم. این توهین به دانشگاه‌هاست». بالاخره با پیشنهاد جناب آقای دکتر حدّاد عادل، اسم کمیته «کمیته اسلامی شدن دانشگاه‌ها» گذاشته شد. از آن زمان تا کنون، چهارده یا پانزده سال گذشته است. این کمیته جلسات متعددی را برای تدوین آیین‌نامه‌ی اسلامی شدن دانشگاه‌ها، برگزار کرد و دربارهی آنچه باید انجام بگیرد، مطالبی روی کاغذ آمد؛ اما نمی‌دانم آیا یک درصد آنچه روی کاغذ آمده بود، عملی شد یا نه؟ کار زیادی باید انجام بگیرد و این شوخی نیست. باید در همهی رشته‌های علوم انسانی، در کتاب‌ها و در اساتید، تجدید نظر شود. ما برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، نه استاد داریم و نه کتاب. کتاب‌ها همان طور که همهی صاحب نظران اطلاع دارند، ترجمه‌ای است از کتاب‌هایی که در اروپا و آمریکا نوشته شده با اندکی تغییر. چند مثال اروپایی برداشته شده و به جای آن، مثال ایرانی گذاشته و به اصطلاح بومی‌سازی شده است. اگر این کتاب‌ها بخواهد اسلامی شود، باید کل کتاب عوض شود. البته سالها روی این کتاب‌ها کار شده تا آن نقطه‌هایی که با اسلام تنافی دارد مشخص شود. گروه‌های زیادی روی اینها کار کردند که پرونده‌های این کار در شورای انقلاب فرهنگی موجود است؛ ولی نوشتن کتاب درسی دانشگاه، برای همهی رشته‌های علوم انسانی، کار عظیمی است. نوشتن

یک کتاب در این زمینه به زمان زیاد، نیروی انسانی مخلص و آگاه فراوان نیاز دارد و البته امکانات مادی آن هم باید فراهم باشد. از سی سال پیش طرح اولیه برای این کار در نظر گرفته شد ولی مثل بسیاری از کارهای دیگر، اجرا نشد. باید آسیب‌شناسی کنیم که چرا آن طرح با این که اراده‌ی امام پشت آن بود، عملی نشد.^{۶۲}

۶۲. مصباح یزدی،
محمدتقی، سخنرانی در
هجدهمین نشست انجمن
فارغ التحصیلان مؤسسه‌ی
امام خمینی قدس سره،
۸۸/۸/۱۵



فصل چهارم؛ نقاط قوت موجود در دانشگاه‌های ما

بیان نقاط قوت دانشگاه از جهت شناخت و تقویت آن‌ها و معرفی به مجامع دانشگاهی دنیا ضرورت دارد البته بیان تمام نقاط قوت دانشگاه‌های ما مجال گسترده‌ای می‌طلبد دراین جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف: وجود اساتید و دانشجویان مؤمن و انقلابی

اساتید و دانشجویان مومن در محیط دینی دانشگاه جوان دانشجوی ما انصافاً امروز بی‌نظیر است؛ اساتید ما هم همین جور. این همه استاد مؤمن، متدین، فعال، علاقه‌مند به سرنوشت دینی و اسلامی کشور و ملت، در کشور ما نه فقط هیچ‌وقت وجود خارجی نداشته است، بلکه در مخیله‌ی

کسی هم نگنجیده است؛ کما اینکه امروز هم در دنیا چنین چیزی وجود ندارد. محیط دانشگاه‌های ما يك چنین محیطی است؛ محیط دین است، محیط اسلام است. البته نه اینکه ما به این اندازه قانع باشیم؛ نه، بحث قانع بودن نیست؛ اما انسان نمی‌تواند عمیقاً راضی و خشنود نباشد. این، نعمت بزرگ خداست. پس این‌ها واقعیات است. محیط دانشگاه يك محیطی است حقیقتاً مساعد، حقیقتاً مناسب؛ و با انتظاراتی که از این محیط وجود دارد، حقیقتاً برجسته از لحاظ دینی^{۶۳}.

دانشجویان و اساتید، امانت‌داران انقلاب اسلامی

امروز بحمدلله دانشگاه مانند دیگر محیط‌های اجتماعی کشور اسلامی ما، مزین به نشانه‌های دینی و آراسته به صفا و دیانت و روحیه‌ی انقلابی است. دانشگاه انقلاب در طول دو دهه در همه‌ی صحنه‌های انقلابی حضور فعال داشته و شهیدان بلند آوازه‌ای تقدیم کرده است. شما دانشجویان عزیز و شما استادان گرامی امروز امانت‌دار این بخش مؤثر از پیکره‌ی فعال و پرنشاط کشور اسلامی عزیزمان می‌باشید.^{۶۴}

دانشجویان اهل عبادت و راز و نیاز هستند

نقطه‌ی سوم هم بی‌اعتقادی مردم به اسلام و نظام و ایمان اسلامی است. این را هم به شدت تبلیغ می‌کنند. خوب؛ در داخل کشور، جوانان ما، دانشجویان ما، همین دانشگاه تهران ما، همین مسجد دانشگاه، شاهد عبادت و راز و نیاز و نماز جماعت و اعتکاف و روزه‌داری برجسته‌ترین جوانان

۶۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۹/۴/۲۰

۶۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۷۸/۷/۶

این مملکت است. بهترین جوانان هر کشور، جوانانی هستند که صاحب فکر و با اندیشه باشند. قاعدتاً و غالباً در میان دانشجویان، این طور کسانی به صورت وافر پیدا می شوند؛ البته در بین غیر دانشجویان هم این طور جوانان خوب هستند. ولی در زمان قدیم زمان ما که جوان بودیم در میان دانشجویان، در دانشگاه تهران و بعضی دانشگاه های دیگر و در همه ی ایران، شاید هزار نفر اعتکاف نمی کردند! در قم که مرکز دین و عبادت بود، شاید چند صد نفر طلبه اعتکاف می کردند. معمول نبود؛ مردم دور بودند... امروز جوانان ما در دنیایی که نسل جوان روز به روز، رو به فساد بیشتر می رود در این مملکت، روز به روز پاکیزه تر، طاهرتی و نورانی تر می شوند. آن وقت تبلیغات استکباری، این کشور و این جوانان، این دانشگاه، این دانشجو و این استاد دانشگاه و نیز این طبقات گوناگون مردم را که همه سعی می کنند به خدا نزدیک شوند، و خودشان را بیشتر با اسلام و احکام اسلامی منطبق کنند، می کوشد این گونه وانمود کند که از اسلام دور شده اند!^{۶۵}

پاکی دانشجویان و امید به آینده

در شما... موجود بسیار با ارزشی وجود دارد که ارزش آن موجود از دنیا و مافیها بیشتر است و آن سلامت دل، سلامت نفس، پاکی روح و ناآلودگی یا کم آلودگی آن است... ارزش دیگری که خیلی مهم است و تلاش می شود تا در محیط دانشجویی این ارزش هم از بین برود عبارت است از امید و اعتماد به آینده.^{۶۶}

۶۵. بیانات مقام معظم رهبری، ۷۶/۱۰/۱۲

۶۶. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۸۱/۶/۱۶

ب: ارتباط حوزه و دانشگاه

نزدیکی حوزه و دانشگاه از برکات نهضت

«یکی از برکات این نهضت این بود که این قشرها را به (هم) نزدیک کرد قشر دانشگاهی با قشر روحانی و طبقه جوان روحانی، اینها با هم نزدیک شدند همکار شدند.»^{۶۷}

ارتباط حوزه و دانشگاه فرصت گران بها

قبل از انقلاب، بعضی از روحانیون، از جمله بنده ... با دانشجویها ارتباطاتی داشتیم. این ارتباطات، ... ارتباطات تشکیلاتی نبود، ارتباطات در مسائل مبارزاتی تند نبود؛ ارتباط فکری و تبیینی بود؛ یعنی جلساتی داشته باشیم که دانشجویها در آنجا شرکت کنند، یا ما احیاناً در جلسه‌ای از جلسات دانشجویی در دانشگاه شرکت کنیم. در آن اوقات، بنده در مشهد جلسه‌ای داشتم که بین نماز مغرب و عشاء برگزار می‌شد. پای تخته می‌ایستادم و به قدر بیست دقیقه یا نیم ساعت صحبت می‌کردم. مستمعین هم نود درصد جوان بودند؛ جوان‌ها هم غالباً دانشجوی و بعضاً دبیرستانی. يك شب مرحوم شهید باهنر رحمه الله مشهد بود، با من آمد مسجد ما. وضعیت را که دید، شگفت زده شد. حالا آقای باهنر کسی بود که در تهران با مجامع جوان و دانشجویی هم مرتبط بود. ایشان گفت که من به عمرم این قدر جمعیت دانشجویی و جوان در يك مسجد ندیده‌ام. حالا توی مسجد ما مگر چقدر جوان بود؟ حد اکثر مثلاً سیصد و چهل پنجاه نفر. در عین حال برای يك روحانی روشن فکر مرتبط با جوان

۶۷. امام خمینی رحمه الله، ۵۸/۴/۶

ها، مثل آقای باهنر، که خودش هم دانشگاهی بود و دوره‌های دانشگاهی را دیده بود و محیط‌های دانشجویی را می‌شناخت و از فعالیت‌های مذهبی به روز و متجددانه هم مطلع بود، جمع شدن حدود سیصد یا سیصد و پنجاه نفر جوان - که شاید از این تعداد، مثلاً دویست نفرش دانشجو بودند - چیز عجیبی بود و ایشان را دهشت زده و تعجب زده کرده بود؛ دویست تا دانشجو يك جا جمع بشوند و يك روحانی برایشان صحبت کند؟!

حالا این را مقایسه کنید با وضعیتی که امروز شما توی دانشگاه دارید. دسترسی روحانی فاضل جوان - مثل شما - به محیط دانشگاهی، به دانشجو، به استاد؛ این را مقایسه کنید، ببینید چه فرصت عظیم و گران بهائی است. این فرصت را باید نگه دارید، این فرصت را باید خیلی مغتنم بشمرید؛ نکته‌ی اصلی این است.

اهمیت این حادثه و پدیده از این جا هم فهمیده می‌شود که انگشت اشاره‌ی بسیاری از بدخواهی‌ها و تبلیغات سوء، اتفاقاً به سمت همین محیط دانشگاه است. می‌بینید توی این تبلیغاتی که می‌شود، یکی از چیزهائی که رویش فشار می‌آورند، مسئله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌هاست، که چرا جمهوری اسلامی می‌خواهد دانشگاه‌ها اسلامی بشود؛ که یکی از مظاهر اسلامی شدنش همین است.^{۶۸}

ج) سایر امتیازات دانشگاه‌ها

انسان‌سازی؛

«با شغل دانشگاهی و روحانی، اگر چنانچه به شرایط عمل

۶۸. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۸۹/۴/۲۰

شود، انسان درست می‌شود، این است که این شغل، شغل انبیا بوده است.»^{۶۹}

طراوت دانشجویی و جوانی

خصوصیت دیگر طراوت دانشجویی و جوانی است ... که مغتنم می‌شماریم.^{۷۰}

نگاه آرمانی

خصوصیت دوم نگاه و توقعات آرمانی است ... اگر در چرخ و پر تحلیل و بررسی قرار بگیرد چیزی از آن باقی نمی‌ماند لیکن چون نگاه و توقع نگاه آرمانی است این مطلوب است ... نگاه آرمانی شما و توقعاتی که ناشی از این نگاه هست این برای ما مطلوب است این را می‌خواهیم و باید باشد.^{۷۱}

زبان انتقادی

خصوصیت سوم زبان انتقادی و طلب‌کارانه است مبدا کسی تصور کند که اگر این زبان انتقادی حتی یک کمی تلخ هم باشد حالا بنده که اینجا نشسته‌ام ناراحت خواهم شد! نه، اتفاقاً خود این زبان انتقادی هم برخاسته از همان نگاه و توقعات آرمانی است.^{۷۲}

این ویژگی پیش‌تر نیز در بیان امام خمینی رحمه‌الله علیه آمده بود وقتی بیان داشت؛ «امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان

۶۹. امام خمینی رحمه‌الله علیه، ۵۸/۳/۳

۷۰. بیانات امام خامنه‌ای رحمه‌الله علیه در دیدار با دانشجویان، ۸۵/۷/۲۵

۷۱. بیانات امام خامنه‌ای رحمه‌الله علیه در دیدار با دانشجویان، ۸۵/۷/۲۵

۷۲. بیانات امام خامنه‌ای رحمه‌الله علیه در دیدار با دانشجویان، ۸۵/۷/۲۵

دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آن‌ها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. این‌ها که امروز این‌گونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الاّ داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. این‌ها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان‌گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آن‌ها با پدیری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیراین صورت خدای ناکرده به دام لیبرال‌ها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده‌ی کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه‌ی شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.^{۷۳}

۷۳. حضرت امام خمینی
رحمه‌الله، ۲۹ تیر ۱۳۶۷



فصل پنجم؛ نقاط ضعف دانشگاه‌های کنونی ما

شناخت سابقه و وضعیت موجود در دانشگاه‌ها ضروری است و اگر نتوانیم وضعیت موجود در دانشگاه‌ها را مورد بررسی قرار دهیم، رسیدن به وضعیت مطلوب مشکل خواهد بود.

مدارس و دانشگاه در ایران و به طور کلی در جهان اسلام با تقلید محض از غرب به وجود آمد از این روست که دارای نقاط ضعف متعددی است که به برخی از آنها اشاره میشود. پیش از آن به توصیف مشکلات موجود از زبان امام المسلمین علیه السلام اشاره میشود. ایشان مشکلات فعلی برخی از دانشگاه‌ها را بدین نحو احصا نموده‌اند:^{۷۴}

■ ■ دچار شدن به ابتذال و بی تفاوتی و نفوذ

پذیری در مقابل فرهنگ‌های بیگانه و مضر

■ ■ آسیب پذیری در مقابل لغزش‌ها و انحرافات

۷۴. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار با اعضای شورای مرکزی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه‌های کشور و مسوولان دفاتر نمایندگی، ۶۹/۷/۸

فکری

■ ■ مدرک‌گرایی و توجه وافر به زندگی مادی و

اضغات و احلام جوانی

■ ■ ابهام در جریانات و عملکردها؛ (دانشجو)

دلش می‌خواهد وجه (و دلیل) این کاری را که

به آن تعبد کرده است بداند، اگر ندانست تدریجا

دچار شبهه و ابهام می‌شود. این ابهام او را حتی

در نفس تعبد هم تضعیف می‌کند و تعبدش رفته

رفته ضعیف می‌شود.^{۷۵}

■ ■ مشکل بی هویتی و عدم درک رسالت واقعی

در قبال جامعه، در قبال خود و در قبال تاریخ و

آینده

الف: پسماندهایی از انحرافات دوران طاغوت

وابستگی به استعمار، تعلیم بدون تربیت و تزکیه، وجود فارغ

التحصیلان غربزده و سربار ملت، و ابتنای بر بی دینی و ضد

دینی، زخمهای عفونی است است که دانشگاه در دوران

طاغوت مبتلا بوده و متاسفانه پسماندهایی از آن دردها و

معضلات جانسوز تا کنون ادامه دارد.

وضعیت دانشگاه در دوران قبل از انقلاب

دانشگاه‌های ما، دانشگاه‌های وابسته است. ... دانشگاه‌های

استعماری است. ... یک دانشگاهی که برای ملت ما مفید

باشد، نیست. ما بیشتر از پنجاه سال است که دانشگاه داریم،

۷۵. بیانات رهبر معظم انقلاب (ع) در دیدار با اعضای شورای مرکزی نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه‌های کشور و مسؤولان دفاتر نمایندگی، ۶۹/۷/۸

با بودجه‌های هنگفت کمرشکن که از دسترنج همین ملت حاصل می‌شود، و در این پنجاه سال نتوانستیم در علمی که در دانشگاه‌ها کسب می‌شود خودکفا باشیم. ما بعد از پنجاه سال اگر بخواهیم یک مریضی را معالجه کنیم، اطبای ما بعضی هایشان یا بسیاریشان می‌گویند این باید برود به انگلستان؛ پنجاه سال دانشگاه داشتیم و طبیبی که بتواند کفایت از ملت بکند، از احتیاج ملت بکند، به حسب اقرار خودشان نداریم. ما دانشگاه داشتیم و داریم و برای تمام شئونی که یک ملت زنده لازم دارد احتیاج به غرب داریم. ما که می‌گوییم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و تغییرات بنیادی داشته باشد و اسلامی باشد، نه این است که فقط علوم اسلامی را در آنجا تدریس کنند. نه اینکه علوم دو قسمند. هر علمی دو قسم است: یکی اسلامی و یکی غیراسلامی. ما می‌گوییم که در این پنجاه سال یا بیشتر که ما دانشگاه داریم، فرآورده‌های دانشگاه را برای ما عرضه دارید. ما می‌گوییم که دانشگاه‌های ما مانع از ترقی فرزندان این آب و خاک است.

ما می‌گوییم که دانشگاه ما مبدل شده است به یک میدان جنگ تبلیغاتی، ما می‌گوییم که جوان‌های ما اگر علم هم پیدا کردند تربیت ندارند. مربی به تربیت اسلامی نیستند. آنهایی که تحصیل می‌کنند، برای این است که یک ورقه‌ای به دست بیاورند و بروند و سربار ملت بشوند. ... و لهذا آن چیزی که از دانشگاه‌های ما بیرون آمده است، یک انسان متعهد، یک شخصی که برای مملکت خودش دلسوز باشد، و تمام نظرش به

این نباشد که منافع خودش را به دست بیاورد، ما نداریم. ما که می‌گوییم باید بنیاد این‌ها تغییر بکند، می‌خواهیم بگوییم که دانشگاه‌های ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند، در خدمت ملت باشند، نه در خدمت اجانب. معلمینی که در مدارس ما، اساتیدی که در دانشگاه‌های ما هستند بسیاری از آن‌ها در خدمت غربند. جوان‌های ما را شستشوی مغزی می‌دهند. جوان‌های ما را تربیت فاسد می‌کنند. ما نمی‌خواهیم بگوییم ما علوم جدید را نمی‌خواهیم. ما نمی‌خواهیم بگوییم که علوم دو قسم است که بعضی مناقشه می‌کنند. عمداً یا از روی جهالت. ما می‌خواهیم بگوییم دانشگاه‌های ما اخلاق اسلامی ندارد. دانشگاه ما تربیت اسلامی ندارد. اگر دانشگاه‌های ما تربیت اسلامی و اخلاق اسلامی داشت، میدان زد و خورد عقایدی که مضر به حال این مملکت است نمی‌شد. اگر اخلاق اسلامی در این دانشگاه‌ها بود، این زد و خوردهایی که برای ما بسیار سنگین است، تحقق پیدا نمی‌کرد. این‌ها برای این است که اسلام را نمی‌دانند و تربیت اسلامی ندارند.^{۷۶}

دانشگاه ما بی‌دین متولد شده است

دین را باید در دانشگاه‌ها زنده کرد. دانشگاه ما بی‌دین متولد شده است؛ ... یعنی طراحی کردند که دانشگاه، بی‌دین زاییده بشود. این معنایش آن نیست که فلان مؤسس يك دانشگاه، آدم متدینی بوده یا نبوده؛ اصلاً به آن ربطی ندارد؛ بنای

۷۶. این مطلب در روز اول اردیبهشت ۱۳۵۹، چند روز پس از طرح بحث‌هایی پیرامون تعطیلی دانشگاه‌ها و «انقلاب فرهنگی» توسط حضرت امام خمینی طی سخنانی بر لزوم اسلامی شدن دانشگاه‌ها ایراد شد.

دانشگاه، يك بنای غیر دینی، بلکه ضد دینی بوده است؛ مثل روشن فکری کشور ما، که از ابتدا بی دین متولد شده است.

خاصیت دین اصیل و عمیق این است که برای نفوذ در دستگاه‌ها و در جاهای مختلف و در محیط‌های انسانی، منتظر اجازه‌ی کسی نمی‌ماند. دین، در دانشگاه و در محیط روشن فکری و در علم هم نفوذ کرد و همه جا رفت؛ لیکن بنا، بنای غلطی بود. این بنا بایستی دگرگون بشود و نگذاریم دوباره آن‌گونه بشود؛ البته دشمن هم بی‌کار نمی‌ماند.

بعد از انقلاب، برای انقلاب فرهنگی به معنای برگرداندن محیط دانشگاه به جهت‌گیری اسلامی واقعاً تلاش مشکوری شده است. تعدادی از اساتید، تعدادی از دانشجویان و تعدادی از مسئولان گوناگون، واقعاً کارهایی کردند که جزو ذخایر جاودانه‌ی آن‌ها پیش خدا و پیش این ملت است. این کارها تماماً مشکور، لیکن نیمه‌تمام است؛ کامل نیست. شورای عالی انقلاب فرهنگی باید یکی از اهم وظایف و واجبات خودش را این قرار بدهد که ما چه کنیم تا محیط دانشگاه، محیطی باشد که در آن، پرورش دانشجو، دینی، انقلابی، توأم با آگاهی سیاسی و با روحیه‌ی بانشاط دانشجویی باشد. این، یکی از کارهایی است که شما باید بکنید؛ اگر شما نکردید، دشمنان این ملت، نقطه‌ی مقابله را خواهند کرد؛ کما اینکه الآن هم دارند می‌کنند؛ البته طرق مختلفی دارند.^{۷۷}

در دانشگاه‌ها يك مشکل وجود دارد که در حوزه‌ها نیست و آن

۷۷. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۰/۹/۲۰

این است که طبیعت دانشگاه در کشور ما غربی است و برای اینکه دانشگاه استقرار اسلامی پیدا کند باید بتواند خوبی‌های غربی‌ها را بگیرد که این امر نیاز به يك فعالیت عاقلانه و شجاعانه و مدبرانه دارد تا بتواند از سلطه‌ی فرهنگ غرب خود را نجات دهد. دانشگاهی که رنگ و بوی غربی داشته و دارد، ما باید کاری کنیم که استقرار اسلامی آن حفظ شود و به صورتی بشود که در سه قسمت، فرهنگ اسلام حاکم باشد: اول در برنامه‌ها، دوم در کتب و سوم اساتید که اگر هر کدام از این موارد نباشد، اصل موضوع اسلامی شدن دانشگاه‌ها به مشکل بر می‌خورد. از جمله مسائل دانشگاه‌ها که میراث غرب است وجود اختلاط در بین دانشجویان است و این در حالی است که آثار منفی آن از ابعاد اخلاقی و افت تحصیلی طبق نظر کارشناسان در کشورهای غربی بسیار محسوس است.^{۷۸}

وجود بقایای تفکر سکولار

به دنبال دوران تلخ استعمار که اکثر کشورهای اسلامی مستعمره قدرت‌های اروپایی گردیدند، اروپائیان نظام تعلیم و تربیت مطلوب خود را که همان نظام سکولار جدید است، بر کشورهای اسلامی تحمیل کردند. رجال علم و سیاست و حکومت که با تعلیم و تربیت سکولار پرورده شده بودند و با حمایت غرب حکومت را در دست داشته‌اند، سیر سکولارسازی ابعاد مختلف جامعه را تداوم دادند. آتاتورک در ترکیه مدارس دینی سنتی را تعطیل کرد و ایران و مصر نیز به همان راه رفتند.

۷۸. بیانات آیت الله مکارم شیرازی در دیدار با مسئولان وزارت علوم

بسیاری از تحصیل‌کردگان، تقرب و تشبه به غرب و دفاع از لیبرالیزم و سکولاریزم و یا سوسیالیزم را راه نجات یافته و برای تحقق آن حرکت کردند.

دانشگاه در دست غرب‌زدگان و شرق‌زدگان

«لکن چه غم انگیز و اسف بار است که دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها به دست کسانی اداره می‌شد و عزیزان ما به دست کسانی تعلیم و تربیت می‌دیدند که جز اقلیت محرومی همه از غرب‌زدگان و شرق‌زدگان با برنامه و نقشه‌ی دیکته شده در دانشگاه‌ها کرسی داشتند و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به ابرقدرت‌ها بزرگ شده و به کرسی‌های قانون‌گذاری و حکومت و قضاوت تکیه می‌کردند.»^{۷۹}

کاری کردند که فارغ‌التحصیلان ما فقط به درد خودشان بخورند

«دانشگاه را به صورتی در آوردند که اشخاصی که از آن جا خارج می‌شوند به درد همان‌ها بخورند. آنقدر تبلیغات کردند، از غرب، از جلو رفتن به طرف غرب، آنقدر تبلیغات کردند، که جوان‌های ما را در دانشگاه، غربی بار آوردند.»^{۸۰}

کم‌رنگ بودن نقش دانشگاه در عبور از بحران‌ها

امام رحمه‌الله علیه در خصوص خودی بودن و موثر بودن دانشگاهیان در عبور از بحران‌ها معتقدند: «اگر ما تربیتی اصولی در دانشگاه‌ها داشتیم هرگز طبقه روشنفکر دانشگاهی‌ای نداشتیم که در

۷۹. وصیت‌نامه‌ی سیاسی الهی امام خمینی رحمه‌الله علیه

۸۰. بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۵۸/۲/۲۱

بحرانی‌ترین اوضاع ایران در نزاع و چند دستگی با خودشان باشند و از مردم بریده باشند و از آنچه که بر مردم می‌گذرد چنان آسان بگذرند که گویی در ایران نیستند»^{۸۱}

❖ ب: ضعف‌های مربوط به علوم

ناهماهنگی درونی علوم

علوم موجود و متعارف و طبعاً دانشگاه‌ها و مراکزی که در چارچوب این ناهماهنگی درونی و بیگانه‌سازی ناموجه به تحقیق و پژوهش مشغول اند، از اساس عیبناک هستند، چه عیبی بالاتر از اینکه در عرصه‌ای از دانش و معرفت حقایق و واقعیاتی که دیگر شاخه‌های معرفتی در اختیار می‌نهند، نادیده گرفته شوند و نسبت به وجود آن‌ها تغافل و تجاهل روا داشته شود و عده‌ای بر اثر این کثرت به وحدت نرسیده، کوثر معرفت را رها کرده و به تکاثر و هم‌آلود بسنده نمایند.^{۸۲}

نگاه معیوب به علم

این نگاه معیوب به علم است که صنع خدا در عالم را نمی‌بیند و همه چیز را به شانس و اتفاق و تصادف وا می‌نهد و سخن گفتن از تاثیر و دخالت خداوند در حوادث عالم را خرافه و افسانه می‌پندارد. علمی که بخواهد همه‌ی هستی و طبیعت و حوادث آن را از دریچه‌ی تنگ علل و اسباب مادی قابل مشاهده و تجربه پذیر بفهمد و تحلیل کند، کجا خواهد توانست به این نکته‌ی بلند و عمیق بار یابد که در کنار تقسیم علوم

۸۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۴۰

۸۲. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۳۵

به لحاظ موضوعات و روش، تقسیم دیگری هست که به لحاظ معلم انجام می پذیرد.^{۸۳}

غیبت انسان شناسی در دانش و دانشگاه

سوال: در حال حاضر مهمترین مشکل علوم انسانی را در حوزه نظری و کاربردی چه می دانید؟

آموزش علوم انسانی در دانشگاه های ما در زمان گذشته دو عیب اساسی داشت. یکی این که بر این سیاست استوار بود که اعتقادات دینی و اسلامی از دانشجویان ما سلب شود. به نحوی که این سیاست اعمال شده است و به صورت نامرئی در کتاب های ما تحقق یافته است. مطلب دیگر این است که اصولاً علوم انسانی چه در دانشگاه های ما و چه در سایر دانشگاه های جهان به صورت اندام های مثلثه شده در آمده است؛ یعنی کسی که در اقتصاد درس می خواند از آن جهتی که دانشجوی اقتصاد است و بعد فارغ التحصیل می شود و بعد استاد می شود هیچ نیازی به اخلاق در خودش احساس نمی کند و هیچ حس نمی کند که این معلومات او سلولی از سلول های یک پیکر است که رابطه ارگانیک با سایر سلول ها دارد! در هیچ جای دنیا این مشکل به صورت کامل حل نشده که رشته های علوم انسانی به صورت اندام هایی از یک پیکر عرضه و تدریس شود و حداقل به صورت یک درس روابط این ها مشخص گردد ما معتقدیم که پایه ی همه ی رشته های علوم انسانی یک رشته مباحث انسان شناسی است که در تمام رشته های علوم انسانی این

۸۳. اشاره به علم لدنی که علمی است که نزد خدا آموخته می شود. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه ی معرفت دینی، ص ۱۳۶

درس باید وجود داشته باشد انسان باید شناسانده شود، ابعاد وجودیش، کیفیت رشد و تکاملش، عوامل انحطاطش، هدف نهایی از وجودش، همه‌ی این‌ها باید مشخص گردد؛ تا این کار صورت نگیرد بحث درباره‌ی حقوق، اقتصاد و سایر رشته‌ها بدون پایه و ریشه است هنگامی هر یک از علوم انسانی جای خود را باز می‌کنند و در اندیشه و جامعه تأثیر می‌بخشد که موضوع آن در فکر ما، ارتباطش با سایر رشته‌ها و ایدئولوژی ما و جهان بینی ما مشخص گردد. ما به عنوان یک مسلمان باید بدانیم از دیدگاه اسلام، انسان چه موجودی است؟ چگونه رشد می‌کند؟ چگونه تکامل می‌یابد؟ از لحاظ روحی و معنوی، چگونه باید حرکت کند تا به تکامل نهایی اش برسد؟ این مسائل به عنوان اصول باید تبیین شود. آن وقت است که ما می‌توانیم بگوییم اقتصاد چه رابطه‌ای با تکامل انسان دارد؟ هدف اقتصاد اسلامی چیست؟ تا ندانیم انسان چیست و کمال نهایی انسان چیست، نمی‌توانیم روشن کنیم که اقتصاد چه نقشی در تکامل انسان می‌تواند ایفا نماید. تا رابطه انسان با خدا درک نشود نمی‌توان پایه‌ی محکمی برای حقوق عرضه کرد و نظریه‌ی اسلام را در حقوق روشن کرد که از نظر اسلام حق چیست و از کجا پیدا می‌شود. آیا حق یک امر حقیقی و تکوینی است یا یک امر اعتباری است؟ اگر اعتباری است، آیا وهمی یا قراردادی محض است یا مبتنی بر حقایقی است؟ آن حقایق چیست؟ و همین‌طور سایر مسائل. حتی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و سایر رشته‌های علوم انسانی که

تماس با مسائل اسلامی دارد، هنگامی از دیدگاه اسلام قابل تبیین‌اند که بر انسان‌شناسی اسلامی مبتنی باشند. حتی به عقیده ما مکتب‌های غیر اسلامی و ضد اسلامی نیز اگر بخواهند یک رابطه‌ی روشنی بین علوم انسانی بیان کنند، می‌باید بر اساس آن مکتب ابتدا اقدام به عرضه‌ی انسان‌شناسی نمایند و بگویند انسان از نظر ما چیست. آن وقت به نظریه‌پردازی در زمینه‌های مختلف بپردازند. مثلاً بگویند: اقتصاد زیر بناست یا روبنا و... تا زمانی که روشن نشود انسان چگونه موجودی است، جای این نیست که بحث شود که اقتصاد زیر بناست یا روبنا و آیا مسائل اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، همه‌ی این‌ها زائیده‌ی اقتصاد هستند یا خیر؟ تا ماهیت زندگی اجتماعی انسان روشن نشود و هدف از این زندگی روشن نگردد (و در واقع، بدون انسان‌شناسی)، هیچ‌کدام از این مسائل پایه ندارد.^{۸۴}

متروک ماندن شریعه‌ی شهود

با متروک ماندن شریعه‌ی شهود، دانش عقلی از وصول به دریای وجود محروم ماند و ریشه‌های آن به سرعت خشکید و مفاهیم فلسفی که یادگار روزگار باروری حیات دینی و نشاط دانش عقلی بود شاخه‌هایی خشکیده شدند و این شاخه‌ها در طغیان شهودهای جزئی و متزلزل انسان مضطرب چون خاشاک به حرکت درآمدند و راه به سوی آتش شهوت و غضبی بردند که از عقال عقل نظری و عملی رها شده و اقتدار بر زمین

۸۴. مصباح یزدی، محمد تقی، رابطه‌ی ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی، مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه و بومی و اسلامی کردن علوم انسانی، ۲۷ آذر ۱۳۷۸، ص ۸۷. نقل از پایگاه اطلاع رسانی معظم له

عقب‌افتاده‌ی کنونی مطرح است، بخشی از همین قضیه است. این‌ها زنده‌ها و خوب‌ها را می‌ربایند و می‌برند و اجازه نمی‌دهند، حتی آن‌هایی که یاد می‌گیرند و استعداد دارند، برای آن کشورها به کار بیفتند. بنابراین، این مسأله‌ی دوم، اگر نگوییم که بیشتر از مسأله‌ی اول در دانشگاه‌ها اهمیت دارد، حد اقل به قدر مسأله‌ی اول اهمیت دارد.^{۸۸}

(البته) ممکن است نخبه‌ای از کشور خارج شود و بخواهد معلوماتی کسب کند و بعد برگردد و برای کشور مفید باشد... (باید) آن نخبه بداند که برای چه دارد می‌رود، چه می‌خواهد بکند و پس از آموزش آنچه را که لازم دارد، چه استفاده‌ای می‌خواهد از آن دانش بکند».^{۸۹}

«اما کسانی که کشور را رها می‌کنند و به پشت سرشان نگاه نمی‌کنند، این‌ها سودی نمی‌برند این‌ها خانه خود را که مال خودشان است و همه‌ی آن‌ها را محلی و صاحبخانه می‌دانند، رها می‌کنند به نقطه‌ای می‌روند که اجیر شوند... گیرم... آن حقوق هم ده برابر حقوقی باشد که در ایران خواهد گرفت اما آنجا صاحبخانه نیست همه او را بیگانه می‌دانند».^{۹۰}

مهاجرت بی رویه به غرب و واردات اندیشه از غرب

«دست‌های اجانب برای اینکه مسلمین و روشنفکران مسلمان را که نسل جوان ما باشند از اسلام منحرف کنند وسوسه کرده‌اند که اسلام چیزی ندارد...».^{۹۱}

باید گفت که دانشگاه‌های ما به دست يك مشت غرب‌زده، خود

۸۸. بیانات امام
خامنه‌ای، ۷۰/۹/۲۰

۸۹. بیانات امام
خامنه‌ای، در دیدار با
جوانان نخبه و دانشجویان،
۸۳/۷/۵

۹۰. بیانات امام
خامنه‌ای، در دیدار
دانشجویان، ۸۳/۸/۱۰

۹۱. امام خمینی، ولایت
فقیه (حکومت اسلامی)،
ص ۱۱

باخته، یا مزدور اداره می‌شد و دانشمندان متعهد در اقلیت بودند و قدرت را از آنان سلب کرده بودند و آن دسته اکثریت غرب زده جوانان را عاشق غرب می‌کردند و فوج فوج به خارج می‌فرستادند و در خارج دست استعمار کار خود را می‌کرد و جوانان را در حدی که مطلوب استعمارگران بود نگه می‌داشتند و با افکار غربی و غیر اسلامی و غیر ملی به کشور باز می‌گرداندند و این فاجعه‌ی قرن اخیر برای ممالک اسلامی و اشباه آن‌ها بود و حدیث مفصل را از این مجمل باید خواند.

د: سایر ضعف‌ها

عدم هماهنگی علم و عمل

علم پایه‌ی عمل بوده و عمل از علم مایه می‌گیرد که این خود معنی حیات است علمی که در عمل ظهور نکند و هندسه‌ی کار را تنظیم ننماید و عملی که دستوراتش را از علم نگیرد و رهبری اندیشه را نپذیرفته باشد انسجامی بین آن‌ها نبوده و هر يك جدای از دیگری می‌باشد و در نتیجه حیات که هماهنگی علم و عمل است محقق نشده و موجودی که میان علم و عملش هیچگونه رابطه‌ای نباشد زنده نخواهد بود چون موجود زنده عبارت از درّاءِ فعالی است که رهبری علم و پیروی فعل در او محقق باشد.^{۹۲}

۹۲. جوادی آملی، عبدالله، علوم انسانی و هماهنگی وحی و عقل، مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه، ج ۱، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸، ص ۲۸

محتوای کتب

«ما حتی در کتاب‌های درسی رشته‌ی علوم انسانی، گاهی

می‌بینیم چیزهایی هست که درست بر ضد آن چیزی است که باید باشد.^{۹۳}

نبود انسجام فکری همگانی

قرآن کریم ما را به اعتصام و اتحاد دعوت می‌کند آیا این اعتصام، بدون اعتصام در تفکر اجتماعی میسر و ممکن است؟ بدون اینکه جامعه یک‌نواخت بیندیشد و بدون اینکه امت یک‌نواخت تدبیر و دقت کنند، آیا اعتصام یک‌نواخت ممکن است؟ ... (البته) اختلاف قبل از تشخیص قسط و عدل بسیار خوب است چون زمینه‌ی تشکیل قسط و عدل است.^{۹۴}

سایر مشکلات و ضعف‌ها

■ تحلیل‌های سطحی، دیده‌ها و شنیده‌ها بدون درون‌نگری و تعمق در روابط درونی نهادهای اجتماعی - اقتصادی - علمی - اعتقادی جوامع غرب با یکدیگر و بدون نقد و ارزیابی نسبت به پیامدهای منفی آن در عرصه زندگی انسان‌ها حتی در محدوده‌ی جغرافیای خود غربی‌ها

■ تحلیل‌های کم‌مایه و آلوده به مطامع نفسانی نسبت به علل عقب ماندگی ایران و ایرانی.

■ فقدان عزم و همت بالا در برخی، برای اسلامی شدن دانشگاه از دیگر ضعف‌های موجود در برخی از مجامع دانشگاهی ما است که باید

۹۳. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار با روسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۷۶/۱۲/۶

۹۴. جوادی آملی، عبدالله، نگاهی فراوری وحدت حوزه و دانشگاه، ج ۱، مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸، ص ۱۰۸

برطرف شود.

■ ■ برگزاری برخی از برنامه‌هایی که خارج از اهداف اسلام و انقلاب و توصیه‌های مسئولان نظام بوده مثل اردوهای مختلط دانشجویی، ترویج موسیقی^{۹۵} و

■ ■ برخی اساتید بی اعتقاد به اسلام و انقلاب

۹۵. ترویج موسیقی کاری است بر خلاف مذاق اسلام، درست است که هر نوع موسیقی ای حرام نیست، اما معنای ترویج موسیقی این نیست که با دقت بگردند موسیقی غیر حرام را پیدا کنند و آن را تعلیم دهند و ترویج کنند. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸۱/۹/۲۶



فصل ششم. شاخصه‌های دانش و دانشگاه اسلامی

اصلی‌ترین و مبنایی‌ترین مساله که دغدغهی اندیشمندان دردمند این عرصه می‌باشد، مساله مولفه‌های دانش و دانشگاه اسلامی است. مقام معظم رهبری عَلَيْهِ السَّلَام علمی و عمیق شدن، خودباوری و اتکا به نفس استاد و دانشجو را از شاخصه‌های اسلامی شدن دانشگاه‌ها معرفی نموده‌اند.^{۹۶}

با نگاه به مولفه‌هایی که برای دانشگاه اسلامی ارائه گردیده است مشخص می‌شود که برخی از مولفه‌ها صورت‌گرایانه و به اصطلاح برخی از نویسندگان^{۹۷} تعاریف صورت‌گرایانه هستند. در این دسته از تعاریف وجود پایگاه‌های فعال اسلامی، رعایت ظواهر و پررنگ بودن شعائر اسلامی و ... از ملاکهای دانشگاه اسلامی ذکر می‌شود در کنار این‌ها برخی از مولفه‌ها معناگرایانه و بر اساس بواطن ارائه می‌گردند بر این اساس، توحیدی بودن

۹۶. بیانات معظم له در دیدار روسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۷۴/۱۲/۶

۹۷. اکبری، رضا و شکرانی یاسین، تاثیر عوامل غیر معرفتی در اسلامی شدن دانشگاه‌ها، مجموعه مقالات ارزش و دانش مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۱۷۷

علوم، اخلاص، علمی بودن، عمیق بودن معلم و متعلمان و ...
مولفه‌های دانشگاه اسلامی معرفی می‌شوند. به خوبی می‌توان
این دو دسته از مولفه‌ها را از هم بازشناخت.

در این فصل برخی از مولفه و شاخصه‌های دانش و دانشگاه
اسلامی تبیین می‌گردد منتها پیش از آن لازم است نکته‌ای
را که در مقدمه‌ی کتاب آمد متذکر شویم، اینکه باید بین
مولفه‌ها و شاخصه‌هایی که مقتضای ذات دانشگاه اسلامی
است و دانشگاه اسلامی بودن آن قابل تحقق نیست و مولفه‌ها
و شروطی که شرط کمال دانشگاه اسلامی است، مفصلاً و به
صورت مجزا بحث کرد تا در برنامه ریزی و هزینه‌های زمانی و
مالی مرتبت هر يك لحاظ گردیده و اولویت‌ها رعایت شود.

الف: مولفه‌های علوم اسلامی

در اسلام شاخه‌های گوناگون معرفت برای کمال و رشد ضروری
است. با این حال برخی علوم مرتبت بالاتری دارند که برخی
از نویسندگان^{۹۸} بر اساس تعالیم نهج البلاغه به این ترتیب ذکر
نموده‌اند:

۱. معرفت نفس و خودشناسی
۲. علوم مرتبط با جهان بینی
۳. علوم مربوط به ایدئولوژی
۴. علوم که برای معیشت و ثبات اقتصادی و
اجتماعی لازم است
- پس از لحاظ مرتبت هر علمی باید به سایر

۹۸. حیدری، محمد
حسین، کیفیت و مراتب
دانش از منظر حضرت
امیرالمومنین علی (ع)،
مجموعه مقالات مقدمه‌ای
بر دانشگاه تمدن ساز اسلامی،
دفتر برنامه ریزی اجتماعی
وزارت علوم، ص ۳۳

مخصوصه‌های علوم اسلامی نظر داشت که در پی می‌آید.

نافع بودن علم

تربیت یافته‌ی مکتب اسلام در گزینش علوم احتیاط و اهتمام دارد زیرا از علومی که فراگیری آن‌ها نه در جهت رضای خداست و نه در جهت نفع به خلق خدا باید به خداوند پناه برد.^{۹۹} امیر مومنان علی علیه السلام می‌فرمایند؛ بدان علمی که سودمند نباشد، فایده‌ای نخواهد داشت و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سودی ندارد.^{۱۰۰}

مهم بودن علم

دانشگاه‌ها باید به علم اهمیت بدهند ... مایه گذاشتن از وقت و امکانات دانشگاه برای هر کار غیر علمی به طور طبیعی از این اهتمام علمی خواهد کاست ... (البته) در حد ضرورت (کارهای غیر علمی) مانعی ندارد.^{۱۰۱}

نگاه صحیح به علم و طبیعت

اسلامی کردن علوم در گرو تغییر اساسی در نگاه به علم و طبیعت است. علم تجربی موجود معیوب است زیرا در سیری افقی به راه خود ادامه می‌دهد و نه برای عالم و طبیعت مبدئی می‌بیند و نه غایت و فرجامی برای آن در نظر می‌گیرد و نه دانشی که خود دارد عطای خدا و موهبت الهی می‌یابد. این نگاهی که واقعیت هستی را مثله می‌کند و طبیعت را به عنوان خلقت نمی‌بیند و

۹۹. اکبری، رضا و شکرانی یاسین، تأثیر عوامل غیر معرفتی در اسلامی شدن دانشگاه‌ها، مجموعه مقالات ارزش و دانش مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ص ۱۸۲

۱۰۰. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱

۱۰۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۷/۱۰/۸۳

برای آن خالق و هدفی در نظر نمی‌گیرد بلکه صرفاً به مطالعه‌ی لاشه‌ی طبیعت می‌پردازد و علم را زاییده‌ی فکر خود می‌پندارد نه بخشش خدا، در حقیقت علمی مردار تحویل می‌دهد؛ زیرا به موضوع مطالعه‌ی خویش به چشم یک مردار و لاشه می‌نگرد، چون بال مبدا فاعلی و نیز بال مبدا غایی از آن کنده شده است. احیای این مردار و برطرف کردن نقص این دانش معیوب که از این احیا، به اسلامی کردن علوم و دانشگاه‌ها تعبیر می‌شود به آن نیست که مظاهر و برنامه‌های اسلامی و دینی را در محیط و فضای دانشگاه‌ها و مراکز علمی وارد نماییم؛ مثلاً در محیط‌های علمی و دانشگاهی نمازخانه و مسجد بسازیم و یا کتاب‌های درسی دانشگاه‌ها را با بسم الله و آرم جمهوری اسلامی چاپ کنیم؛ این کارهای صوری و ظاهری توان آن را ندارند که علوم را احیا کنند و دانش معیوب و همواره افسرده را صحت و شادابی بخشند. تا هنگامی که علوم و دانشگاه‌ها از سیر محدود و افقی خویش دست برنداشته و در مسیر صعودی گام بر ندارند، هرگونه کار و اقدام شکلی و ظاهری، تغییر ماهوی در ساختار معیوب علوم ایجاد نمی‌کند.^{۱۰۲}

ارزشمند بودن علم و علم‌آموزی

سوال؛ لطفاً ویژگی‌های دانشگاه اسلامی را که مدّ نظر حضرت عالی است، بیشتر تشریح بفرمایید.

به طور خلاصه دانشگاه اسلامی را دانشگاهی می‌دانم که در آن، علم یک ارزش حقیقی است. آدم علم را برای گرده‌ی نانی که

۱۰۲. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۳۶

از آن طریق می‌شود به دست آورد، تحصیل نمی‌کند. ببینید، نبی اکرم می‌فرماید: «اطلبوا العلم و لو بالصَّین». یعنی با شرایط آن روز، اگر لازم است از حجاز به چین بروید تا علم به دست بیاورید، بروید. آن روز برای چقدر پول و چقدر درآمد ممکن بود يك نفر سوار شتر یا سوار کشتی شود و به چین برود؟! مگر امکان دارد چنین تلاشی در مقابل درآمدی باشد؟! این معنایش آن است که علم ارزش است. این در دانشگاه اسلامی باید باشد. شما باید علم را دوست بدارید، ارزش بدانید، آن را برای خدا و با نیت خالص دنبال کنید. ضمناً عزیزان من! باید به تهذیب نفس بپردازید و بنیان‌های اخلاقی را در خودتان تقویت کنید. برای يك کشور، عالم و محقق و پژوهشگر و نابغه، ثروت خیلی بزرگی است؛ اما به شرط اینکه در او بنیان‌های اخلاقی استوار باشد؛ وجدان اخلاقی زنده باشد، و الا آن علم به درد نمی‌خورد.^{۱۰۳}

وسعت دایره‌ی ادله در علوم اسلامی

سوال: شاخصه‌ها و امتیازات علم انسانی بومی چیست؟ آیا نمی‌توان با کپی برداری آگاهانه و یا حداکثر با تولید علوم غیر بومی، به اهداف خود در این باب رسید؟

علمی که در محافل دانشگاهی پذیرفته می‌شود یا باید مستقیماً از تجربه استفاده بشود، همان گرایش‌های پوزیتیویستی افراطی، یا يك مقداری معتدل‌تر برای تحلیل‌های عقلانی هم کم و بیش ارزش قائل شده‌اند، اما بیش از این تجاوز نمی‌کند! گاهی تجربه‌های عینی بلاواسطه است مثل تحقیقاتی که در

۱۰۳. بیانات مقام معظم رهبری (عج)، ۷۷/۲/۲۲

داروسازی انجام می‌گیرد و گاهی خود تجربه عینی، مسأله علوم اجتماعی را حل نمی‌کند، بلکه از آن‌ها يك تفسیرهایی می‌شود، تحلیل‌هایی می‌شود که بر آن تجربه‌ها مبتنی است. در علوم انسانی مباحثی برمی‌گردد به يك سلسله تجربیات عینی که مطالب از آن‌ها انتزاع می‌شود. کسانی که در این زمینه‌ها بحث کرده‌اند، گاه گرایش‌های پوزیتیویستی اعم از حاد و یا معتدل داشته‌اند و گاهی گرایش‌های فلسفی خاص و یا اشخاصی آزادتر و بازتر فکر کرده‌اند. در هر حال در مباحث اجتماعی از گرایش‌اتشان استفاده کرده‌اند و مایه گذاشته‌اند.

علوم انسانی غالباً از تجربه‌های فردی و شخصی و موردی شروع شده است و بعد کم‌کم با تحلیل و تفسیر آن‌ها، تجربه‌هایی به صورت يك قاعده‌ی علمی درآمده و مجموعه‌ی آن‌ها به صورت علم عرضه شده، ما نیز می‌توانیم از تجربه‌های شخصی خود استفاده کنیم،^{۱۴} ولی ما به عنوان يك دانشمند مسلمان وقتی می‌خواهیم در این مباحث نظر دهیم، گاهی برای خودمان لازم می‌دانیم از منابع دینی و تعبدی استفاده کنیم، بگوییم این مطلب با این آیه قرآن نمی‌سازد و یا نه می‌سازد. این متدلوژی علم به اصطلاحی که معروف است، نیست. ما در جاهایی از متدولوژی رایج علوم انسانی فراتر می‌رویم؛ یعنی باید از اول اعلام کنیم که متدلوژی ما وسیع‌تر است، تنها به حس و عقل اکتفا نمی‌کنیم و به ادله‌ی تعبدی هم استناد می‌کنیم، چون پشتوانه‌ی عقلی دارد و برمی‌گردد به يك نوع استدلال عقلی. یعنی اول عقل اثبات می‌کند که این مبنا صحیح است و حجت

۱۴. سخنان آیت الله مصباح یزدی در مورد پالایش علوم انسانی، خبرگزاری فارس، حوزه آئین و اندیشه، شماره ۸۹۰۶۰۶۰۶۹۴

است، بعد به آن استناد می‌کند. پس منظورمان از بومی‌سازی و اسلامی کردن علوم، صرف تعویض اصطلاحات نیست ما می‌گوییم يك اختلاف مبنایی در متدلوژی علوم انسانی داریم. و آن اختلاف این است که اگر مطلبی را براساس تعبد بروحی، مستند و اثبات کردیم، این هم علم است؛ علم به معنای اعتقاد یقینی کاشف از واقع. علم اسلامی دایره‌ی ادله‌اش وسیع‌تر و متدلوژی آن گسترده‌تر است. باید توجه داشته باشیم اگر از عرف جهانی اصطلاح علم خارج شدیم و پوزیتیویست‌ها دیگر این را علم ندانستند، این گناه و ذنب لایغفری نیست دست کم ارزش داخلی دارد و ارزشش بیشتر از مباحثی است که از راه حس اثبات می‌شود. اگر ما بتوانیم سیطره‌ی فرهنگی مان را در این بخش گسترش بدهیم و هویت علمی خودمان را بیشتر اثبات کنیم، دنیا هم خواهد پذیرفت. ما در اسلام چیزهایی به برکت وحی داریم که خارج از فرمول مطالعات میدانی و آزمون و خطا و روش‌های علمی است. این‌ها يك محصولات آماده، غیبی، الهی، بهشتی است در اختیار ما و ما قدرش را نمی‌دانیم. مخصوصاً آن جایی که تعارض دارد با دستاوردهای فکری بشری تا امروز. ما موظفیم به عنوان مدافعین اسلام و کسانی که وارث میراث علمی اسلام هستیم، این‌ها را کشف کنیم، استخراج کنیم و در دسترس دنیا قرار دهیم و اثبات کنیم که این نظریات، برتر از نظریات شماست. باید حرکتی شروع شود که این دو کمبود را تأمین کند. یکی به ما خودباوری بدهد و به خودمان جرئت بدهیم که ما هم اظهارنظر کنیم، نقد کنیم، نقد

علمی منطقی. دوم ارتباط با اسلام و اثبات برتری آن برای عالم از راه منطق و استدلال با منطق عقلی تا به این وسیله محافل علمی را فتح کنیم.^{۱۰۵}

تاثیر وحی در شکوفایی علوم انسانی

وحی در طول عقل او را یاری می‌کند به طوری که آنچه از جزئیات که برای او قابل فهم نیست بیان می‌دارد و خلأهایی از معارف را که عقل توان دسترسی به آن ندارد پر می‌کند بنابراین همانگونه که در آثار اندیشمندان آمده «نقش عقل برهانی در پرتو وحی الهی، ظهور خواهد کرد و با تغذیه‌ی دستورات آسمانی نمو می‌کند و در شعاع آن روشن می‌گردد».^{۱۰۶} این کلام منطبق با فرمایش امیر موحدان علی علیه السلام است که می‌فرماید: «وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَيُرْوُهُمُ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ».^{۱۰۷} از طرف دیگر وحی با تبیین نظام غائی و فاعلی موجب نمو علوم می‌گردد،^{۱۰۸} که در جای خود بحث شده است.

نهضت نرم‌افزاری و تولید علم با محوریت قرآن

سوال: از دیدگاه مقام معظم رهبری رحمته الله علیه دو روی سکه‌ی آسیب تولید علم در حوزه‌ی علوم انسانی عبارت است از:

الف. تقلیدی کردن علم و رواج ترجمه‌گرایی؛

ب. بی‌خبری از تحولات جدید علمی.

از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب رحمته الله علیه لازمه‌ی تولید علوم انسانی، برقراری پایه‌های علمی بر مبنای دین است. معظم له درباره

۱۰۵. آیت الله مصباح بزدی، پایگاه اطلاع رسانی معظم له.

۱۰۶. جواد آملی، عبدالله، علوم انسانی و هماهنگی وحی و عقل، همان منبع، ص ۵۶

۱۰۷. نهج البلاغة للصبيحي صالح، ۴۲، اختيار الأنبياء ص ۴۲. وَ اضْطَفَى شَيْخَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَخَذَ عَلَى الْوَحْيِ مِثْقَاهُمْ وَعَلَى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ لِغَابِلِ أَكْثَرُ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَجَهِلُوا حَقَّهُ وَاتَّخَذُوا الْأَدْنَاءَ مَعَهُ وَاتَّخَذَتْهُمُ الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَافْتَطَعَتْهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ فَنَعَتْ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَوَاتَرَالْتِهِمْ أَنْبِيَاءُهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِثْقًا فِطْرَتِهِ وَيَذْكُرُوهُمْ مَنَسَبَ نِعْمَتِهِ وَيَخْتِجُوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَيُرْوُهُمْ آيَاتِ الْمَقْدَرَةِ مِنْ سَفْهِ فُوقَهُمْ مَرْفُوعٍ وَمِهَادِ تَحْتَهُمْ مَوْسُوعٍ وَمَعَايِشِ تَحِيْبِهِمْ وَأَجَالِ تَغْيِيْبِهِمْ وَأَوْصَافِ بُهْرَمِهِمْ وَأَخْدَابِ اتِّتَابِهِمْ [اتَّاعَ عَلَيْهِمْ وَلَمْ يُخَلِ اللَّهُ شَيْخَانَهُ خَلْفَهُ مِنْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ أَوْ مَخْرَجَةٍ قَائِمَةٍ رُسُلٌ لَا تَقْضِي بِهِمْ قَلْبُهُمْ عَدْوَهُمْ وَلَا كَثْرَةُ الْمَكْذِبِينَ لَهُمْ مِنْ سَابِقِ شَيْءٍ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَوْ غَايِرَ عَرَفَهُ مَنْ قَبْلَهُ عَلَى ذَلِكَ تَسَلَّطَ الْفُرُوقُ وَغَضَبَ الدَّهْورُ وَتَسَلَّطَ الْإِنَاءُ وَخَلَّفَتِ الْأَنْبَاءُ.

۱۰۸. برای مثال آیه‌ی کریمه‌ی ۵۰ سوره‌ی مبارکه‌ی طه که بیان می‌دارد: «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» مصداق این راهنمایی است.

نقش علم دینی در تحول علوم انسانی می‌فرماید: «مبنای علوم انسانی غرب که در دانشگاه‌های کشور به صورت ترجمه‌ای تدریس می‌شود، جهان‌بینی مادی و متعارض با مبانی قرآنی و دینی است، در حالی که پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جستجو کرد... اگر این کار انجام شود پژوهشگران با استفاده از مبانی قرآنی و همچنین استفاده از برخی پیشرفت‌های علوم انسانی، می‌توانند بنای رفیع و مستحکمی را از علوم انسانی پایه‌گذاری کند»^{۱۰۹}.

با این درآمد نظر حضرت عالی درباره‌ی نقش قرآن در فرایند تولید علوم انسانی چیست؟

معنای سفارش‌های مقام معظم رهبری علیه السلام این است که فی‌الجمله برای نهضت نرم‌افزاری و پیشرفت علوم، راه‌کارهایی وجود دارد. باید این راهکارها را شناخت و از آن استفاده کرد قوانینی در علوم انسانی وجود دارد که اگر دانشمندان ۲۰۰ سال هم با دقت روی آن کار کنند نمی‌توانند با آن صراحتی که در قرآن بیان شده است، آنها را به دست آورند. مراقب باشیم که نسبت به این مسائلی که رایگان در دست ما قرار گرفته است، ناشکری نکنیم. ناشکری نسبت به این مسائل به این است که بگوییم معلوم نیستند.

از طرفی دیگر می‌توان مسائلی را که از راه وحی معلوم گشته‌اند با تجربه اثبات کرد تا برای دیگران هم معلوم شوند. معلوم شدن این دسته از مسائل برای ما که معتقد به وحی هستیم و

۱۰۹. از فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار با بانوان قرآن پژوه، ۸۸/۷/۲۸

این خورشید برایمان طلوع کرده است نیاز به روش‌های علمی ندارد. بله، برای راهنمایی کسانی که صرفاً راه تجربی را قبول دارند، مفید است.^{۱۱۰}

محوریت و حضور علوم اسلامی

تنها راه اسلامی کردن مراکز علمی به‌ویژه دانشگاه‌ها و آموزش و پرورش، اسلامی کردن علوم است. علوم فعلی مرده است، اما همین علوم در دانشگاه‌ها و مدارس تدریس می‌شود و مهم این است که این علوم مرده را زنده کرد.

فلسفه بین علوم حرف اول را می‌زند ما علم بی تفاوت نداریم و هر علمی یا ملحدانه است و یا موحدانه برای اینکه علم موضوع و محمول و مبادی و مبانی دارد و در همه این موارد به فلسفه متکی است. یک زمین شناس در وادی زمین بحث می‌کند اما این شخص نمی‌تواند ثابت کند که زمین آفریدگار دارد یا ندارد، و حتی نمی‌تواند در این موضوع شك کند.

هیچ علمی به جز فلسفه درباره‌ی کل جهان بحث نمی‌کند و اگر فلسفه که جهان‌بینی است راه درست را انتخاب کرد و کژراهه نرفت اولاً در دینی شدن خود خودکفاست و می‌تواند تشخیص دهد که جهان خدایی دارد، دوماً وقتی این فتوا را داد که جهان پروردگاری دارد، کل هستی خلقت می‌شود و چیزی به نام طبیعت نداریم. ما باید این مسئله را تبیین کنیم که چیزی به نام طبیعت و طبیعیات وجود ندارد و جهان خلقت شناسی است.

۱۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی، جستارهایی در فلسفه علوم انسانی از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی، چاپ اول، ص ۷۱. نقل از پایگاه معظم له

اسلامی شدن متون درسی دانشگاه‌ها و مدارس در این نیست که اول این متون «بسم الله الرحمن الرحيم» نوشته شود و بعد آرم جمهوری اسلامی و سپس عکس امام و رهبری گنجانده شود. حرف اول را در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها علم می‌زند.

دست‌اندرکاران امر آموزش و پرورش باید این هنر را داشته باشید که روح را در کالبد علم مرده بدمید و علم را زنده کنید. علم مرده، عالم مرده تربیت می‌کند، از این رو نباید علم بی‌روح و سرد را تحویل دانش‌آموزان و دانشجویان بدهیم. الان تربیون دست علم است؛ درست است که دین حق است ولی آنچه که آسمان و زمین می‌رود و ژاپن را تخریب می‌کند و کشورهای دیگر را تحریم و تهدید می‌کند، علم است.^{۱۱۱}

اسلامی کردن علوم با توجه به جایگاه عقل است نه با ویران کردن اساس علوم رایج

ایده اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین و رفع غفلت از جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی و بر طرف کردن بیگانگی فاصله‌ای که به نادرست میان علم و دین برقرار شده، حاصل می‌آید نه آن که از روش تجربی دست برداشته و سازوکار کاملاً جدید و بدیعی برای علوم طبیعی پیشنهاد شود. حقیقت آن است که اسلامی کردن علوم به معنای رفع عیب و نقص حاکم بر علوم تجربی رایج است و اینکه علوم طبیعی را هماهنگ و سازگار با دیگر منابع معرفتی بینیم؛ نه آنکه اساس علوم رایج را ویران کرده و محتوای کاملاً جدیدی را در

۱۱۱. بیانات آیت الله جوادی
آملی

شاخه‌های مختلف علوم انتظار بکشیم. ۱۱۲

افراط و تفریط نه!!

در زمینه‌ی اسلامی کردن علوم و دانشگاه‌ها از هرگونه افراط و تفریط باید دوری جست و نباید تصور کرد. علم اسلامی یعنی فیزیک و شیمی اسلامی تافته‌ای جدا بافته از علوم طبیعی رایج است. منشا چنین گمانی آن است که نسبت علم دینی به علم رایج را نسبت فرش دستباف با فرش ماشینی بدانیم و تخیل کنیم که علم دینی محتوایی کاملاً متفاوت از علم رایج در اختیار می‌گذارد و چون مشاهده می‌کنیم که از دل علم دینی فیزیک و شیمی متفاوتی به دست نمی‌آید، به این تصور کشانده می‌شویم که از اساس منکر امکان اسلامی کردن علوم گردیم. ۱۱۳

هماهنگی اندیشه

اینکه مشاهده می‌شد که کتاب منظومه مرحوم حکیم سبزواری در حقیقت مشتمل بر چهار کتاب منطقیات، طبیعیات، الهیات اخلاقیات است، نه از آن جهت است که این چهار فن بی ارتباط با هم تنها در یکجا صحافی شده و جُنْگی را به نام کتاب شکل داده‌اند بلکه از آن رو است که مولف کتاب همچون اسلاف متاله خویش، هماهنگ می‌اندیشیده و میان این شاخه‌های معرفت تجربی و تجریدی ارتباط و تعامل و هماهنگی می‌دیده است. ۱۱۴

ب: خصوصیات اساتید و دانشجویان دانشگاه اسلامی

اصلی‌ترین جزء متشکله‌ی هر دانشگاهی اساتید و دانشجویان

۱۱۲. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۴۳

۱۱۳. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۴۲

۱۱۴. آیت الله جوادی آملی، ع منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، انتشارات اسراء، ص ۱۳۵

آن دانشگاه هستند سایر اشخاص و سایر اجزاء همچون محیط دانشگاه و اموال و سایر امکانات همه برای این است که این دو گروه با هم تعامل کرده و به هدفی نائل آیند. بنابراین پس از بحث علم و دانش اسلامی که موضوع و ابزار کار آن‌ها بوده و بحث در خصوص مولفه‌های علوم اسلامی که در بخش پیشین گذشت باید درباره مولفه‌ها و خصوصیات اساتید و دانشجویان دانشگاه اسلامی صحبت کرد.

ایستادگی بر اصول

اسلامی بودن یعنی ایستادگی بر روی اصول... و بر اساس آن بنا کردن، پیش رفتن و جوشیدن...^{۱۱۵}

اسلام دغدغه‌ی دانشگاهیان

«وقتی راجع به اسلام و ارزش‌ها و آن پایبندی‌های اساسی انقلاب حرف می‌زنید هر چه بگویید من لذت می‌برم، نفس اینکه این مسائل دغدغه‌ی شما باشد. برای من خیلی با ارزش است، محتواها مساله بعدی است.»^{۱۱۶}

عزیز بودن علم و عالم و استاد

در دانشگاه اسلامی علم عزیز است، عالم عزیز است، استاد کرامت دارد و دانشجویی عبادت است.^{۱۱۷}

اعتلاطلب، روبه مردم، فعال و پرنشاط

بنده طرفدار دانشگاهی هستم که اصولی، اعتلاطلب، روبه

۱۱۵. بیانات معظم له در دیدار روسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۷۶/۱۲/۶

۱۱۶. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان، ۷۶/۱۲/۲۳

۱۱۷. بیانات معظم له در دیدار روسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۷۶/۱۲/۶

مردم، فعال از لحاظ علمی و فکری پرنشاط باشد.^{۱۱۸}

جهاد علمی و علم جهادی

می توان علم جهادی و جهاد علمی داشت... (جهاد) میدان‌هایی دارد؛ یکی از میدان‌هایش حضور در نبردهای مسلحانه رایج جهانی است، میدان سیاست هم دارد، میدان علم هم دارد. ... جهاد یعنی يك چنین مبارزه‌ای که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود آن وقت جنبه‌ی تقدس هم پیدا می‌کند.^{۱۱۹}

عشق به اسلام و انقلاب و غرور ملی و دینی در اساتید

استاد باید سرشار از عشق به اسلام و انقلاب و غرور ملی و دینی باشد؛ استاد ایده‌آل این است. استاد باید سرشار از روحیه خدمت باشد؛ یعنی حقیقتاً بخواهد کار کند و این جوان‌ها را مثل بچه‌های خودش پرورش دهد.

استاد باید مدافع خلاقیت و نوآوری و ابتکار باشد. استاد باید از جریان‌ات جهان آگاه باشد. استاد ما در محیط کلاس به خاطر اثرگذاری‌اش باید این چیزها را بداند.^{۱۲۰}

اسوه‌ی حسنه بودن اساتید

«من خلای را در ارتباط استاد و دانشجو مشاهده می‌کنم که این خلا باید به وسیله‌ی شما پر شود. دانشجوی ما در محیط علمی ضمن اینکه علم می‌آموزد، می‌تواند خیلی از درس‌های غیر آن علم و مورد نظر را هم از استاد بیاموزد و فراگیرد. از

۱۱۸. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۹/۱۲/۹

۱۱۹. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۸۳/۴/۱

۱۲۰. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۸۳/۱۰/۱۷

جمله‌ی آن‌ها غرور ملی، علاقه مندی به میهن، دلبستگی به آینده کشور و افتخار به تاریخ و گذشته کشور است. این‌ها عواملی است که می‌تواند در يك جوان دانشجو تاثیرات بسیار عمیق و مثبتی بگذارد.^{۱۲۱}

اساتیدی مصمم در اسلامی شدن دانشگاه با همت بالا

اساتید و مدیران مراکز آموزشی و تحقیقاتی، در کنار اهتمام بلیغ نسبت به ارتقای سطح دانش و پژوهش - که پایه‌ی اصلی رشد و توسعه‌ی کشور محسوب می‌گردد- بر اسلامی کردن محیط آموزش و زدودن آثار سوء فرهنگ وارداتی و تقویت بنیه‌ی دینی و سیاسی دانشجویان و دانش‌آموزان - که امیدهای آینده‌ی کشورند- همت گمارند و با برنامه‌های ابتکاری و ضربتی، ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی و گسترش دانش در سطح جامعه را، چون هدفی مقدس تعقیب کنند.^{۱۲۲}

فارغ التحصیلانی با دغدغه‌ی دینی و انقلابی

خصوصیت جمهوری اسلامی این است که دستگاه انسان سازیش بایستی صحیح حرکت بکند و انسان باب هدف‌های جمهوری اسلامی بسازد؛ و الا اگر ما بخواهیم انسان فقط عالم بسازیم منهای آرزوهای مقدسی که يك ملت و بخصوص مسلمین دارند بهتر همین است که دانشجویانمان را گروه گروه به کشورهایی که دستگاه‌های علمیشان مجهزتر و مدرنتر از ماست، روانه کنیم؛ آنجا بروند یاد بگیرند و بیایند! هدف این نیست. هدف این است که کشور به دست انسان‌های صالح از

۱۲۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۲/۲/۲۲

۱۲۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۶۸/۴/۲۳

لحاظ علمی و فکری، در جهت هدف‌های خودش حرکت کند؛ و این نخواهد شد، مگر آن وقتی که این انسان‌ها خودشان، آن هدف‌ها را شناخته و قبول داشته باشند.

اگر دانشگاه جایی شد که کسی که از آنجا صادر و خارج می‌شود متخرج دانشگاه نه نسبت به انقلاب حساس باشد، نه نسبت به دین حساس باشد، نه نسبت به کشور حساس باشد، نه نسبت به استقلال ملی و آرزوهای بزرگ ملی حساس باشد، این دانشگاه هرچه هم از لحاظ علمی والا باشد، ارزشی نخواهد داشت؛ زیرا که متخرج و محصول این دانشگاه، راحت در اختیار سیاست‌های مختلف قرار خواهد گرفت.

این مطلب، برنامه‌ی ما را در مورد دانشگاه باید مشخص بکند. یعنی ما بایستی در دانشگاه، دین و روحیه‌ی انقلابی و بیزاری از وابستگی ملی را مورد توجه قرار بدهیم؛ بخصوص این نکته‌ی وابستگی، یعنی همان چیزی که متأسفانه امروز کشورهای کوچک دنیا، کوچک از لحاظ وضع سیاسی و موقعیت سیاسی و کشورهای سابق به اصطلاح جهان سوم و عمدتاً کشورهای اسلامی، دچار آن هستند و چشمشان به آن طرف است.

این وابستگی را نباید با اشتیاق به فراگیری علم که هر جا انسان آن را بیابد، دنبال آن خواهد رفت اشتباه کرد. گاهی علم در دست دشمن ماست؛ پیش دشمن می‌رویم، زانو می‌زنیم و از او علم را فرا می‌گیریم؛ این اشکالی ندارد. ارزش علم فراتر از این است که انسان به خاطر آن، حتی سراغ کسی که با او

مخالف است، نرود. این يك بحث است؛ تحت تأثیر آن دشمن قرار گرفتن از غیر جنبه‌ی علم یعنی جنبه‌ی سیاست، فرهنگ و چیزهای دیگر يك بحث دیگر است. آنچه که برای ما درست کردند، این دومی است. آنچه که برای به اصطلاح رایج جهان سوم خواستند و برنامه‌ریزی کردند، این دومی است. اتفاقاً کاری کردند که اولی انجام نگیرد.^{۱۲۳}

دانشجو جزو قشرهای برگزیده‌ی دینی جامعه

ما باید کاری بکنیم که در جامعه‌ی خودمان، دانشجو جزو قشرهای برگزیده‌ی دینی باشد. یعنی هدف ما باید این باشد که در دانشگاه، دانشجویان را هم از لحاظ آگاهی و معرفت و هم از لحاظ استحکام ایمان، به عناصر زبده‌ی برگزیده‌ی دینی تبدیل کنیم. طبیعی است که این‌ها در آینده، خدمت برای جمهوری اسلامی را هم تضمین خواهند کرد.^{۱۲۴}

روحیه‌ی انقلابی

باید به ذهنیت دانشجویان و جوانان و اعتقادات و روحیه‌ی اسلامی و انقلابی آن‌ها، خیلی توجه بشود. حقیقتاً جوانان موتور و راه‌اندازنده‌ی حرکت‌های بزرگ- هم مثبت و هم منفی- در جامعه هستند. اگر ما بتوانیم این مجموعه‌ی جوان با فرهنگ را که در نقطه‌ای به نام دانشگاه جمع شده‌اند، به سمت روحیه‌ی انقلابی و اسلامی جهت بدهیم، به نظرم می‌رسد که کشور و انقلاب، بزرگترین سود را از این بابت خواهد برد.

۱۲۳. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۰/۹/۲۰

۱۲۴. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۶۹/۷/۸

در گذشته، دانشگاه نقطه‌ای بود که در آن، بی‌فرهنگی اسلامی بیش از جاهای دیگر و یا در ردیف بدترین جاها بود. این، کاری بود که رژیم و دستگاه‌های فرهنگی گذشته دنبال می‌کردند و توجه داشتند که این کار در دانشگاه‌ها انجام بگیرد. مقاصد سیاسی پشت سر این قضیه بود. به نظر من، امروز باید طوری باشد که ورود در دانشگاه، مثل ورود در حوزه‌ی علمیه باشد. همچنان که در حوزه‌ی علمیه، انسان معرفت و دین و تعبد می‌آموزد، کسی هم که به دانشگاه وارد شد، حتی اگر از مبانی اسلامی و انقلابی فاصله هم دارد، دانشگاه در طی این مدت، او را با مبانی اسلامی و انقلابی آشنا کند و متعبد سازد.

به همین خاطر است که بایستی به تربیت دینی و گرایش‌ها و روحیه‌ی پُرشور انقلابی جوانان در دانشگاه اهمیت داد. فقط با زبان هم نمی‌شود. این کار، مقدماتی لازم دارد. عناصری که در دانشگاه‌ها به کار گرفته می‌شوند، آن‌هایی که مؤثرند، آن‌هایی که در مراکز حساس واقع می‌شوند، واقعاً باید از کسانی باشند که این انقلاب را از بن دندان قبول داشته باشند. البته ما نمی‌خواهیم بگوییم که هر استاد و یا متخصصی که در دانشگاه‌ها تحقیق و یا تدریس می‌کنند، بایستی یک انقلابی طراز اول باشد. نه، ممکن است این فرد کاملاً قابل قبول باشد و دانش و آفری داشته باشد و انقلاب از دانش او استفاده کند. ما بیش از دانش او، چیزی از او نمی‌خواهیم. منتها در همین مورد هم نباید انگیزه‌ی ضدیت با انقلاب در او وجود داشته باشد؛ چون اگر این انگیزه وجود داشت، دانش او در اختیار انقلاب

قرار نخواهد گرفت. ۱۲۵

خودم به ملت با عرق مذهبی و ملی

ما می‌خواهیم دانشگاه‌ها را طوری کنیم که جوان‌های ما برای خودشان و برای ملتشان کار کنند ... باید دانشگاه اسلامی بشود تا علوم‌ی که در دانشگاه تحصیل می‌شود در راه ملت و در راه تقویت ملت و با احتیاج ملت همراه باشد. ما می‌گوییم که برنامه‌هایی که در دانشگاه‌ها هست، منتهی می‌کند جوانان ما را به اینکه طرف کمونیسم کشیده بشوند یا طرف غرب و نباید اینطور باشد. ما می‌گوییم که جوانان ما را این معلمینی که یا اساتیدی که در دانشگاه بودند و بعضی از آن‌ها که هستند، نمی‌گذارند تحصیل حسابی بکنند، آن‌ها را متوقف می‌کنند. مانع از پیشرفت آن‌ها هست. در خدمت غرب هستند و می‌خواهند ما در همه چیز محتاج به غرب باشیم... ما از دانشگاهی می‌ترسیم که جوان‌های ما را آن‌طور تربیت کنند که خدمت غرب بکنند. ما از دانشگاهی می‌ترسیم که آن‌طور جوان‌های ما را تربیت کنند که خدمت به کمونیسم کنند.

ماندن در این جا و خدمت کردن امتیاز است نه رفتن به خارج

«اینطور نیست که رفتن به خارج امتیازی محسوب شود، نه ماندن در این جا امتیاز است ... نخبگان از این ملت و از این کشورند و توقع ما این است که برای این ملت و این کشور هم باشند البته به مسؤولان هم مرتباً سفارش می‌کنیم و بر خودمان هم لازم می‌دانیم که ... حمایت کنیم.» ۱۲۶

۱۲۵. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ۶۸/۹/۲۱

۱۲۶. بیانات امام خامنه‌ای علیه‌السلام در دیدار دانشجویان، ۸۳/۸/۱۰

استقلال فکری

«این وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج منشا اکثر بدبختی‌های ملت‌ها و ملت ماست.»^{۱۲۷}

بعضی گمان کردند که علوم دو قسم است: علم هندسه یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی، علم فیزیک یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی ... و بعضی توهم کردند که این‌ها که قائلند به اینکه باید دانشگاه‌ها اسلامی شود یعنی علم فقه، تفسیر و اصول در آن‌ها باشد ... این‌ها اشتباهاتی است که بعضی می‌کنند یا خودشان را به اشتباه می‌اندازند آنچه می‌خواهیم بگوییم این است که دانشگاه‌های ما وابسته است؛ دانشگاه‌های ما استعماری است. معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که دانشگاه استقلال پیدا کند... دانشگاه ما تربیت اسلامی ندارد.^{۱۲۸}

عدم خودباختگی و ضعف در برابر تمدن‌های غیر اسلامی
«در دانشگاه اسلامی دانشجو و استاد مرعوب در برابر تمدن غرب نیستند و به تماشاگری علمی و تفکر ترجمه‌ای بسنده نمی‌کنند بلکه در اندیشه‌ی تولید علم و جنبش نرم‌افزاری به سر می‌برند و علم را حاصل تبادل و تعامل افکار تمامی آدمیان و تمدن‌ها می‌دانند به عبارت دیگر در دانشگاه اسلامی خبری از خودباختگی فرهنگی و ضعف شخصیت نیست.»^{۱۲۹}

پشتکار در نهضت علمی و آزاداندیشی

آزاداندیشی با پایبندی به اصول از مولفه‌های دانشگاه اسلامی

۱۲۷. امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، ج ۶، ص ۵۷۳. نقل از افروز عماد، سوال‌های و چالش‌های اساسی وحدت حوزه و دانشگاه، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۲

۱۲۸. بیانات حضرت امام خمینی رحمه الله، حضرت امام در تاریخ ۵۹/۲/۱ به طور مفصل در این خصوص بیاناتی داشتند که در اینجا به بخشی از آن اشاره می‌شود: بعضی گمان کردند که کسانی که اصلاح دانشگاه‌ها را می‌خواهند می‌خواهند دانشگاه‌ها اسلامی باشند این است که گمان کردند که - این اشخاص توهم کردند که - علوم دو قسم است: هر علمی دو قسم است. علم هندسه یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی، علم فیزیک یکی اسلامی است، یکی غیر اسلامی. از این جهت اعتراض کردند به اینکه علم، اسلامی و غیر اسلامی ندارد. و بعضی توهم کردند که این‌ها که قائلند به اینکه باید دانشگاه‌ها اسلامی بشود؛ یعنی فقط علم فقه و تفسیر و اصول در آنجا باشد، یعنی همان شانی را که مدارس قدیمه دارند باید در دانشگاه‌ها هم همان تدریس بشود. این‌ها اشتباهاتی است که بعضی می‌کنند، یا خودشان را به اشتباه می‌اندازند. آنچه که ما می‌خواهیم بگوییم این است که دانشگاه‌های ما، دانشگاه‌های وابسته است. دانشگاه‌های مادر دانشگاه‌های استعماری است.

۱۲۹. بیانات مقام معظم رهبری رحمه الله

است و در مقابل ابزارپرستی، مقابله با تغییر و نوآوری و بعضاً تقدس‌بخشی به برخی از دیدگاه‌های خود و دیگران از موانع نوآوری مبتنی بر پایه‌های محکم شرع است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در پاسخ به نامه‌ی جمعی در خصوص ضرورت ایجاد نهضت علمی و آزاداندیشی پاسخ دادند: «با همه‌ی مضمون نامه شما موافقم و از شما و همفکرانتان در حوزه و دانشگاه می‌خواهم که این ایده‌ها را تا لحظه عملی شدن و ثمر دادن، هر چند دراز مدت، تعقیب کنید. نه مایوس و نه شتابزده، اما باید این راه را که راه شکوفائی و خلاقیت است به هر قیمت پیمود»^{۱۳۰}

ج: بصیرت و ینش دانشگاهیان

ینش دینی و سیاسی

دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن در کنار فعالیت‌ها و تلاش‌های پی‌گیر علمی نشاط و بصیرت سیاسی نیز وجود داشته باشد. چنانچه عالم از محیط خود بی‌خبر باشد، زورمداران به راحتی می‌توانند علم او را در خدمت قدرت فساد خود قرار دهند.

مقام معظم رهبری علیه السلام درباره‌ی تعریف این مساله تصریح کرده‌اند؛ باید محیط دانشگاه محیط سیاسی باشد. محیط سیاسی، یعنی چی؟ یعنی درس نخوانند و شعار سیاسی بدهند؟! یعنی زنده باد، مرده باد کنند؟! بگویند فلان رئیس دانشگاه، فلان کس یا فلان چیز را نمی‌خواهیم و فلان چیز را می‌خواهیم؟! آیا معنایش این است؟ خیر! سیاسی بودن، یعنی دانشجو از آنچه که در جهان



دانشگاه‌های ما اشخاصی را که تربیت می‌کنند، تعلیم می‌کنند، اشخاصی هستند که غریزه هستند. معلمان بسیاری‌شان غریزه هستند و جوان‌های ما را غریزه بار می‌آورند، ما می‌گوییم که دانشگاه‌های ما یک دانشگاه‌هایی که برای ملت مامقید باشد، نیست... ما که می‌گوییم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و تغییرات بنیادی داشته باشد و اسلامی باشد، نه این است که فقط علوم اسلامی را در آنجا تدریس کنند. نه اینکه علوم دو قسمند. هر علمی دو قسم است: یکی اسلامی و یکی غیراسلامی.... ما که می‌گوییم باید بنیاداً اینها تغییر بکند، می‌خواهیم بگوییم که دانشگاه‌های ما باید در احتیاجاتی که ملت دارند، در خدمت ملت باشند، نه در خدمت اجانب، مامعلمی که در مدارس ما، اساتیدی که در دانشگاه‌های ما هستند بسیاری از آنها در خدمت غریبه جوان‌های ما را شستشوی مغزی می‌دهند. جوان‌های ما را تربیت فاسدمی‌کنند. مانمی‌خواهیم بگوییم ما علوم جدید را نمی‌خواهیم. مانمی‌خواهیم بگوییم که علوم دو قسم است که بعضی مناقشه می‌کنند. عمداً یا از روی جهالت. مانمی‌خواهیم بگوییم دانشگاه‌های ما اخلاق اسلامی ندارد. لکن باید دانشگاه اسلامی بشود تا علومی که در دانشگاه تحصیل می‌شود در راه ملت و در راه تقویت ملت و با احتیاج ملت همراه باشد.

۱۳۰. پاسخ امام خامنه‌ای علیه السلام به نامه‌ای در خصوص کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۸۹/۱۱/۱۶

و در کشور خودش میگذرد آگاه باشد، بینش داشته باشد؛ اگر این نشد ممکن است فردی به حد اعلای علم هم برسد، خیلی هم متدین باشد اما دشمن او را به قیمت بسیار ارزانی بخرد.^{۱۳۱}

دانشجو باید فکر کند و این فکر را مطرح و مطالبه کند

اصلیترین مشخصه‌ی بصیرت، تعقل و تفکر است. از این رو رهبر معظم انقلاب علیه السلام میفرماید: «ما می‌خواهیم جوان ما احساس کند که باید فکر کند و باید این فکر را مطرح و آن را مطالبه کند. نمی‌خواهیم کار نمایشی کنیم و نیازی هم به کار نمایشی نداریم ... (دانشجو) باید تعهدی در این زمینه در خود احساس و برای آن تلاش کند».^{۱۳۲}

د: اهداف و جهت‌گیری اسلامی

در مقام آسیب‌شناسی وضعیت توسعه‌ی علوم انسانی در ایران، کارشناسان بر این نکته تاکید دارند که نبود انگیزه‌ی معرفتی لازم نزد دانشجویان و حتی اساتید مانع از آن می‌شود که فرآیند آموزشی و پرورش در حوزه علوم انسانی به تولید دانش جدید و شکوفایی استعدادها منتهی شود.^{۱۳۳} از این رو ایجاد انگیزه و هدف اسلامی در میان دانشگاهیان از مهمترین مولفه‌های دانشگاه اسلامی و تعلیم و تربیت است که در پی می‌آید.

هدف از تعلیم و تربیت در بیان حضرت امام خمینی رحمته الله علیه

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه موکداً فرموده‌اند: «... چنانچه (در) دانشگاه‌ها جهت به آن (تعلیم و تربیت) داده نشود همان

۱۳۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار با دانشگاهیان و فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۷۳/۳/۱۸

۱۳۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار اعضای تشکل‌ها و نخیشان دانشجویی، ۸۲/۸/۱۵

۱۳۳. قانعی راد، محمد امین، تعاملات و ارتباطات در جامعه‌ی علمی، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۵، صص ۲۲-۷

دانشگاه‌هایی می‌شود که در بین بشر هست و از همان
دانشگاه‌ها قوای مخربه بیرون می‌آید.»
اهداف تعلیم و تربیت در بیان ایشان عبارتند از؛

دعوت به توحید

«تمام علوم چه علوم طبیعی باشد و چه علوم غیر طبیعی ...
آن مقصدی که اسلامی دارد این است که تمام اینها ... به علوم
الهی و برگشت به توحید بکند.»^{۱۳۴}

امام خمینی رحمه الله توحیدی بودن را تفاوت اصلی دانشگاه اسلامی
با دانشگاه‌های رایج غربی می‌داند ایشان بیان می‌دارد؛ فرق بین
دانشگاه‌های غربی و دانشگاه‌های اسلامی باید در آن طرحی
باشد که اسلام برای دانشگاه‌ها طرح می‌کند. دانشگاه‌های
غربی - به هر مرتبه‌ای هم که برسند - طبیعت را ادراک می‌کنند،
طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت. اسلام به علوم طبیعی نظر
استقلالی ندارد. تمام علوم طبیعی - به هر مرتبه‌ای که برسند -
باز آن چیزی که اسلام می‌خواهد نیست. اسلام طبیعت را مهار
می‌کند برای واقعیت؛ و همه را رو به وحدت و توحید می‌برد. تمام
علوم که شما اسم می‌برید و از دانشگاه‌های خارجی تعریف می
کنید - و تعریف هم دارد - این‌ها یک ورق از عالم است؛ آن هم یک
ورق نازلتر از همه‌ی اوراق. عالم، از مبدأ خیر مطلق تا منتها الیه،
یک موجودی است که حَظِّ طبیعی‌اش یک موجود بسیار نازل
است؛ و جمیع علوم طبیعی در قبال علوم الهی بسیار نازل است؛
چنانکه تمام موجودات طبیعی در مقابل موجودات الهی بسیار

۱۳۴. حضرت امام خمینی
عجله، ۵۸/۴/۱۳

نازل هستند. فرق مابین اسلام و سایر مکتب‌ها- نه مکتب‌های توحیدی را عرض نمی‌کنم- بین مکتب توحیدی و سایر مکتب‌ها، که بزرگترینش اسلام است، این است که اسلام در همین طبیعت يك معنای دیگری می‌خواهد، در همین طب يك معنای دیگری می‌خواهد، در همین هندسه يك معنای دیگری را می‌خواهد، در همین ستاره شناسی يك معنای دیگری می‌خواهد... کسی که مطالعه کند در قرآن شریف این معنا را، می‌بیند که جمیع علوم طبیعی جنبه‌ی معنوی آن در قرآن مطرح است، نه جنبه‌ی طبیعی آن. تمام تعلقاتی که در قرآن واقع شده است و امر به تعقل، امر به اینکه محسوس را به عالم تعقل ببرید و عالم تعقل؛ عالمی است که اصالت دارد و این طبیعت، يك شبیحی است از عالم.»^{۱۳۵}

انسان را انسان کند

«[قرآن می‌فرماید] «مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا الثَّورَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجَمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا»^{۱۳۶} مثل آن‌ها که عالم شده‌اند لکن علم در آن‌ها اثر خودش را نگذاشته است، مثل الاغی می‌ماند که بارش کتاب باشد. وقتی که علم در انسان تاثیر نکند و انسان را انسان نکند، این حمل کتاب چه در سینه‌ها باشد! و چه در پشت باشد!»^{۱۳۷}

هدایت مردم

«این علمی که دنبالش تعهد نباشد، دنبالش عمل نباشد، دنبالش رشد فکری نباشد، دنبالش هدایت مردم نباشد، این

۱۳۵. بیانات امام خمینی رحمته الله علیه، ۵۸/۴/۱۳

۱۳۶. مَثَلُ الَّذِينَ خُمِلُوا الثَّورَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجَمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا يَبْسُ مَثَلِ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. سوره‌ی مبارکه‌ی جمعه، آیه‌ی کریمه‌ی ۵

۱۳۷. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، ۵۸/۶/۲

نظیر همان است که به دوشش کتاب باشد، بلکه به دوش یک حیوان و یک الاغ کتاب باشد.»^{۱۳۸}

قرآن می‌فرماید؛ بخوان به نام خدا، نه خواندن مطلق
قرآن این را فرموده است: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» قرائت کن نه قرائت مطلق. بیاموز، نه آموزش مطلق. علم تحصیل کن، نه علم مطلق و تحصیل مطلق علم جهت دار، آموزش جهت دار، جهت اسم رب است، توجه به خداست.»^{۱۳۹}

مکارم اخلاق
«برای مکارم اخلاق، همه‌ی انبیا آمدند؛ بُعِثْتُ لَأَتِمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. برای تقوا و آدم سازی آمدند انبیا... و اساتید دانشگاه و اساتید حوزه‌ها هم به این خاصه باید اهمیت خاص بدهند.»^{۱۴۰}

هدفمند بودن و مشخص بودن جهت‌گیری و هدف دانشگاه
انقلاب اسلامی، جهت‌گیری دانشگاه را یکسره دگرگون کرد و خودباوری، و ابتکار، و استقلال، و پایبندی به ارزش‌های اسلامی، و جهاد علمی، و آزادی از اسارت و تبعیت، را جهت اصلی آن قرار داد.

امروز رسالت اول دانشگاهیان، حفظ این جهت‌گیری و تلاش برای شکوفا شدن استعداد علمی و فکری نسل جوان بالنده‌ی کشور است. نظام اسلامی نشان داده است که ملت ایران، دارای ظرفیت عظیمی برای پیشرفت در همه‌ی عرصه‌های زندگی است. گام بلند انقلاب، در این راه طولانی، قطع وابستگی

۱۳۸. حضرت امام خمینی
ع.ا.س.، ۵۸/۶/۲

۱۳۹. حضرت امام خمینی
ع.ا.س.، ۵۹/۱۰/۶

۱۴۰. حضرت امام خمینی
ع.ا.س.، ۶۱/۱۰/۵

و تبعیت است. محیط علمی باید در عین آنکه بالاترین بهره‌ی ممکن را از دانش پیشرفته‌ی جهان می‌برد، متکی به خود و مبتکر و خلاق و کاوشگر باشد. نظام سلطه‌ی جهانی همیشه کوشیده است که به وسیله‌ی عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت‌هایی که از قافله‌ی علم و فناوری عقب مانده‌اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگاه دارد.^{۱۴۱}

همه‌ی علوم‌ی که مقدمه‌ی رسیدن به هدف‌های اسلامی است، فراگیرند و کوتاهی نکنند

بینیم اسلام چگونه دینی است و وسعت هدف‌هایش چقدر است. اگر توجه کردیم که اسلام به چهار تا مساله‌ی عبادی و اخلاقی قناعت نکرده و در همه‌ی شئون حیاتی بشر اعم از اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و... نظر دارد و نیز توجه کردیم که امروز دنیا بر پاشنه‌ی علم می‌چرخد و بدون علم نمی‌توان چنان جامعه‌ای که اسلام می‌خواند یعنی جامعه‌ای غنی، مستقل، آزاد، عزیز و قوی به وجود آورد؛ خود به خود نتیجه می‌گیریم که در هر زمانی خصوصاً این زمان بر مسلمانان واجب است که همه‌ی علوم‌ی که مقدمه‌ی رسیدن به هدف‌های اسلامی است، فراگیرند و کوتاهی نکنند. با این مقیاس می‌توانیم بشناسیم چه علمی واجب کفایی است و چه علمی واجب عینی، و دریابیم که در یک زمان ممکن است، تحصیل علمی از واجب‌ترین واجبات باشد و در زمان دیگری چنین نباشد.^{۱۴۲}

۱۴۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۸/۳/۱۲

۱۴۲. استاد شهید مرتضی مطهری رحمته الله علیه، بیست گفتار، ص ۲۵۴ به بعد. نقل از صد گفتار خلاصه آثار استاد، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ص ۱۲۱

پیش‌آهنگی و پیش‌قراولی در حرکت انقلابی

عامل دوم، جهت فکری و سیاسی و انقلابی دانشگاه است؛ آن چیزی که به علم هم جان و روح و جهت خواهد داد. در بیانات حضرت امام رحمته‌الله‌علیه و وصیت‌نامه‌ی ایشان، به این نکته‌ی اساسی بسیار توجه شده است. دانشگاه لایبالی و بیگانه از ارزش‌های دینی و بی‌تفاوت و خون‌سرد نسبت به مفاهیم و جهت‌گیری‌های انقلابی، دانشگاهی که در او نبض انقلاب نزند، دانشگاهی که اعضایش - چه دانشجو و چه استاد- نسبت به حرکت انقلابی ملت ایران و برای پیش‌آهنگی و پیش‌قراولی، احساس تکلیف نکند و نقش درجه‌ی یک را در کار انقلاب نداشته باشد، دانشگاهی نیست که امیدبخش و تضمین‌کننده‌ی آینده و مورد نظر امام رحمته‌الله‌علیه باشد.

دانشگاه جهت‌دار و دین‌دار، به شدت متمایل به ارزش‌های انقلابی و اسلامی است. البته ارزش‌های انقلابی از ارزش‌های اسلامی، به هیچ وجه تفکیک پذیر نیست؛ این‌ها باهم یکی است. کسی نمی‌تواند بگوید من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم، و یا بگوید من انقلابی هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترین تپش‌های انقلابی در این جاست؛ بسیج‌کننده‌ترین نیروهای مردمی، این انقلاب است؛ در حالی که سرتاسر دنیا، انباشته از انقلاب‌های گوناگون است. پس انقلابی غیر اسلامی و اسلامی غیر انقلابی نداریم. ارزش‌های انقلابی، همان ارزش‌های اسلامی است. ۱۴۳

اگر قلم‌ها برای خدا باشد مسلسل‌ها کنار می‌رود

«قلم‌ها اگر در دنیا برای خدا و برای خلق خدا به کار بیفتند، مسلسل‌ها کنار می‌رود و اگر برای خدا و برای خلق خدا نباشد، مسلسل‌ساز می‌شود. ابزار کوبنده‌ی انسان با دست قلم‌دارها و دست علمایی که در همه‌ی دانشگاه‌ها هستند با دست آن‌ها وجود پیدا کرده است...»^{۱۴۴}

ه: رعایت اخلاق اسلامی

تریت و تزکیه بالاتر از تعلیم است

«مسالهی تربیت بالاتر از تعلیم است. در آن ایه شریفه ... مسالهی تزکیه نفس اهمیتش، بیشتر از مسالهی تعلیم کتاب و حکمت است. [تزکیه] مقدمه از برای این است که کتاب و حکمت در نفس انسان واقع بشود.»^{۱۴۵} ما اگر مذهب باشیم خواهیم توانست هستی خود را در خدمت اسلام و نظام اسلامی قرار دهیم.^{۱۴۶}

پرهیز از کبر و غرور

در دانشگاه اسلامی، مهارت علمی و قابلیت‌های فکری بالا، برای عالم و دانشجو غرور به باور نمی‌آورد، زیرا در کنار تعلیم، تهذیب صورت پذیرفته است. از این رو فضایل اخلاقی بر افکار و افعال اساتید و دانشجویان سایه می‌کند. در چنین فضایی علمی و اخلاقی، اثری از فخر فروشی و کبر علمی نخواهد بود؛ علم عالم بر فروتنی و خضوع وی می‌افزاید و افق نگاه او را

۱۴۴. حضرت امام خمینی (ره)، ۵۹/۱۰/۶.

۱۴۵. حضرت امام خمینی (ره)، ۵۹/۱۰/۱۸.

۱۴۶. بیانات امام خامنه‌ای، ۶۹/۸/۵. نقل از صالح میرزایی، سعید، حوزه و روحانیت، برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ. ۱، ۱۳۹۰، ص ۸۲.

وسعت می بخشد؛ در نتیجه اجزاء و عناصر هستی را به مثابه آیاتی از خداوند متعال می انگارد.

باید روح حاکم بر دانشگاه و محتوای آموزش و سیاست‌ها، مدیریت‌ها و برنامه ریزی‌ها از تعالیم عالی اسلامی سرچشمه بگیرد. مسئولان، اساتید و دانشجویان با مبانی فکری و عقیدتی اسلام عمیقاً آشنا شده و از نظر روش و عملکرد، میزان و ملاک آموزه‌های دینی باشد. ... رفع نیازهای نظام اسلامی و قطع وابستگی‌های علمی و فنی و جبران عقب ماندگی‌ها از هدف‌های مهم دانشگاه اسلامی است. نوآوری و به کار گرفتن تمام نیرو و اندیشه در راه تولید علم، از ویژگی‌های دیگر آن است.

هر دانشجو می‌تواند با مطالعه عمیق مبانی دینی و اسلامی، آراسته شدن به فضایل اخلاقی و الهی، ایجاد ارتباط با دیگر دانشجویان، انتقال افکار و اندیشه‌های خود به یکدیگر، داشتن اتحاد و موضع‌گیری‌های مناسب در موارد ضروری و از همه مهم‌تر تلاش پیگیر علمی و فتح قله‌های دانش، در تحقق این مهم می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند.

ضرورت وجود روابط حسنه علی‌رغم اختلاف سلیقه‌ها

من معتقد به همبستگی‌م. من معتقد به روابط حسنه‌ام؛ روابط حسنه‌ای که به معنای عدول از دانسته‌های صحیح و یقینی نیست. من معتقدم بین گروه‌های دانشجویی، با هر سلیقه‌ای که هستند، باید روابط حسنه برقرار باشد. شما نگاه

کنید؛ کشورهای دنیا، گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی در عالم، با وجود اختلافات فراوانشان، دور يك میز می‌نشینند، حرف می‌زنند، مذاکره می‌کنند؛ بالاخره به جایی هم می‌رسند. معنا ندارد که در محیط دانشگاه اسلامی، افرادی که به اصول واحدی معتقدند، اسلام را قبول دارند، امام را قبول دارند، انقلاب را قبول دارند، ارزش‌ها را قبول دارند؛ اما سلاقی مختلفی هم دارند، این‌ها با همدیگر کنار نیایند.^{۱۴۷}

احترام به استاد یکی از ویژگی‌های دانشگاه اسلامی

اگر دانشگاه ما دانشگاه اسلامی است، یکی از بزرگترین مظاهرش بایستی احترام بیش از حد معمول دنیا به اساتید باشد؛ مخصوصاً از طرف شاگردان. شاگرد باید به استاد، بی‌قید و شرط احترام کند. اگر آن استاد بد هم است، باید او را احترام کنند. فرض کنید استاد کافری را آوردند و در يك کلاس پُر حزب‌اللهی گذاشتند. آیا این حزب‌اللهی‌ها باید به این کافر احترام کنند، یا باید اهانت نمایند؟ خیر، باید احترامش کنند، از او تجلیل نمایند، او را بر خودشان مقدم بدانند؛ چون استاد آنهاست، هیچ دلیل دیگر نمی‌خواهد. این در حالی است که گفتیم این شخص اصلاً معتقد به اعتقاد این‌ها نیست؛ چه رسد که استادی مؤمن و مسلمان باشد. به هر حال، احترام استاد در محیط دانشجویی و دانشگاهی بایستی خیلی محفوظ باشد.^{۱۴۸}

هرچه عالم‌تر می‌شوید متواضع‌تر و مردمی‌تر شوید

«هرچه شما موفقیت‌های علمی‌تان بیشتر شد، هر جا به تحقیق

۱۴۷. بیانات مقام معظم رهبری (عج)، ۷۷/۲/۲۲

۱۴۸. بیانات مقام معظم رهبری (عج)، ۶۹/۸/۱

جدیدی دست یافتید و توفیق بیشتری پیدا کردید متواضع‌تر مردمی‌تر و خلاصه خاکی‌تر شوید این است که می‌تواند تداوم پیشرفت‌ها و فایده‌ی وجود شما را بیشتر کند.^{۱۴۹}

❏ و: تلفیق علم و ایمان و توجه به امور معنوی

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام تاکید دارند که «آنچه که بنده همواره اصرار داشته‌ام که در دانشگاه‌ها وجود داشته باشد، این احساس مسؤولیت است، این احساس ارتباط با خدا و همین ارتباط معنوی است.»^{۱۵۰}

یافتن مسیر صحیح با تمسک به اهل بیت علیهم السلام

ما باید راه را از همه‌ی ستارگان بیاموزیم؛ «و بالتَّجَمُّم هم یهتدون». انسان عاقل این‌گونه است. از ستاره باید استفاده کرد. ستاره در آسمان است و می‌درخشد. آنجا عالم عظیمی است. مگر این ستاره همینی است که من و شما می‌بینیم؟ بعضی از ستارگان که در آسمانند و مثل يك نقطه سوسو می‌زنند، کهکشان‌ها هستند. گاهی يك ستاره بزرگتر است از کهکشان راه شیری که میلیارد‌ها ستاره داخل آن است! - قدرت الهی که حدّ و اندازه‌ای ندارد- ولی من و شما آن را يك ستاره‌ی کوچک درخشان می‌بینیم. خوب؛ مقصود از این مطالب چیست؟ مقصود این است انسان عاقلی که خدا به او چشم داده است، باید از این ستاره برای امری در زندگی استفاده کند. قرآن می‌گوید: «و بالتَّجَمُّم هم یهتدون»؛ به وسیله‌ی آن راه را پیدا می‌کنند.^{۱۵۱}

۱۴۹. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان، ۸۳/۷/۵

۱۵۰. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در جمع دانشجویان، ۷۶/۱۲/۱۲

۱۵۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۳/۹/۳

تلفیق علم و ایمان

اگر شما بتوانید گوهر اسلام ناب و آن درخشندگی‌ها را، به آن شکلی که بتواند در جامه‌ی آراسته‌ی علم، خودش را نشان بدهد، ارائه دهید، کار بزرگی که کرده‌اید این است که راه را برای ورود نخبگان در این میدان‌ها باز کرده‌اید. آمیزش علم و معنویت، علم و ایمان، علم و اخلاق، آن خلأ امروز دنیاست. دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را باهم همراه می‌کند. علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد. اینکه گفتند علم با دین می‌سازد یا نمی‌سازد، این ندیدن منطقه‌ی نفوذ علم و دین است؛ این‌ها هرکدام یک منطقه‌ی نفوذی دارند؛ تلفیق این‌ها، این است که علم - یعنی این سلاح را - ایمان - یعنی آن به کار برنده - می‌گیرد و جهت‌ش را مشخص می‌کند؛ با این سلاح می‌شود بهترین و بدترین آدم‌ها را هدف قرار داد؛ منتها تا این سلاح دست که باشد؟ این سلاح «علم» است و «ایمان» جهت آن را مشخص می‌کند. اگر ایمان بر دانش غربی تسلط داشت، دانش غربی به بمب اتم نمی‌رسید، تا بعد این قدر تویش گیرکنند که چه کارش کنیم؛ محدودش کنیم؛ نگذاریم تا دنیا ویران نشود. کارشان اصلاً به این جا نمی‌رسید. اگر ایمان با دانش همراه بود، اصلاً استعمار و استعمار نو - که استعمار نو مخلوق دانش بود - به وجود نمی‌آمد. تسلط بر کشورها، تصرف کشورها، تسلط قهرآمیز بر ملت‌ها و بردن ثروت ملت‌ها - که این بلای این دوپست سال گذشته‌ی دنیا و ملت‌هاست - این‌ها اصلاً به

وجود نمی‌آمد. علم جدا از ایمان، این است و شما در دانشگاه اسلامی، می‌خواهید این خلأ را پُر و علم را با ایمان آمیخته کنید؛ یعنی دانش را چه در بافت درونی خودش، چه در استنتاجش و چه در جهت‌گیری‌هایی که در آن به کار خواهد رفت، از ایمان سیراب کنید.^{۱۵۲}

هماهنگی علم و دین

در دانشگاه اسلامی، اساساً میان علم و دین، دعوا و جدایی نیست. برخلاف فرهنگ کلیسای قرون وسطی، اسلام همواره به علم اندوزی تشویق کرده است و آن را نور و گمشده‌ی مومن دانسته است. از این رو تعارض علم و دین مسال‌های بومی و مربوط به دنیای غرب و گفتمان سنت و مدرنیته‌ی آن است! فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی هیچ‌گونه تناسبی با این ادبیات و چنین تقسیم‌بندی‌ها و مرکزشی‌هایی ندارد. ما نباید چالش‌های درونی و بومی تمدن غرب را چالش‌های جامعه‌ی خود تصور کنیم و راه حل‌های شکست خورده‌ی آن‌ها را تکرار نماییم.

دانش همراه با معنویت

امام خمینی رحمه‌الله‌عنه در جهت ایجاد یک هماهنگی خلل‌ناپذیر بین علم و ایمان بیان داشتند: «دانشگاه را باید شما رو به خدا ببرید، رو به معنویت ببرید و همه‌ی درس‌ها هم خوانده بشود، همه‌ی درس‌ها هم برای خدا خوانده بشود. اگر این را توانستید که شما برای این کار بروید و این کار را بکنید، در کارتان موفقید،

۱۵۲. بیانات مقام معظم رهبری عنه‌السلام، ۲۹/۱۰/۸۴

چه برسید به مقصدتان، چه نرسید به مقصدتان.»^{۱۵۳}

ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرّج دانشگاه‌های کشور، مثل متخرّج حوزه‌های علمیه، دین‌دار بیرون بیاید. این، آن چیزی است که آن‌ها نمی‌پسندند و نمی‌خواهند. به همین خاطر، سال‌هاست که با انواع تهمت‌ها، به جمهوری اسلامی تهمت می‌زنند. این تهمت‌ها آن قدر مکرّر شده که برای شنوندگان تهوّع‌آور است! جمهوری اسلامی را به تعصّب و تحجّر و به قول خودشان بنیادگرایی، یعنی خشکی بی‌حدّ و اندازه‌ای که هیچ انعطافی در آن نیست، مَثَمّ می‌کنند! اسلام را این‌گونه معرفی می‌کنند؛ در حالی که خشکی آنجاست، زندگی دور از معنویت و عطف و رحمت و انسانیت آنجاست، که حتّی محیط گرم خانواده هم قادر نیست کودکان را در خود نگه دارد.^{۱۵۴}

پرهیز از تفکر قارونی

تفکر قارونی نیز مانع اسلامی کردن علوم است. مشکل قارون آن بود که ثروت و توفیق خویش را تنها مرهون تلاش و زحمت و دانش و تعقل خود می‌دانست و سهمی برای خداوند قائل نبود و توحید افعالی نداشت و می‌گفت «انما اوتيته على علم عندى». جزای این خودمحوری و نادیده گرفتن تاثیر الهی آن شد که «فخسفنا به و بداره الارض». نگاه قارونی به مسالهی جمع ثروت و موفقیت اقتصادی محدود نمی‌شود؛ بلکه این

۱۵۳. بیانات امام خمینی (ره)، ۶۴/۹/۱۹

۱۵۴. بیانات مقام معظم رهبری (ره)، ۷۶/۶/۱۹

منطق هرکجا باشد آثار زیان بار خود را خواهد داشت؛ چنان‌که این کوتاه نظری و خودمداری، مخصوص قارون نبود، بلکه طبع آلوده‌ی خودباورانی که اعتماد به فیض و اتکال بر فوز و اتکای به امداد الهی را رها کرده و فقط از اعتماد به نفس یاد می‌کنند، چنین گرایش ناصوابی را به همراه دارد. چه این که از آیه‌ی «فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^{۱۵۵} استفاده می‌شود.

غرض آنکه در عرصه‌ی کسب دانش و معرفت نیز بسیاری افراد فکر قارونی دارند و از منطق قارون پیروی می‌کنند، زیرا معلم واقعی را نمی‌بینند و علم را یکسره مرهون تلاش و کوشش و استعداد فردی خویش می‌دانند. غافل از آن که در تمام دوران تحصیل بر سر سفره‌ی احسان معلم واقعی، یعنی خداوند نشست‌اند و واهب و ساقی معارف و علوم، حضرت حق جل و علاست، زیرا قابل به تنهایی از قوه به فعل نمی‌رسد.^{۱۵۶}

عمل با اخلاص بدون جنجال‌های بیهوده

فرزندان عزیزم! شما در دانشگاه‌ها به نام اسلام و برای تأمین هدف‌های عالی‌ه‌ی اسلامی، فعالیت می‌کنید. این خصوصیت اگر در عمل تحقق یابد، می‌توان گفت که کمتر فعالیت، از لحاظ ارزش با آن برابری تواند کرد. نام‌های گوناگون مهم نیست و سلائق مختلفی که به جدایی این نام‌ها از یکدیگر می‌انجامد، تعیین کننده نیست؛ آنچه مهم است، عمل و نیت شماست. نیت‌های خود را خالص کنید و با هر نامی که در دانشگاه به

۱۵۵. و چون انسان را آسیبی رسد، ما را فرامی‌خواند سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می‌گوید: «تنها آن را به دانش خود یافته‌ام». نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی‌دانند. سوره مبارکه زمر، آیه ۴۹.

۱۵۶. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۳۹.

فعالیت اسلامی سرگرمید، آن فعالیت را منتظم، هوشمندانه، همراه با حکمت و کاردانی و به دور از جنجال‌های بیهوده و تعارض‌های بدفرجام شکل دهید.^{۱۵۷}

توجه به علم لدنی

آنچه معمولاً رواج دارد این است که علم را به اموری نظیر چیستی موضوع و محمول و روش آن می‌شناسند و تقسیم می‌کنند، اما این پرسش که علم را نزد چه کسی خواندی و معلم تو در این فراگیری که بود، اساساً مطرح نیست. ولی در دستگاه دین و شریعت به ما می‌آموزند که در کنار این مسیرهای متعارف کسب دانش، گونه‌ای دیگر از علم هست که ویژگی و خصوصیت آن مرهون معلم آن است اگر نزد خدا دانش آموختی چنین علمی علم لدنی می‌شود. «لدن» به معنای نزد است و علم لدنی علمی است که نزد خدا آموخته می‌شود و حضرت حق معلم آن است. علم لدنی از دیگر علوم نظیر فقه و فلسفه و دانش تجربی و علوم انسانی به موضوع روش و غایت متمایز نمی‌شود، بلکه معلم واقعی را شناختن و او را باور کردن و با جهاد اوسط و اکبر به حضور وی بار یافتن است در این حال به صرف اینکه متعلمی به حضور او برود و از نزد او علم بیاموزد، دانش را از سرچشمه گرفته است و به حقیقت رسیده است و به معرفتی زلال و بی‌شائبه و بی‌اشتباه دست یافته است.^{۱۵۸}

ز: وحدت حوزه و دانشگاه

هرجا روحانیت و روشنفکران زمان با هم و دوش به دوش هم

۱۵۷. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۵/۷/۳

۱۵۸. علیه السلام، ۷۵/۷/۳
منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۳۷

یا در پی هم می‌روند، در مبارزه‌ی اجتماعی بردی هست و پیشرفتی و قدمی به سوی تکامل و تحول؛ و هر جا که این دوازده در معارضه با هم درآمده‌اند و پشت به هم کرده‌اند یا به تنهایی در مبارزه شرکت کرده‌اند، از نظر اجتماعی باخت هست و قدمی به سوی قهقرا.^{۱۵۹}

گام دیگر در روند اسلامی کردن دانشگاه‌ها طرح وحدت حوزه و دانشگاه از سوی حضرت امام رحمته‌الله علیه بود.^{۱۶۰} توصیه‌ی امام امت این بود که «دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم انسانی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند.»^{۱۶۱} در برخی از آثار^{۱۶۲} پنج تحلیل عمده در خصوص وحدت حوزه و دانشگاه بیان شده است که عبارتند از:

۱. وحدت آرمانی-اخلاقی

۲. وحدت معرفت شناختی

۳. وحدت ساختاری

۴. وحدت ایدئولوژیک

۵. وحدت مبتنی بر تقسیم کار

هر تحلیل از تحلیل‌های فوق دلالت‌هایی دارد که این نوشته قصد ندارد به آن بپردازد، بلکه ضمن تاکید بر ایجاد بنیانی محکم و نه موقت و متزلزل برای وحدت بین حوزه و دانشگاه به راهکارهایی برای ایجاد این وحدت اشاره می‌کند؛

۱. توجه دانشگاه به ریشه‌های وابستگی فکری

۱۵۹. آل احمد، جلال.
در خدمت و خیانت
روشنفکران، ج ۲، تهران،
خوارزمی، ۱۳۵۷، ص ۵۲

۱۶۰. خواجه سروی،
غلامرضا، دانشگاه اسلامی
به مثابه راهبرد فرهنگی
جمهوری اسلامی ایران،
مجموعه مقالات، ص ۳۱۰

۱۶۱. وصیت‌نامه‌ی امام،
ص ۱۴

۱۶۲. افروغ، عماد، وحدت
حوزه و دانشگاه از منظر امام
خمینی رحمته‌الله علیه، مجموعه مقالات
حوزه و دانشگاه، پژوهشکده
حوزه و دانشگاه، چ ۱، ۱۳۷۸،
ص ۸

۲. توجه حوزویان به ریشه‌های تحجر و به روز

شدن

۳. وحدت آرمانی در عرصه‌ی فعالیت‌های جامعه،

از جمله فعالیت‌های اقتصادی

۴. توجه به موانع تاریخی ایجاد وحدت

۵. عنایت به معنویت و تهذیب در دو نهاد حوزه

و دانشگاه

وحدت در هدف حوزه و دانشگاه

وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی وحدت در هدف. هدف این است که همه به سمت ایجاد يك جامعه‌ی اسلامی پیشرفته‌ی مستقل، جامعه‌ی امام، جامعه‌ی پیش‌آهنگ، جامعه‌ی الگو، ملت شاهد ملتی که مردم دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند، تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عمل‌شان پیاده کنند، حرکت نمایند.

در راه ایجاد چنین کشور و جامعه و ملتی، علای جز این نیست که دانشجو و طلبه، حوزه و دانشگاه، روحانی و روشن فکر تحصیل کرده، در کنار هم، دوش به دوش هم و باهم، به سمت يك هدف حرکت کنند؛ بدون این نمی‌شود. او متدین است، و این آگاه به مسائل جهان و مسائل روز. امام حجراته تا حدود زیادی در این راه موفق شدند. امروز دانشجویان ما در جهت اسلامی حرکت می‌کنند، مجموعه‌های اسلامی در دانشگاه‌ها دارای ارزشند و غالب دانشجویان ما، جوانان انقلاب و فرزندان

انقلاب‌بند. ۱۶۳

استفاده از علمای دین

اسلام عمیق‌تر از هر کس و هر مکتب دیگری به علوم انسانی و رشد انسان توجه کرده است. متخصص لازم دارید؟ از حوزه‌ها درخواست کنید... دانشگاه‌ها را باز کنید، ولی برای رشته‌های علوم انسانی باید از علما و به خصوص از علمای قم استفاده کنید. ۱۶۴

ارتباط خوب و متقابل دانشگاه با حوزه‌های علمیه

حوزه و دانشگاه باید به یکدیگر متصل شوند و ارتباط علمی و فرهنگی خویش را حفظ کنند. مگر نه این است که هر دو یک هدف را دنبال می‌کنند و آن عبارت است از زمینه‌سازی فکری و علمی و نرم‌افزاری برای یک جامعه اسلامی پیشرفته و مستقل. دانشگاهیان باید از طریق حوزویان با فرهنگ و تفکر اصیل اسلامی آشنا شوند و هویت دینی خود را بنا سازند، چرا که روحانیت، حاصل فرهنگ اصیل اسلامی است و این متاع در جای دیگر یافت نمی‌شود. در مقابل دانشگاه نیز می‌تواند پلی برای آشنایی حوزه با علوم انسانی مدرن و غربی باشد. این تعامل دو جانبه می‌تواند مقدمات شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم سازد.

۱۶۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۶۹/۹/۲۸

۱۶۴. بیانات رهبر فقید انقلاب، روزنامه کیهان، ۱۳۶۰/۹/۹

استفاده از علمای دین

شک نیست که رابطه‌ی دانشگاه با علمای دینی که معلّمان

دین و اخلاق و امنای معارف اسلامی می‌باشند، تأثیر شایسته‌یی در صلاح دانشگاه و سمت‌گیری اسلامی و رشد معنوی آن خواهد داشت و این چیزی است که برای آینده‌ی کشور و نظام جمهوری اسلامی، دارای اهمیتی حیاتی است. از این رو، حضرات آقایان محترم را به عنوان نمایندگان خود در دانشگاه‌های سراسر کشور معین می‌کنم تا با تشکیل شبکه‌ای متین و کارآمد از فضایی روحانی و حضور مستمر و توأم با نظارت و برنامه‌ریزی آنان در دانشگاه‌ها، روند اسلامی کردن دانشگاه را سرعت بخشید. ۱۶۵

حضور روحانیون در دانشگاه

حضور روحانی در دانشگاه به معنی حضور يك منبع صفا و نورانیت و دین و ایمان در دانشگاه است که همه (استاد و دانشجو) به آن احتیاج دارند البته دانشجو بیش از دیگران احتیاج دارد. ۱۶۶

دانشگاه‌های ما به حضور ... روحانیون احتیاج دارد [آن روحانی] باید خصوصیات را در خود به وجود بیاورد؛

■ ■ يك خصوصیت خصوصیت علم و معرفت است باید با دست پر رفت ... تا انسان توانی در حد بالا نداشته باشد، نمی‌تواند کسی را از سطوح نازل به يك حدی بالا بکشد «آن دو صد من استخوان باید که صد من بار بر دارد».

■ ■ باید اهل معنا، اهل روح، با روح و با معنویت

۱۶۵. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۶۸/۷/۱۵

۱۶۶. مضمون بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، در دیدار روسای دانشگاه‌های کشور، ۷۶/۱۲/۶

سرو کار داشته باشد.

■ ■ سوم اینکه باید سخن او باطنی داشته باشد
از باطنی بر بیاید ... «اذا خرج من اللسان لم تجاوز
الاذان»

وقتی کار در این زمینه‌ها سخت و سنگین می‌شود
باید به ذخیره‌ی فیضان تمام نشدنی ذکر الله،
پناه برد به نماز، به نافله، به توجه به خدا، به
تضرع این‌ها، انسان را فیضان می‌بخشد.

■ ■ [شرط دیگر] اخلاق و عقل معاشرت است که
«وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^{۶۷} بایستی با
مهربانی برخورد کرد؛ منتها مهربانی بدون ضعف
«لین فی قوه» در بعضی از تعبیرات هست و نرمش
قدرتمندانه. نه اینکه انسان آن قدر لین باشد
که هرچه گفتند حرف غلط و نادرست و ناجور و
این‌ها را قبول کند و بپذیرد.

ح: مدیریت اسلامی

تحقق مدیریت اسلامی

اگر به معنای حقیقی کلمه، موازین اسلامی مدیریت مورد توجه
قرار گیرد، بدون تردید در همه‌ی حرکت‌های علمی و فرهنگی
دانشگاه تأثیر می‌گذارد و در همه‌ی بخش‌ها خیلی ساماندهی
می‌کند؛ به اعتقاد ما این طور است. بنده الآن هرچه نگاه

۱۶۷. سوره مبارکه آل عمران،

آیه ۱۵۹. فَمَا رَحِمُوا مِنَ اللَّهِ لَئِنْ

لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا

مِنْ حَوْلِكَ فَاتَّقِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

وَتَأْوِزُهُ فِي الْآخِرَةِ فَإِنَّا بَعَثْنَا تَوْكَلًا

عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُجِيبُ الْمُتَكَلِّمِينَ، پس

به برکت رحمتی از جانب

خداوند با آنها (امت خود)

نرم‌خو شدی، و اگر بدخلق

و سخت‌دل بودی حتماً از

دورت پراکنده می‌شدند.

پس، از آنها درگذر و برایشان

آمرزش طلب و در کارها با

آنان مشورت نما، و چون

تصمیم‌گیری بر خدا توکل

کن، که بی‌تردید خداوند

توکل‌کنندگان را دوست

دارد. ترجمه‌ی مرحوم آیت

الله مشکینی. کلمه: «فظ»

به معنای جفاکار، بی‌رحم

است و غلیظ بودن قلب

کنایه است از نداشتن رقت

و رأفت، و کلمه: «انفضاض»

که مصدر فعل «انفضوا»

است، متفرق شدن است.

در این آیه‌ی شریفه التفاتی

به کار رفته، چون در آیات

قبل خطاب متوجه عموم

مسلمین بود، و در این آیه

متوجه شخص رسول خدا

ﷺ شده، و خطاب در اصل

معنا در حقیقت باز به عموم

مسلمین است و می‌خواهد

بفرماید: رسول ما به رحمتی

از ناحیه‌ی ما نسبت به

شما مهربان شده است،

و به همین جهت به او امر

کردیم که از شما عفو کند و

برایتان استغفار نماید و با

شما در امور مشورت کند،

و وقتی تصمیمی گرفت بر

ما توکل کند؛ پس با اینکه

اصل معنا این بود، باید دید

چرا خطاب را به شخص

رسول خدا ﷺ بر گردانید؟

و چه نکته‌ای باعث آن شد؟

نکته‌اش همان مطلبی است

که در اول آیات مربوط به

جنگ خاطر نشان کرده

و گفتیم: این آیات آمیخته

با لحنی از عتاب و سرزنش

است. <<

می‌کنم، در بخش‌هایی که موفقیت‌های چشمگیر داریم - چه در دانشگاه و چه در خارج دانشگاه - جای پای عناصر مؤمن و مسلمان و معتقد را می‌بینم. در دانشگاه شما هم بنده کارهای برجسته‌ای را مشاهده کردم که کار همین بچه‌های مؤمن و متدین و معتقد است. کارهای خوب، از انسانهای مؤمن صادر می‌شود. علی‌القاعده مدیریت اسلامی بر حرکت اسلامی دانشجویان تأثیر مثبتی خواهد داشت؛ هم کمک می‌کند به این حرکت‌ها، و هم کمک می‌کند تا این حرکت‌ها راه درستشان را ادامه دهند و دچار اشتباه و خطا نشوند. ^{۱۶۸}

اسلامی بودن روش‌ها و روابط

البته نکته‌ی مهم در دانشگاه‌ها، روش حاکم بر دانشگاه است. در دانشگاه‌ها، روش‌ها و روابط، باید صد درصد اسلامی بشود که البته تا حدود زیادی شده است و مدیریت‌ها باید برای اسلام در دانشگاه‌ها، اصالت قائل بشوند. مادامی که دانشگاه، پرورشگاه متخصصان مسلمان و متعهد نباشد، دانشگاه مطلوب انقلاب نخواهد بود. و این نمی‌شود، مگر اینکه اساس و روش و سیستم در دانشگاه‌ها اسلامی باشد. درس‌ها، هرچه که می‌خواهد باشد؛ استاد، هرکس که می‌خواهد باشد؛ اما روابط، باید روابط اسلامی باشد؛ یعنی مدیر و دانشجویان و استادان، اصالت را به اسلام بدهند و رعایت احکام اسلام را بکنند. ^{۱۶۹}

علم و دانش هم اسلامی و از اسلام است؛ و الا به دانشگاه رفتن و مقداری از بیت‌المال و امکانات مردم را مصرف کردن، و بدون

به دلیل اینکه می‌بینیم خدای تعالی هر جاکه مناسبت داشته از مردم به خاطر نافرمانی‌هایشان اعراض کرده است و یکی از آن موارد همین آیه مورد بحث است که متعرض یکی از حالات آنان است، آن حالتی که نوعی ارتباط با اعتراضشان بر رسول خدا ﷺ دارد، و آن عبارت است از اندوهی که از گشته شدن دوستانشان داشتند، چون چه بسا که همین اندوه وادارشان کرد که در عمل رسول خدا ﷺ را ندیده‌گیری نموده، کشته شدن آنان را به آن جناب نسبت دهند، و بگویند: تو باعث شدی که ما این چنین مستاصل و بیچاره شویم، و بخاطر همین نسبت ناروا، خدای تعالی از سخن گفتن با آنان اعراض نموده و روی سخن به رسول خدا ﷺ کرده، فرموده: «يٰۤاَيُّهَا رَحْمَتُ الرَّحْمٰنِ اَلَيْسَتْ لَہُمْ» و این سخن به خاطر اینکه حرف «فا» در اول آن آمده فرع و نتیجه‌گیری از کلامی دیگر است که البته صریحاً در آیات نیامده، ولی سیاق بر آن دلالت دارد و تقدیر کلام چنین است: «و اذا کان حالہم ماتر یہ من الشباہة بالذین کفروا و التحسیر علی قتلاہم، فبرحمۃ مناللت لہم، و الا لانقضوا من حولک» وقتی حالشان چنین است که می‌بینی، سخنانی نظیر سخنان کفار دارند، و بر کشتگان خود تحسیر و اندوه می‌خورند، پس به رحمتی از ما نسبت به آنان مهربانی می‌کنی، چون اگر چنین نکنی از پیرامونت متفرقی می‌شوند، و خدا ذاتاً راست است، «و اَلَعَلَّہُمْ وَ اَسْتَغْفِرُ لَہُمْ وَ شَاوِہُہُمْ فِی الْکُفْرِ» این جمله برای این آمده که سببری رسول خدا ﷺ را امضا کرده باشد، چون آن جناب قبلاً هم همین طور رفتار می‌کرده و چغای مردم را با نرم خوبی و عفو و مغفرت مقابلہ می‌کرده و در امور با آنان مشورت می‌کرده است، به شهادت اینکه اندکی قبل از وقوع جنگ با آنان مشورت کرد، و این امضا اشاره‌ای است به این که رسول خدا ﷺ بدانچه مأمور شده عمل می‌کند و خدای سبحان از عمل او راضی است، در این جمله خدای تعالی رسول گرامی خود ﷺ را مأمور کرد تا از آنان عفو کند تا در نتیجه بر اعمال ایشان اثر معصیت مترتب نشود و اینکه از خدا بر ایشان طلب مغفرت کند، با اینکه مغفرت بالآخره کار خود خدای تعالی است، علامہ طباطبائی رحمۃ اللہ علیہ تفسیر المیزان ذیل آیه.

۱۶۸. بیانات مقام معظم رهبری ع، ۸۲/۲/۲۲

۱۶۹. بیانات مقام معظم رهبری ع، ۶۹/۹/۲۸

اینکه يك نفر به علم دل بدهد و به فراگیری اهمیت‌ی بدهد، فقط برای اینکه بتواند سرهم‌بندی، تکه کاغذی به دست بیاورد و در سایه‌ی آن شغلی بگیرد، تا پولی گیر بیاورد نه این که شغلی بگیرد، تا کاری بکند. این که اسلامی نیست. دانشجوی هم اگر این‌طور درس بخواند، اسلامی نیست. استاد هم اگر این‌طور درس بدهد، اسلامی نیست. روابط اسلامی در دانشگاه این است؛ و الا جوانان و دختران و پسران ما بحمد الله مسلمانند.^{۱۷۰}

حضور مسؤولین در دانشگاه

من از اینکه نشده است به دانشگاه بیایم راضی نیستم... متأسفانه الان مسؤولین نمی‌آیند من در زمان آقای هاشمی هم خیلی به ایشان می‌گفتم که چرا شما به دانشگاه نمی‌روید؟ به مسؤولینی هم که الان سر کار هستند... سفارش می‌کنم.^{۱۷۱}

ط: وجود فضای اسلامی

تعبیر دانشگاه ارزشی در برخی از آثار مترادف دانشگاه اسلامی به کار رفته است. همانگونه که در این آثار آمده^{۱۷۲} ارزش‌ها مجموعه‌ی اصول و قواعدی هستند که تولید باید و نباید می‌کنند.^{۱۷۳} البته اینکه ویژگی ارزش‌ها از حیث خیر و منفعت مندرج در آن‌ها چگونه است؟ بحثی مستقل است که در جهان بینی‌های متفاوت، پاسخ‌های متفاوت به آن داده شده است.^{۱۷۴} ذیلاً به برخی از مظاهر حاکمیت ارزش‌ها در دانشگاه اسلامی اشاره می‌شود؛

۱۷۰. بیانات مقام معظم

رهبری ﷺ، ۶۹/۹/۲۸

۱۷۱. بیانات امام خامنه‌ای

در جمع دانشجویان،

۷۶/۱۲/۲۳

۱۷۲. افتخاری، اصغر، ارزش

و پژوهش میدادی معرفتی و

روش تحقیق، ص ۱۹

۱۷۳. بهشتی، سید محمد،

بایدها و نبایدها، تهران، بنیاد

نشر آثار و اندیشه‌های آیت

الله شهید دکتر بهشتی ﷺ،

۱۳۸۰، صص ۱۴-۲۱، نقل از

افتخاری اصغر، همان منبع

۱۷۴. مطهری، مرتضی، نقل

از افتخاری، اصغر، همان

منبع

فضای آزاداندیشی و هدایت‌گری

امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند، و اگر بیراهه می‌روند با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آن‌ها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یک‌باره به وادی تردید و شك انداخت. این‌ها که امروز این‌گونه مسائل را عنوان می‌کنند، مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌طپد و الاداعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. این‌ها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند، به جای پرخاش و کنار زدن آن‌ها با پدیری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند مأیوس نشوید، در غیر این صورت خدای ناکرده به دام لیبرال‌ها و ملی‌گراها و یا چپ و منافقین می‌افتند و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده‌سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود، احاطه داشته باشیم فرهنگ دانشگاه‌ها و مراکز غیر حوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت

ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی، باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع‌تر گردد.^{۱۷۵}

فرهنگ اسلامی، فرهنگ حاکم در دانشگاه

محیط دانشگاه‌ها بسیار مهم است. در محیط دانشگاه‌ها، خانم‌های دانشجو و استاد باید بکوشند روحیه و فرهنگ اسلامی را ترویج کنند. اجازه ندهید به کسانی اگر خدای نکرده در دانشگاه‌های کشور هستند که نسبت به حجاب اسلامی یا زنان و دانشجویان دختر مسلمان بی‌احترامی کنند. اجازه ندهید که این‌ها بتوانند افکار فاسد را منتشر کنند. محیط دانشگاه باید محیط اسلامی باشد؛ محیطی برای رشد انسان طراز اسلام؛ انسانی که الگویش فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) است. و این، برای آینده‌ی کشور فوق‌العاده مهم است.^{۱۷۶}

اسلام در دانشگاه غریب نباشد

ارزش‌های اسلامی در دانشگاه باید مورد مسابقه قرار بگیرد، اسلام در دانشگاه غریب نباشد عمل و تعهد اسلامی یک چیز انگشت‌نما نباشد، نماز، امانت، صدق گفتار، صفا، برادری، عمل جهادی، درس خواندن از روی علاقه و صمیمیت، کمک به یکدیگر در فراگیری، تلاش برای تعمق در معلومات و دانش‌های مختلف رایج باشد.^{۱۷۷}

۱۷۵. پیام امام خمینی (ره) به مناسبت آغاز سال تحصیلی صحیفه نور جلد ۱۵ ص ۱۶۰، ۱۶۱، تاریخ: ۶۰/۶/۳۱
۱۷۶. بیانات مقام معظم رهبری (ره)، ۷۱/۹/۲۵
۱۷۷. بیانات مقام معظم رهبری (ره)، ۶۹/۹/۲۸، به گفته برخی از نویسندگان ارزشها مجموعه اصول و قواعدی هستند که تولید باید و نباید می‌کنند. افتخاری، اصغر، ارزش و پژوهش مبادی معرفتی و روش تحقیق، ص ۱۹

رعایت بواطن و ظواهر اسلامی در دانشگاه‌ها بصورت توأمان
سوال؛ نوشته‌اند ... وضعیت ظاهر اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی بسیار زشت و تأسف بار است؛ چرا کسی رسیدگی نمی‌کند؟

در باره‌ی وضعیت اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی؛ اگر همین‌طور باشد، باید آقایان رؤسا که این جا تشریف دارند، آن را دنبال کنند. بله، هم بواطن را باید رعایت کنند، هم ظواهر را.^{۱۷۸}
همه‌ی مساله این نیست که حالا یکی با آستین کوتاه بیاید و ... البته یکی از خصوصیات دانشگاه اسلامی این است که تدین در آن وجه غالب است، چون جامعه‌ی ما جامعه اسلامی است و تدین در آن وجه غالب است.^{۱۷۹}

محیطی سالم

«همه‌ی این‌ها [دانشگاه‌های اسلامی] خوبست، ولی در تمام آن‌ها باید دقت بیشتری شود چه در گزینش دانشجو چه در گزینش مدیران و اساتید، تا محیطی سالم و فضایی معنوی و علمی پیراسته از آلودگی‌ها و ضد ارزش‌های اخلاقی و آلودگی‌های محتوایی ایجاد شود، آنچه مطلوب اسلام است محیط بدون گزینش و بدون محدودیت نیست و محیط و دانشگاه اسلامی، نمی‌تواند چنین باشد.»^{۱۸۰}

۱۷۸. بیانات مقام معظم رهبری، ۸۲/۲/۲۲

۱۷۹. بیانات مقام معظم له در دیدار روسای دانشگاه‌های سراسر کشور، ۷۶/۱۲/۶

۱۸۰. آیت الله محمد رضا مهدوی کنی، بیست و دو گفتار، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵، ص ۴۴

۱۸۱. مهدوی، اصغراقا، ارزش و آموزش، مقدمه‌ای بر مبانی و روش‌های آموزش از منظر اسلام، مجموعه مقالات ارزش و دانش، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷، ص ۸۰

فضای آموزشی اسلامی احصا نموده‌اند؛

- فضای صمیمانه و با محبت شامل تواضع،
- گشاده‌رویی، علاقه‌مندی در آموزش،
- علم را از آن خداوند دانستن، نه از آن خود
- رعایت عدالت بین دانشجویان
- استفاده از روش‌های تدریس متفاوت و
- ابزارهای آموزشی

تقدیر از نظریه‌سازان و نوآوران

«باید «تولید نظریه و فکر»، تبدیل به يك ارزش عمومی در حوزه و دانشگاه شود و در قلمروهای گوناگون عقل نظری و عملی، از نظریه‌سازان، تقدیر بعمل آید و به نوآوران، جایزه داده شود و سخنان‌شان شنیده شود، تا دیگران نیز به خلاقیت و اجتهاد، تشویق شوند. باید ایده‌ها در چارچوب منطق و اخلاق و در جهت رشد اسلامی با یکدیگر رقابت کنند و مصاف دهند تا جهان اسلام، اعاده‌ی هویت و عزت کند و ملت ایران به رتبه‌ای جهانی که استحقاق آن را دارد بار دیگر دست یابد.»^{۱۸۲}

ی. مولفه‌های دیگر

مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند: «در دانشگاه اسلامی علم با دین، و تلاشگری با اخلاق، و تضارب افکار با سعه‌ی صدر، و تنوع رشته‌ها با وحدت هدف، و کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرفنگری با سرعت عمل، و خلاصه دنیا با آخرت، همراه است.»^{۱۸۳}

۱۸۲. پاسخ امام خامنه‌ای
به نامه جمعی درخصوص
کرسی‌های نظریه‌پردازی،
۱۳۸۴/۱/۱۸، پایگاه مقام معظم
رهبری علیه السلام، ۷۵/۷/۳

مؤلفه‌های دیگر دانشگاه اسلامی که باید در پی تحقق آن‌ها بود عبارت است از:

۱. علم و تخصص، ۲. معارف دینی، ۳. اخلاق و تهذیب، ۴. خودباوری و اعتماد به نفس، ۵. استقلال و اتکای ذاتی در عین استفاده از یافته‌ها و تجارب دیگران، ۶. جامع‌نگری و بینش اجتماعی و سیاسی، ۷. آرمان‌گرایی و هدف‌داری، ۸. تعهد و دلسوزی در راستای اصلاح و سامان بخشیدن به امور جامعه.



فصل هفتم؛ موانع اسلامی شدن دانشگاه

عوامل شکوفائی علوم اسلامی در بستر دانشگاه اسلامی و به تعبیر وسیع‌تر و عام الشمول عوامل شکوفائی علم در تمدن اسلامی در آثار نویسندگان^{۱۸۴} احصا گردیده‌اند که شناسایی آن‌ها در جهت شناخت موانع اسلامی شدن دانشگاه مفید است این عوامل عبارتند از؛

■ تشویق قرآن و سنت به کسب علم

■ تشویق قرآن به تحقیق در طبیعت

■ تشویق به کسب علم در هر نقطه از عالم

وجود

■ تشویق علما و فراهم آوردن امکانات آموزشی

و پژوهشی

■ جهان‌وطنی بودن دانشمندان مسلمان

۱۸۴. گلشنی محمد مهدی، عوامل موثر در شکوفایی علم در تمدن اسلامی، مجموعه مقالات مقدمه‌ای بر دانشگاه تمدن ساز اسلامی، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی وزارت علوم، چ ۱، ۱۳۸۷، صص ۷۷ به بعد

- لزوم پیروی از برهان
- تلاش دانشمندان مسلمان در شناخت
- اختصاص موقوفات برای ترویج علم
- وحدت علوم اسلامی و شامل بودن آنها
- حقیقت جو بودن آنها

موارد بالا مقتضیات تشکیل دانشگاه اسلامی است در هر امری برای رسیدن به اهداف و غایات باید مقتضی را ایجاد و مانع را مفقود کرد. در حرکت اسلامی شدن دانشگاه نیز همین اصل صادق است. باید موانع را شناخت و سعی در برطرف کردن موانع داشت. در این جا به برخی از موانع اشاره می شود؛

الف: آموزش‌ها و شعارهای غیر اسلامی

اساتیدی در غیر مسیر اسلام

جایگاه اساتید در اندیشه‌ی امام خمینی به خوبی تبیین شده است. ایشان در همان آغازین سال‌های انقلاب تاکید داشتند، «... با گماردن معلمین و اساتیدی که بسیاری از آن‌ها بر خلاف مسیر اسلام و بر خلاف مسیر ملت اسلامی بودند [و] جوان‌های ما را از آن راه منحرف می‌کردند، و آن‌ها را مانع می‌شدند از اینکه برای اسلام زحمت بکشند.»^{۱۸۵}

رواج شعار تعارض علم و دین توسط دو گروه خاص

دو گروه کوشش می‌کنند که دین و علم را مخالف هم جلوه دهند یکی طبقه متظاهر به دین ولی جاهل که نان دینداری

مردم را می‌خورند و از جهالت مردم سوء استفاده می‌کنند و به همین علت سعی دارند علم و دین را مخالف هم جلوه دهند. یکی هم طبقه‌ی تحصیل کرده و دانش آموخته‌ای که به تعهدات انسانی و اخلاقی پشت پا زده است و به عنوان عذری برای لاقیدی‌های خود، دین را منافی با علم قلمداد می‌کند.^{۱۸۶}

مغلطه‌ی مغلطه‌گران

امام خمینی رحمته‌الله علیه غوغاسالاری برخی از دانشگاهیان در مقابل حرکت اسلامی شدن دانشگاه را به خوبی پیش بینی می‌کرد؛ از این پیشاپیش بیان داشتند: «آنکه ما اصرار داریم به اینکه دانشگاه که مغز متفکر يك ملت است، باید از وابستگی‌های به شرق و غرب کنار برود و نمی‌شود که کنار برود الا اینکه فرم اسلامی پیدا بکند، آن این نیست که دانشگاه ما نباید علم و صنعتی تحصیل کند، بلکه باید فقط همین آداب صلوة را به جا بیاورد! این يك مغالطه‌ای است که تا صحبت «دانشگاه اسلامی» می‌شود و اینکه باید انقلاب فرهنگی پیدا بشود، فریاد می‌زنند آنهایی که می‌خواهند ما را به طرف شرق و عمدتاً، به طرف غرب بکشانند، که این‌ها با تخصص مخالف‌اند، با علم مخالف‌اند. خیر، ما با تخصص مخالف نیستیم؛ با علم مخالف نیستیم؛ با نوکری اجانب مخالفیم.»^{۱۸۷}

رواج شعار ما نمی‌توانیم

اگر امروز می‌بینیم که مسؤولان نظام با صدای رسا بیان می‌کنند ما می‌توانیم مرهون خط شکنی امام امت است که

۱۸۶. استاد شهید مرتضی مطهری رحمته‌الله علیه، بیست گفتار، ص ۲۵۴ به بعد. نقل از صد گفتار، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ص ۱۲۰

۱۸۷. بیانات امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۶۰/۳/۴

معتقد بودند «شما می‌دانید بیشتر کسانی که در دانشگاه بزرگ شده‌اند، در عین حال که بعضی از آنان نماز هم می‌خوانند ولی معتقدند ایران باید زیر نظر کشورهای بیگانه باشد. می‌گویند ایران نمی‌تواند خودش را اداره کند. آیا ایرانی که با تمام فشارها خودش را حفظ کرده و انقلابش را به کشورهای دیگر صادر و ملت‌های دیگر را بیدار نموده است، نمی‌تواند خودش را اداره کند؟ چرا! باید کاری کنید که دانشگاه‌هایمان روش توده‌های مردم را داشته باشد که اگر ملتی چیزی را خواست، خلافت را نمی‌توان بر آن تحمیل کرد.»^{۱۸۸}

ب: موانع بومی‌سازی علوم

خودباختگی، نبود باور و همت بالا و ...

سوال: موانع تحقق فرایند بومی‌سازی در علوم انسانی را چه می‌دانید؟ آسیب‌های احتمالی این امر چه می‌تواند باشد؟ آیا بومی‌سازی به سنت‌زدگی و یا تجدد‌زدایی منجر نمی‌شود؟

آیت الله مصباح یزدی (زید عزه) در پاسخ به این سوال بیان داشتند؛ «مشکل جدی ما تا به حال، خودباختگی بود. فکر می‌کردیم نهایت علمی که ما به دانشگاه می‌توانیم بیاموزیم، ترجمه‌ی مطالبی است که دانشمندان غربی در اختیار ما قرار داده‌اند. جوانان ما را این‌طور تربیت کرده بودند که خودتان در این زمینه‌ها چیزی ندارید. اگر چیزی یاد بگیرید، همین‌هاست که ما به شما می‌دهیم. همان‌طور که در زمینه‌ی صنعت و تکنولوژی القا شده بود. این روزها آن چه برای ما مهم است این

است که با توجه به این که در يك شرایط اجتماعی و سیاسی بسیار استثنایی در طول تاریخ قرار گرفته‌ایم، روح خودباوری و اعتماد به نفس که در جوانان بیدار شده را تقویت کنیم تا در حرکتی که آغاز شده، قدم‌های بلندی بردارند.

امروز این امکانات فراهم شده که بتوان در يك فضایی احساس استقلال فکری کرد. جرئت نقد افکار دیگران را پیدا کرد، البته نقد بعد از فهم صحیح. آن وقتی واقعاً نقد ما پذیرفته و قابل قبول است که حرف طرف مقابل را درست درک کرده باشیم، نه این‌که يك تصور اجمالی داشته باشیم. هنر بزرگ شهید مطهری این بود که وقتی می‌خواست افکار دیگران را نقد کند، نظریه‌های آن‌ها را بهتر از خودشان تبیین می‌کرد. بارها از مارکسیست‌ها شنیده شد که ایشان نظریه‌های مارکسیستی را از خود ما بهتر تبیین می‌کند و آن وقت به حق هم نقد می‌کرد.^{۱۸۹} این که می‌بینید در بسیاری از زمینه‌های علوم انسانی عقب هستیم، به خاطر این است که در این زمینه‌ها برنامه‌ریزی نشده است. علوم طبیعی و تجربی چون نتایج دنیوی داشته، انگیزه زیاد بوده است. کار بنیادی در این جاها چون منافع مادی زیادی ندارد، باید با انگیزه‌های الهی انجام گیرد.

البته این کار، کار یک نفر یا دو نفر نیست، به یک مجموعه‌ی انسانی مناسب نیاز دارد. به مجموعه‌ای از انسان‌هایی نیاز است که دو خصلت داشته باشند: اولاً باورشان باشد که این‌ها باید تغییر کند. ثانیاً همّت این کار را نیز داشته باشند. متأسفانه نه آن باور وجود دارد و نه آن همّت. فرض کنیم اکنون بعد از

۱۸۹. سخنان آیت الله مصباح یزدی در مورد بالایش علوم انسانی، خبرگزاری فارس، حوزه آئین و اندیشه، شماره ۸۹۰۶۰۶۹۴

مردم آن‌ها را به شناخت واقعی جامعه اسلامی ایران ترغیب می‌کند ایشان بیان داشتند: «تمام عقب ماندگی‌های ما به خاطر عدم شناخت صحیح اکثر روشن فکران دانشگاهی از جامعه‌ی اسلامی ایرانی بود و متأسفانه هم اکنون هم هست... بدآموزیهای دانشگاهی زمان شاه، روشن فکر دانشگاهی را طوری بار آورد که اصولاً ارزشی برای خلق مستضعف قائل نبوده و متأسفانه هم اکنون هم نیست.»^{۱۹۱}

کارشکنی دشمنان

در تاریخ معاصر ایران دست اجانب در پرورش مزدورانی برای خود به خوبی هویدا است. امام خمینی رحمته الله علیه خوش خدمتی دانشگاه به اجانب را به مردم نشان داد. معتقد بود که دانشگاه تنها، در خدمت مردم نیست. همچنین بیان می‌داشت «الآن هم دنبال این هستند که نگذارند این دانشگاه يك دانشگاه در خدمت خود مردم باشد. ما که می‌گوییم دانشگاه اسلامی، ما می‌خواهیم که يك دانشگاهی داشته باشیم که روی احتیاجاتی که این ملت داشته باشد، کرسی داشته باشد و برای ملت باشد. تربیت نبوده است در این دانشگاه، تربیت بر ضد بوده است.»^{۱۹۲}

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در اخذ علم از سایر کشورها نیز هوشیاری و شناخت دسیسه‌ها را لازم می‌دانست و بیان می‌داشت «استفاده از علوم و گرفتن آن از دیگران مانعی ندارد، ولی باید توجه داشت که از جایی علوم را بگیریم که نخواهند ما را منحرف کنند که در سابق اگر مقداری از علوم و تخصص‌ها

۱۹۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۴۱

۱۹۲. بیانات امام خمینی رحمته الله علیه، ۵۹/۳/۳

و ثروت و تربیون، بتوانند تأثیرگذار و جریان ساز باشند و سطح تفکر اجتماعی را پائین آورده و همه‌ی فرصت ملی را هدر دهند و اعصاب ملت را بفرسایند و درگیری‌های غلط و منحط قبیله‌ای یا فرهنگ فاسد بیگانه را رواج دهند و در نتیجه صاحبان خرد و احساس، ساکت و مسکوت بمانند و صاحب‌دلان و خردمندان، برکنار و در حاشیه مانده و منزوی، خسته و فراموش شوند. در چنین فضائی، جامعه به جلو نخواهد رفت و دعاوها، تکراری و ثابت و سطحی و نازل می‌گردد، هیچ فکری تولید و حرف تازه‌ای گفته نمی‌شود، عده‌ای مدام خود را تکرار می‌کنند و عده‌ای دیگر تنها غرب را ترجمه می‌کنند و جامعه و حکومت نیز که تابع نخبگان خویش اند، دچار انفعال و عقب‌گرد می‌شوند.^{۱۹۶}

خودمحوری دانشگاهیان

امام خمینی رحمته الله علیه نمی‌خواست که دانشگاهیان تافته‌ی جدا بافته از ملت باشند و ملت را درک نکنند از این رو می‌فرمود: «اکثر ضربات مهلکی که به این اجتماع خورده است از دست اکثر همین روشن فکران دانشگاه رفته‌ای، که همیشه خود را بزرگ می‌دیدند و می‌بینند و تنها حرف‌هایی می‌زدند و می‌زنند که دوست به اصطلاح روشن فکر دیگرش بفهمد، و اگر مردم هیچ نفهمند، نفهمند. زیرا دیگر چیزی که مطرح نیست مردمند، و تمام چیزی که مطرح است خود اوست.»^{۱۹۷}

د) سایر موانع

تفرقه و تشتت

از اندیشه‌ی امام این‌گونه مستفاد می‌شود که یکی از موانع

۱۹۶. امام خامنه‌ای مد ظله العالی در پاسخ به نامه در خصوص کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۸/۱۱/۱۶

۱۹۷. بیانات امام خمینی رحمته الله علیه، ۵۹/۱/۱

عمده در دانشگاه‌ها تفرقه و تشتت است ایشان بیان داشتند «روشن فکران متعهد و مسؤول بیاپید تفرقه و تشتت را کنار بگذارید و به مردم فکر کنید و برای نجات این قهرمانان شهید داده خود را از شر «ایسم» و «ایست» شرق و غرب نجات دهید، روی پای خود بایستید و از تکیه به اجانب پرهیزید.»^{۱۹۸}

«هرج و مرج» و «دیکتاتوری»

این انقلاب باید بماند و برنامه‌ی تاریخی و جهانی خویش را به بارنشاند و همین که این عزم و بیداری و خودآگاهی در نسل دوم حوزه و دانشگاه نیز بیدار شده است، همین که این نسل از افراط و تفریط، رنج می‌برد و راه ترقی و تکامل را نه در «جمود و تحجر» و نه در «خودباختگی و تقلید»، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید فکر علمی و دینی می‌داند و می‌خواهد که شجاعت نظریه‌پردازی و مناظره در ضمن وفاداری به اصول و اخلاق و منطق در حوزه و دانشگاه، بیدار شود و اراده کرده است که سؤالات و شبهات را بی‌پاسخ نگذارد، خود، فی‌نفسه یک پیروزی و دستاورد است و باید آن را گرمی داشت و آنگاه که نخبگان ما نقطه تعادل میان «هرج و مرج» و «دیکتاتوری» را شناسائی و تثبیت کنند، دوران جدید آغاز شده است. آری، نباید از «آزادی» ترسید و از «مناظره» گریخت.»^{۱۹۹}

جدال و مراء و هتاکي

«نباید از «آزادی» ترسید و از «مناظره» گریخت و «نقد و انتقاد» را به کالای قاچاق و یا امری تشریفاتی، تبدیل کرد چنان‌چه

۱۹۸. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۴۱

۱۹۹. امام خامنه‌ای ع در پاسخ به نامه در خصوص کرسی‌های نظریه‌پردازی، ۸/۱۱/۱۶

نباید بجای مناظره، به «جدال و مراء»، گرفتار آمد و بجای آزادی، به دام هتاکي و مسئولیت‌گریزی لغزید.^{۲۰۰}

مرداب «سکوت و جمود» یا گرداب «هرزه‌گوئی و کفرگوئی»

آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق»، همه يك جا و در کنار یکدیگر اداء شود، آغاز روند خلافت علمی و تفکر بالنده‌ی دینی در این جامعه است و کلید جنبش «تولید نرم‌افزار علمی و دینی» در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است. بی شك آزادی‌خواهی و مطالبه‌ی فرصتی برای اندیشیدن و برای بیان اندیشه‌ی توأم با رعایت «ادب استفاده از آزادی»، يك مطالبه‌ی اسلامی است و «آزادی تفکر، قلم و بیان»، نه يك شعار تبلیغاتی بلکه از اهداف اصلی انقلاب اسلامی است. من عمیقاً متأسفم که برخی میان مرداب «سکوت و جمود» با گرداب «هرزه‌گوئی و کفرگوئی»، طریق سومی نمی‌شناسند و گمان می‌کنند که برای پرهیز از هر يك از این دو، باید به دام دیگری افتاد. حال آنکه انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سرجنبنیدن و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بی‌مهار و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و فضائی بسازد که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» و نه به هیچ چیز دیگری، تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد و حریت و تعادل و عقلانیت و انصاف، سکه رائج شود تا همه‌ی اندیشه‌ها در همه‌ی حوزه‌ها فعال و برانگیخته گردند و «زاد و ولد فرهنگی»

۲۰۰. امام خامنه‌ای علیه السلام در پاسخ به نامه در خصوص کرسی‌های نظریه‌پردازی،
 ۸۱/۱۱/۱۶

که به تعبیر روایات پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت ایشان (عَلَيْهِمُ السَّلَام)، محصول «تضارب آراء و عقول» است، عادت ثانوی نخبگان و اندیشه وران گردد. بویژه که فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی همواره در مصاف با معضلات جدید و نیز در چالش با مکاتب و تمدن های دیگر، شکفته است و پاسخ به شبهه نیز بدون شناخت شبهه، ناممکن است.^{۲۰۱}

۲۰۱. امام خامنه‌ای عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به نامه در خصوص کرسی های نظریه پردازی، ۸۱/۱۱/۱۶



فصل هشتم؛ وظایف ما (راهکارهای عملی اسلامی شدن دانشگاه)

آنچه در بخش‌های گذشته بیان شد، به صورت غیر مستقیم وظیفه و تکلیف دانشگاهیان را بیان می‌داشت. برای مثال وقتی در بخش گذشته مولفه‌های دانشگاه اسلامی بیان شد، به تبع تبیین مولفه‌ها، وظایف و تکالیف اساتید و دانشجویان مشخص می‌شود. در این بخش برای عملیاتی کردن آن مولفه‌ها که نوعی چشم‌انداز و آمال انقلاب اسلامی ما محسوب می‌شود، به برخی از فرامین و راه کارهای ارائه شده اشاره می‌شود.

الف: تصمیم جدی بر حرکت و اصلاح ﴿﴾
خودسازی فکری، اخلاقی و انقلابی برای دانشجویان يك
فریضه است

به شما دانشجویان می‌گوییم سنگربان این سنگر (دانشگاه)

شماييد مواظب باشيد خاكريزهاتان سست نشود ... خودسازي فكري و اخلاقي و انقلابي دروني دانشجويان يك فريضه است؛ چه هر دانشجويي نسبت به خودش، چه به معنای درون دانشگاه و محيط دانشگاه. اين خودسازي همان ترميم خاكريزه‌ها و سنگرهاست.^{۲۰۲}

حضرت امام خميني رحمته الله عليه به دانشجويان؛

۱. قيام در مقابل انحرافات
 ۲. عدم وابستگي به كشورهاي قدرتمند و استثمارگر
 ۳. تعهد به اسلام و جمهوري اسلامي و
 ۴. داشتن تقوا
- را توصيه مي نمايند.^{۲۰۳}

عدم قناعت به وضع موجود

ما پيشرفت داشته ايم و در اين ريزش و رويشي كه نظام اسلامي دارد، مجموعاً رويش ما از ريزش مان بيشتري بوده است و پيش رفته ايم؛ علاوه بر اينكه در ميدان هاي گوناگون ديگر- ميدان هاي علمي و غيره كه شماها گفتيد و مي دانيد و بيان شد- پيشرفت هاي زيادي داشته ايم. ولي همچنان كار در ابتدای خود قرار دارد؛ ما اول راهيم؛ ما ابتدای راهيم. اولاً بايد نظام را از لحاظ مباني معرفتي اش كامل كنيم. ثانياً بنای نظام را بايد بر اساس آن مباني معرفتي كامل كنيم؛ يعني نظام اسلامي، دولت اسلامي و كشور اسلامي، هر کدام مترتب بر همدیگر است؛

۲۰۲. بيانات رهبر معظم انقلاب عنه، ۷۹/۱۲/۹

۲۰۳. وصيت نامه ي امام خميني رحمته الله عليه

این‌ها همه یکسان و یک چیز نیستند. تا کشور، اسلامی بشود، ما خیلی کار داریم. تا مکارم اخلاق اسلامی و دانشگاه اسلامی - همین توقعاتی که شما دارید و آرزوهای بلندی که به حق در نسل جوان ما هست - تحقق پیدا کند، راه طولانی‌ای داریم. اینکه می‌گوییم اول کار هستیم، یکی از نشانه‌هایش این است. و از طرف دیگر، این فکر، فکری نیست که در چهارچوب حصار جغرافیایی یک کشور بگنجد و بتواند بماند؛ این، به طور طبیعی باید انتشار پیدا بکند و عقبه‌ی عاطفی و فکری ملت‌ها را برای خودش کسب کند. البته از اول انقلاب، موارد متعددی از این را ما دیده‌ایم و پیش آمده است؛ امروز هم همین است؛ منتها احتیاج دارد که این عقبه، هرچه بیشتر استمرار داشته باشد.^{۲۰۴}

تلاش مجدانه مردم و دولت‌مردان، از الزامات تعلیم و تربیت اسلامی

حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌تعالیه فرازهای ذیل را در وصیت نامه خود از اقشار مردم مطالبه می‌نماید.^{۲۰۵}

۱. کوشش نوجوانان و جوانان در مرحله‌ی اول
۲. کوشش پدران و مادران و دوستان آن‌ها در مرحله‌ی دوم
۳. کوشش دولت‌مردان و روشن‌فکران در مرحله‌ی سوم
۴. حفظ و پاسداری دانشگاه از انحراف غرب و شرق‌زدگی در مرحله‌ی چهارم

۲۰۴. بیانات مقام معظم رهبری رحمه‌الله‌تعالیه، ۸۵/۷/۲۵

۲۰۵. وصیت‌نامه‌ی امام خمینی رحمه‌الله‌تعالیه

ج: حفظ استقلال علمی و بومی‌سازی علوم

مستقل باشید و در برابر فرهنگ غرب مقاومت کنید

شما دانشجویان عزیز خودتان در صدد باشید که از غرب‌زدگی بیرون بیایید و گم‌شده‌ی خود را پیدا کنید. شرق، فرهنگ اصیل خود را گم کرده است و شما که می‌خواهید مستقل و آزاد باشید باید مقاومت کنید و باید همه‌ی قشرها بنای این را بگذارند که خودشان باشند. باید کشاورزان در صدد باشند که روزی خودشان را از زیر زمین بیرون بیاورند و کارخانه‌ها خودکفا باشند تا صنایع کشورمان رشد پیدا کند. هم چنین دانشگاه‌ها خودکفا و مستقل باشند تا نیاز به غرب نداشته باشیم. جوانان ما، دانشمندان ما، اساتید دانشگاه‌های ما از غرب نترسند، اراده کنند در مقابل غرب قیام کنند و نترسند.^{۲۰۶}

مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را بحث کنید

من انتظار و خواهم از شورای عالی انقلاب فرهنگی این است که مسأله‌ی تهاجم فرهنگی را بحث کنید. اصلاً این موضوع را مورد مطالعه قرار دهید. البته به نحو حمل شایع صناعی، قطعاً مسائلی هست که مربوط به تهاجم فرهنگی است و الآن بحث می‌شود؛ شکی نیست. مثلاً بحث در مورد همین مسأله‌ی اسلامی کردن دانشگاه‌ها به حمل شایع، بحث از تهاجم فرهنگی است؛ ولی باید به حمل اولی و ذاتی در باره‌ی خود تهاجم بحث کنید! آیا واقعاً آنکه بنده در قضیه‌ی تهاجم فرهنگی می‌فهمم، اصلاً درست است یا نه؟ این را مناقشه کنیم؛ اگر دیدیم که

۲۰۶. وصیت‌نامه سیاسی
الهی حضرت امام (ع) صحیفه
نور جلد ۲۱، ص ۱۹۲، تاریخ
تحریر: ۶۱/۱۱/۲۶ تاریخ
قرائت: ۶۸/۳/۱۵

درست است، اگر دیدیم که حقیقتاً ارزش‌ها، اصول، پایه‌ها و مبانی، مورد تهاجم قرار دارد، ستاد اصلی مقابله با این تهاجم، این جاست و این جا نبایستی از این قضیه و این کار غفلت کند. باید.^{۲۰۷}

اگر برای تحصیل به خارج می‌روید هویت ملی و فرهنگی خود را گم نکنید

بلای بزرگی که بر سر نسل‌هایی از جوانان کشور ما در دوره‌ای و در کشورهای دیگر آمده این است که آن‌ها برای تحصیل علم به کشورهای دیگر رفته‌اند و چیزی هم یاد گرفته‌اند، اما یک چیز مهم‌تر را جا گذاشتند و فراموش کردند و آن هویت فرهنگی و ملی خودشان بوده است... بسیاری از تحصیل‌کرده‌های در کشورهای اروپایی در دوره‌هایی از کشور ما عامل وابستگی شدند، این به خاطر آن بود که این‌ها هویت خود را گم کردند.^{۲۰۸}

اگر هم دولت نرسیده باشد این عذر نمی‌شود

امام خامنه‌ای علیه السلام خطاب به برجستگان علمی می‌فرماید: «خود آنها این ضریب هوشی و حافظه و استعدادشان را ملی بدانند. اینها ثروتهای ملی است. ثروتهای شخصی که نیست. از آن برای کشور و ملت و خانواده شان استفاده کنند. اینها امانت و سرمایه‌های خداداد است، ملك خصوصی نیست. نگویند دولت به ما نرسید. اگر هم دولت نرسیده باشد، این عذر نمیشود.» معظم له پیش از آن خطاب به مسؤولان فرمودند: «دولت

۲۰۷. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۶/۱۱/۴

۲۰۸. بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام، در دیدار جمعی از دانشجویان اتحادیه انجمن‌های اسلامی شرق اروپا، ۸۱/۵/۱۹

و مسؤولان باید قدر اینها را بدانند و برایشان امکانات فراهم کنند.^{۲۰۹}

بومی‌سازی علوم

برای بومی‌سازی علوم در دانشگاه‌ها بر اساس آموزه‌های دینی فکر جدی نشده است، اگر هم فکری شده، عینیت پیدا نکرده است.^{۲۱۰}

جلوگیری از وابستگی فکری

«یکی از نقشه‌های بزرگ این‌ها این است که مغزهای ما را از ما بدزدند و به جای او یک مغز فرنگی بگذارند که ما را همچو فرنگی درست بکنند؛ که افکار این شود که هر چه ما داریم از آنجاست استقلال فکری را از ما بدزدند دزدیدند، استقلال مغزی ما را دزدیدند.^{۲۱۱}

ما با تخصص هیچ مخالفتی نداریم و آن چیزی که ما با آن مخالفیم وابستگی مغزهای جوان‌های ما به خارج، شرق و غرب است. دانشگاه‌های ما الا عده‌ی معدودی، یا در صدد نبودند که این وابستگی را بردارند یا در صدد بودند که وابسته کنند این مغزها را به خارج. ما می‌خواهیم که اگر بیماری پیدا [شد]، این‌طور نباشد که بگویند که باید حتماً بروید به انگلستان، حتماً بروید به امریکا. ما می‌خواهیم که همانطوری که یک امریکایی اگر مریض شد به ایران نمی‌آید و یک انگلیسی اگر مریض شد به ایران نمی‌آید، یک ایرانی هم اگر مریض شد،

۲۰۹. بیانات امام خامنه‌ای
عجله، در دیدار جمع
دانشجویان، ۷۹/۱۲/۹

۲۱۰. کامران دانشجو، وزیر
محترم علوم

۲۱۱. بیانات حضرت امام
خمینی عجله، نقل از اسدی
مقدم، کبری، دیدگاه‌های
فرهنگی امام خمینی عجله،
ص ۵۵

جای دیگر نرود. ما يك همچو تخصصی می‌خواهیم که جوری بار بیاورد کشور را و جوان‌هایی که در رأس امور کشور هستند که این‌ها مغزهایشان وابسته نباشد و فکری جز اسلام و ایران در سرشان نباشد.»^{۲۱۳}

بومی‌سازی دانشجویان

آیت الله جعفر سبحانی رحمته الله علیه بر بومی‌سازی دانشجویان تأکید دارند و می‌فرمایند؛ باید شرایط را فراهم کرد که هر کسی بتواند در شهر خود ادامه تحصیل دهد، که این امر هم هزینه و هم مشکلات خانواده‌ها را کمتر می‌کند. فرایند بومی‌سازی مشکلات زیادی دارد، اما باید بگونه‌ای تصمیم گرفت که حقوق اجتماع نیز حفظ شود و در این راستا باید امکانات در همه جا فراهم کرد تا افرادی که از دیگران اصلح هستند با مشکلی مواجه نشوند.^{۲۱۴}

معنای بومی‌سازی علم

سوال: بومی‌سازی علم به چه معناست؟ آیا به معنای منطبق‌سازی نظریه‌ها و پارادایم‌های همه‌ی علوم، اعم از تجربی و انسانی و الهی با شرایط عینی جامعه است؟ آیا لحاظ ابعاد اسلامی و ملی در مسأله‌ی بومی‌سازی، درست است؟

منظور از بومی‌سازی و اسلامی کردن علوم، صرف تعویض اصطلاحات نیست، بلکه تغییر جهان‌بینی‌ها و استفاده از منبع وحی در تولید علم است. گزاره‌هایی که به نام علوم انسانی شناخته می‌شود و در اطرافش کتاب‌ها نوشته شده،

۲۱۳. بیانات امام خمینی رحمته الله علیه، ۴ خرداد ۱۳۶۰
۲۱۴. جعفر سبحانی در دیدار با فراکسیون دانشگاهیان مجلس شورای اسلامی بهار ۹۰

خاستگاهش مغرب زمین است و خواه ناخواه تأثیر فرهنگ و ادبیات غرب در آن‌ها تعبیه شده است. اصطلاحاتش با همان اصطلاحاتی که موافق فرهنگ غربی است شکل گرفته است و سردم‌داران و صاحبان نظریه‌های معروف آن، عمدتاً اهل مغرب زمین هستند. کتاب‌های دانشگاهی ما نیز با اندکی تغییر، ترجمه‌ای است از کتاب‌هایی که در اروپا و آمریکا نوشته شده است. يك یا چند مثال اروپایی را برداشته‌اند، مثال ایرانی گذاشته‌اند و به اصطلاح بومی‌سازی شده است. به نظر ما، تا آن‌جا که مربوط به اصطلاحات و ادبیات باشد، مشکلی ایجاد نمی‌شود؛ ولی بحث‌های دیگری هست که برمی‌گردد به بینش‌ها و جهان‌بینی‌ها، به يك نظریات زیربنایی که در مبانی عمدتاً با فرهنگ غرب سازگاری دارد و بر آن اساس پایه‌ریزی شده است. مسأله این جاست که يك اصطلاحی بار فرهنگی دارد.^{۲۱۴}

معنای بومی‌سازی علوم انسانی

سوال: بومی‌سازی علوم انسانی بر چه مبنای معرفتی، بستر و فضا، پیش‌فرض و پیش‌انگاره، و در چه چهارچوب هنجاری صورت می‌پذیرد؟ رویکرد و نیز ساز و کار تحقق آن چیست؟

همان‌طور که ذکر شد، مبانی اسلامی‌سازی علوم انسانی همان اصول جهان‌بینی اسلامی است، که در مواردی با جهان‌بینی حاکم بر علوم انسانی موجود تعارض دارد. طبیعی است که این مبانی بر اصول ارزشی و هنجاری این علوم هم تأثیر عمیقی

۲۱۴. آیت الله مصباح یزدی، بازخوانی سخنان آیت الله مصباح یزدی در مورد پالایش علوم انسانی، خبرگزاری فارس، حوزه‌ی آئین و اندیشه، شماره ۸۹۰۶۰۶۰۶۹۴

برجای می‌گذارد، همان‌گونه که در روش شناسی این علوم اثر دارد.

برای تحقق این مهم، اولاً: باید ما حوصله این کار را داشته باشیم. واقع‌بینانه بدانیم که این کار، کار یک روز یا دو روز نیست. ثانیاً: با توجه به واقعیاتی که در دانشگاه‌های ما وجود دارد، باید از سرمنشأ، کار را شروع کرد. این مفاسد سیاسی اخیر که در کشور ما ایجاد شد، منشأ آن به بیست سال پیش برمی‌گردد. برخی اساتید دانشگاه، افکار انحرافی را به این افراد، تزریق کردند. اساتید شناخته شده‌ای که اکنون در ایران نیستند. درس آن اساتید، این کارگزاران را به بار آورد و آن‌ها این حرکت را به وجود آوردند و به فکر براندازی نظام افتادند. اگر بخواهیم تغییر کند، از همان جا باید تغییر کند. استاد دانشگاه باید فکرش عوض شود. البته با اجبار نمی‌شود. باید خود استاد باور داشته باشد تا این ایده را در ذهن دانشجو جایگزین کند. پس استاد باید عوض شود. تغییر استاد و تغییر کتاب باید توأم باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که چگونه باید استاد را عوض کرد؟ چگونه باید کتاب را عوض کرد؟ در جواب می‌گوییم: این کار شدنی است و روی این مسأله فکر شده و طرح هم دارد؛ اما قدم اول این کار در گرو فعالیت ماست. مسئولیت بزرگی به عهده حوزه است. رسالت ما تحول در فرهنگ یک کشور اسلامی و بعد در تمام دنیا است. این وظیفه و جهادی است که به عهده‌ی ماست. قدمی که باید دنبال کنیم، اول این است که در صدد باشیم، مفاهیم اصلی علوم انسانی را نقادی

کنیم و بفهمیم نظریات اسلامی در این زمینه چگونه باید باشد. در قدم بعد باید از لحاظ کمیت و کیفیت آمادگی پیدا کنیم که بتوانیم اساتید دانشگاه را بازآموزی کنیم. باید جلسات بحث و گفت و گوئی تحت عنوان کلاس، همایش های علمی، کنفرانس و ... داشته باشیم، تا دوستانه این مفاهیم به اساتید متدینی که علاقه مند هستند، منتقل شود. اساتیدی که می خواهند تحوّل ایجاد کنند، اما نمی دانند چگونه باید این کار را به ثمر برسانند. نمونه ی این گونه اساتید، اساتید بسیجی ماست که کم هم نیستند. تجربه هایی که در کار با اساتید دانشگاه داشته ایم، نمونه های موفق است. کسانی روز اول با یک دید منفی می آمدند و این سؤال برایشان مطرح بود که چه نیازی بود که من این جا بیایم؟ چند روز بعد همان افراد می آمدند و می گفتند: ما می خواهیم اصلاً دانشگاه را رها کنیم و بیاییم طلبه شویم. در ظرف چند روز ببینید از کجا تا به کجا، تحوّل ایجاد شد. این کار شدنی است و طرح آن هم فی الجمله قابل ارائه است. یک بخشی از آن مربوط به دولت و مجلس است و آن ها فعلاً به ما مربوط نیست. آنچه مربوط به ماست، این است که همت کنیم و در زمینه تحقیقات علمی اسلامی نهایت تلاش خودمان را به کار گیریم و آنچه که از دست مان بر می آید کوتاهی نکنیم. این را یک جهادی بدانیم که شبانه روز باید روی آن کار کنیم تا آن را به ثمر برسانیم. آیه ی معروفی است که «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْثَرَ طَيِّبَاتِ حَيْثُ بِإِذْنِ رَبِّهَا» یا مثالی که قرآن درباره انفاق می زند «كَمُلْ حَبَّةً أَنْبَتَتْ

سَجَّ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» آن کسانی که زرنگ باشند، در کارهای علمی هم می‌گردند دنبال آن کارهایی که چنین زمینه‌هایی را فراهم کند. گاهی يك تحقيق، علمی است؛ نتیجه‌اش محدود است، روزمره است، نیاز امروز و فردا را تأمین کند؛ اما دیگر خیلی گسترش پیدا نمی‌کند، در زمینه‌های دیگر کاربردی ندارد؛ اما تحقيق در مسائل بنیادی هر علمی، «کمثل حبة...» است. باید ارزش کارهای بنیادی را درك کنیم، بهترین‌ها و مفیدترین‌ها را انتخاب کنیم، بعد حوصله و صبر و استقامت داشته باشیم.^{۲۱۵}

د: ابتناء بر علوم اسلامی

ظرفیت و جامعیت مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)
«(دانشگاه) بر این باور است که در تعالیم اسلام و مکتب امام صادق (علیه‌السلام) که تبلور ناب آن می‌باشد ظرفیت و جامعیتی نهفته است که به کشف و تبیین و کاربردی کردن آن می‌توان در علوم و فنون بشری به ویژه علوم انسانی و اجتماعی تحول عظیم پدید آورد.»^{۲۱۶}

تفکر اسلامی، هدایت‌کننده دانشگاه‌ها

امروز، هر اندیشه‌ای که جوان را دچار این احساس بکند که از مسئولان و پیشروان انقلاب و مدیران کشور جداست، این اندیشه و تفکر، از نوع همان تفکرات سیاسی غلط تزریق شده است. امروز باید ملت و دولت، پشت به پشت و دست به

۲۱۵. آیت الله مصباح یزدی، سخنرانی در هجدهمین نشست انجمن فارغ التحصیلان مؤسسه امام خمینی قدس سره، ۸۸/۸/۱۵

۲۱۶. بیانیه رسالت دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

دست هم و در کنار یکدیگر، با تمام توان تلاش کنند تا همه‌ی طلسم‌های استکبار و سلطه را بشکنند و از بین ببرند. این، صحنه‌ی بسیار مهم و حساسی است. تفکری که شما را هدایت خواهد کرد و باید بکند، تفکر اسلامی است. باید در دانشگاه‌ها به تفکرات اسلامی و کار اسلامی، خیلی اهمیت بدهید.^{۲۱۷}

نقد مبانی علوم

بخشی از علوم انسانی موجود، دارای اصول موضوعه‌ای است که مبتنی بر فلسفه‌های غیر اسلامی و ماتریالیستی است، لذا يك کار اصلی که باید برای اسلامی‌سازی علوم انسانی صورت بگیرد، نقد کلی بر مبانی این علوم است. نمونه‌هایی از بطلان مبانی علوم به عنوان نمونه نظریه‌ای وجود دارد که جهان از ابتدا ماده متراکمی بود که به واسطه انفجار، کیهان و منظومه‌های مختلفی به وجود آمد، اما این نظریه یا فرضیه مبتنی بر این است که وجود يك تصادف بدون علت پذیرفته شود، در حالیکه در فلسفه اثبات شده وجود معلول بدن علت ممکن نیست.

یک نقد کلی نسبت به همه‌ی علوم انسانی از جهت روش‌شناسی است، برای اثبات مسایل علمی احتیاج به اصولی است که یا باید بدیهی باشند یا به صورت اصول موضوعه قبلاً در علم دیگری و نهایتاً در فلسفه اثبات شده باشند.

مواضع سکولارها در خصوص جدائی ایدئولوژی از علم، این عده معتقدند گزاره‌های دین، علمی نیست، و مسایلی سلیقه‌ای است، در حالی که دانشگاه جای بحث علمی است و بحث

۲۱۷. بیانات مقام معظم رهبری (عج)، ۶۸/۸/۱۰

علمی هم فقط با تجربه قابل اثبات است و این‌گونه مسائل فراتر از تجربه بوده و حتی از فلسفه هم خارج است، بنابراین با اشاره به لزوم معرفت‌شناسی برای پاسخ دادن به این ادعا، ابتدا باید شیوه‌های شناخت و میزان اعتبار آن‌ها در مباحث معرفت‌شناختی تبیین شود، که اگر چنین نشود، حتی نوبت به اثبات اصول موضوعه هم نمی‌رسد، چه رسد به اینکه بر اساس آن اصول موضوعه، مسائل علمی بنا شود.^{۲۱۸}

تعبیر علم و عقل به جای تعبیر علم و دین

باید توجه کرد که دین در منظری فراتر از علم می‌نشیند و علم و عقل را داخل در حریم خویش جای می‌دهد. علم عقلی (تجربی و تجربیدی) در درون هندسه‌ی معرفت دینی واقع می‌شود و در کنار و همراه نقل عهده‌دار ترسیم معرفت محتوای دین می‌گردد، پس اگر چالش و تعارضی متصور شود، میان علم و نقل است و هرگز میان علم و دین تعارضی نیست.^{۲۱۹}

تفسیر قول خداوند در حوزه و فعل خداوند در دانشگاه

در این صورت از یک سو علوم دانش طایفه‌ای از مشتغلین به دین‌شناسی که متمرکز بر ادله نقلی هستند و در حوزه‌های علمی به فهم و تفسیر آنچه خدا گفته مشغول‌اند و قول خدا را محور و موضوع تلاش علمی خویش قرار داده‌اند دینی و اسلامی است. از سوی دیگر در کنار حوزه‌های علمی، دانشگاه‌های اسلامی قرار می‌گیرد که همت خود را مصروف ادراک و فهم فعل خدا قرار داده و درصدد تفسیر جهان خلقت است. اگر تفسیر

۲۱۸. بیانات آیت الله مصباح یزدی، کنگره علوم انسانی اسلامی، خرداد ۱۳۹۱

۲۱۹. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۴۰

قول خدا، علم اسلامی را به دست می‌دهد، تفسیر فعل خدا نیز علمی اسلامی محسوب می‌شود، پس داشتن دانشگاه اسلامی منوط به داشتن علوم اسلامی است.^{۲۲۰}

حضور خالق جهان در علوم تجربی

اگر خواستیم علوم تجربی و متون درسی دانشگاه‌ها اسلامی گردد، باید اولاً عنوان طبیعت برداشته شود و به جای آن عنوان «خلقت» قرار گیرد یعنی اگر عالمی بحث می‌کند که فلان اثر در فلان ماده معدنی هست یا فلان گونه گیاهی چنین خواص و آثاری دارد، با تغییر عنوان یادشده این گونه می‌اندیشد و آن را تبیین می‌کند که این پدیده‌ها و موجودات چنین آفریده شده‌اند. ثانیاً عنوان خالق که مبدا فاعلی است ملحوظ باشد یعنی آفریدگار حکیم صحنه خلقت را چنین قرار داده است که دارای آثار و خواص ویژه‌ای باشند. ثالثاً هدف خلقت که پرستش خدا و گسترش عدل و داد است به عنوان مبدا غایی منظور شود.^{۲۲۱}

محوریت ادله‌ی نقلی

رابعاً محور بحث دلیل معتبر نقلی، مانند آیه‌ی قرآن یا حدیث صحیح قرار گیرد. خامساً از تاییدهای نقلی یا تعلیل‌های آن استمداد شود. سادساً در هیچ موردی دعوای «حسبنا العقل» نباشد، چنان‌که ادعای «حسبنا النقل» مسموع نشود.^{۲۲۲}

۲۲۰. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۴۰

۲۲۱. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۴۱

۲۲۲. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، ص ۱۴۱

اتخاذ روش تفسیری تکوین به تکوین

سابقاً تفسیر هر جزئی از خلقت با در نظر گرفتن تفسیر جزء دیگر آن باشد تا از سنخ تفسیر تکوین به تکوین به شمار آید؛ نظیر تفسیر تدوین به تدوین، زیرا هر موجودی از موجودهای نظام آفرینش آیه، کلمه و سطری از آیات، کلمات و سطور کتاب جامع تکوین الهی است.^{۲۲۳}

تقدم اصلاح هستی‌شناسی و انسان‌شناسی بر نظریه‌پردازی در علوم انسانی

ما ادعایمان این است که می‌توانیم منظومه‌ای از علوم و معارف را ارائه دهیم که منطقی‌ترین بحث‌ها در آن مطرح و به اثبات رسیده باشد. از بنیادی‌ترین نقطه‌ها که همان معرفت‌شناسی است، شروع شده باشد و به دنبال آن به هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و نهایتاً علوم انسانی برسد، چرا که تا معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی صحیحی نداشته باشیم، نمی‌توانیم در حیطه علوم انسانی نظریه‌پردازی کنیم.^{۲۲۴}

حدود علوم و میزان توانایی ابزارهای کسب علم تبیین شود
علم حسی و تجربی معیوب حاضر که منقطع الاول و الآخر است و مبدا فاعلی و غایی برای طبیعت نمی‌بیند، اولاً باید حد خود را بشناسد و از نظام خلقت به عنوان طبیعت یاد نکند و در صدد ارائه جهان‌بینی بر نیاید، زیرا فلسفه‌ی علمی و بنا نهادن جهان‌شناسی بر پایه‌ی دانش تجربی خطای بزرگی است. منابع معرفتی دیگر؛ یعنی وحی و به تبع آن نقل معتبر و عقل

۲۲۳. آیت‌الله‌عزلی
منزلت عقل در هندسه‌ی
معرفت دینی، ص ۱۴۱

۲۲۴. مضمون‌یلمت
الله مصباح یزدی، کنگره بین
المللی علوم انسانی اسلامی،
خرداد ۱۳۹۱

تجربیدی (فلسفه) باید عهده‌دار ارائه جهان‌بینی باشند، ثانیاً سرشت چنین علمی باید بازنگری شود و عیب و نقص اساسی آن برطرف گردد. این امر دوم به اموری بستگی دارد که در راس آن‌ها تجدیدنظر در مقابل قرار دادن علم و دین است.^{۲۲۵}

ه: فضای دانشگاه‌ها

دانشگاه را محیط انقلابی و اسلامی کنید

شما دانشجویان و دانش‌آموزان چه پسران و چه دختران وظایف سنگینی بر دوش دارید. غیر از وظیفه‌ی درس خواندن، که وظیفه‌ی دانشجویی و دانش‌آموزی است؛ وظیفه‌ی انقلابی بر دوش دارید، وظیفه‌ی اسلامی و دینی هم بر دوش دارید... این مبارزه، مبارزه‌ی امروز و یک روز و دو روز و یک سال و دو سال نیست؛ مبارزه‌ی نسل‌هاست. آن نسلی که از مبدأ و آغاز انقلاب فاصله گرفته است، اگر بخواهد ایران را به عزت برساند و بسازد و عظمت ببخشد و الگوی زنده‌ای در مقابل ملت‌های دیگر قرار دهد و بینی استکبار را به خاک بمالد، باید یک نسل انقلابی و اسلامی و متدین باشد و آن، شما هستید. امروز دانشجویید، امروز دانش‌آموزید و فردا گردانندگان چرخ‌های این کشورید. امروز خودتان را بسازید. دانشگاه‌ها را بسازید. محیط دانشگاه را محیط انقلابی و اسلامی کنید. محیط دبیرستان‌ها را نیز همین‌طور. نمی‌بینید که دشمن، بیشترین توجهش را به این محیط‌ها معطوف کرده است؟! این، برای چیست؟ برای این است که از این محیط‌ها می‌ترسد. در محیط دانشگاه، جوانان

۲۲۵. آیت الله جوادی آملی،
منزلت عقل در هندسه‌ی
معرفت دینی، ص ۱۴۰

انقلابی و مسلمان باید مانند يك دست، مانند يك تن، با يك فكر، فكر اسلام و انقلاب حرکت کنند. محیط را محیط انقلابی و اسلامی کنید. از هر چیزی که مخلّ به این یگانگی در راه خدا و در راه انقلاب باشد پرهیز کنید، تا بتوانید دانشگاهی را بسازید که فردای ایران را تأمین کند؛ جمهوری اسلامی را در مقابل دشمنان و بدخواهان و ملت ایران را در مقابل دوستان و امیدواران عالم روسفید کند. ۲۲۶

ایجاد فضای سالم

در روایات آمده است که غضب و شهوت دشمنان انسان هستند و دختر دارای جاذبه و پسر نیز در دوران جوانی خود به سرمی برد و باید برای اینکه مشکلی پیدا نشود، دانشگاه دختران غیر از پسران باشد و هر دو دارای کلاس‌ها، کتابخانه، آزمایشگاه و امکانات جداگانه باشند. ۲۲۷

روش‌های دانشگاهی در جهت تولید علم

چنان‌چه در نامه خود توجه کرده‌اید، برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علماء و صاحب‌نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود. برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج و مرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب

۲۲۶. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳/۸/۷۱.

۲۲۷. بیانات آیت‌الله‌عزیز سیستانی در دیدار با فراکسیون دانشجویان مجلس، دکتر کامران دانشجو وزیر محترم علوم نیز بیان داشتند ما به عنوان مسئولان باید شرایط را به گونه‌ای ایجاد کنیم که در هر استان حداقل یک دانشگاه دخترانه باشد که تلاش در این عرصه باقیات‌الصالحاتی برای وزارت علوم است. در این راستا مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۴ بند که در راستای حفظ حدود و آداب اسلامی در دانشگاه‌ها در سال ۶۶ به تصویب رسیده است، در نخستین بند این مصوبه آمده است که دختران و پسران در کلاس‌های درس در دانشگاه‌ها در دو ردیف جدا بنشینند وزیر علوم با بیان اینکه در تبصره بند اول آورده شده است که هرگاه از نظر آموزشی و امکانات مشکلی وجود نداشته باشد، کلاس‌های آنها باید جدا باشد، اظهار داشت: اگر مشکل فضای آموزشی و استاد وجود نداشته باشد، چه اشکالی دارد که پردیس ویژه دختران را در هر استان راه‌اندازی کنیم.

اسلام، حمایت و نهادینه شود. بنظر می‌رسد که هر سه روش پیشنهادی شما یعنی تشکیل

۱. کرسی‌های نظریه‌پردازی

۲. کرسی‌های پاسخ به سؤالات و شبهات

۳. کرسی‌های نقد و مناظره

روش‌هایی عملی و معقول باشند و خوبست که حمایت و مدیریت شوند بنحوی که هر چه بیشتر، مجال علم، گسترش یافته و فضا بر دکانداران و فریبکاران و راهزنان راه علم و دین، تنگ‌تر شود....

من بر پیشنهاد شما می‌افزایم که این ایده چه در قالب «مناظره‌های قانونمند و توأم با امکان داوری» و با حضور «هیئت‌های داوری علمی» و چه در قالب تمهید «فرصت برای نظریه‌سازان» و سپس «نقد و بررسی» ایده‌ی آنان توسط نخبگان فن و در محضر وجدان علمی حوزه و دانشگاه، تنها محدود به برخی قلمروهای فکر دینی یا علوم انسانی و اجتماعی نیز نماند بلکه در کلیه علوم و رشته‌های نظری و عملی (حتی علوم پایه و علوم کاربردی و ...) و در جهت حمایت از کاشفان و مخترعان و نظریه‌سازان در این علوم و در فنون و صنایع نیز چنین فضائی پدید آید و البته برای آنکه ضریب «علمی بودن» این نظریات و مناظرات، پائین نیاید و پخته‌گویی شود و سطح گفتگوها نازل و عوامانه و تبلیغاتی نشود، باید تمهیداتی اندیشید و قواعدی نوشت. این جانب با چنین طرح‌هایی همواره موافق بوده‌ام و از آن حمایت خواهم کرد.^{۲۲۸}

۲۲۸. پاسخ امام خامنه‌ای
به نامه جمعی در خصوص
کرسی‌های نظریه‌پردازی،
۸۱/۱۱/۱۶

و: وظیفه‌ی اساتید

فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ

مهم‌تر از همه، مسؤولیت شخص خودماست یعنی «من نصب نفس‌ه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره» اول تادیب نفس است که بدون این برداشتن بار مسؤولیت ممکن نخواهد شد و يك جا خراب خواهد شد و بار بر زمین خواهد ماند. مدعی خود و غیر خود را بدنام خواهد کرد.^{۲۲۹}

الگوگیری از قرآن

مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله می‌فرماید: «قرآن کریم مثل معلّمی است که کلیات درس را در مختصرترین جملات بیان می‌کند. سپس شاگردان را به عمل به آن امر می‌کند. بعد اعمال آن‌ها را می‌بیند؛ صحیح و فاسد آن را اصلاح می‌کند؛ نقص‌ها و کمبودها را با موعظه، مثال، داستان، وعده به پاداش و جزا رفع می‌کند.»^{۲۳۰} مرحوم علامه طباطبایی معتقدند تمامی داستان‌ها و مثال‌های قرآن، حول محور توحید، افراد را تربیت می‌کند. ایشان ویژگی داستان‌ها و مثال‌های قرآن برای تربیت اخلاقی انسان‌ها را این‌گونه معرفی می‌کند: «اینکه خداوند داستان‌های انبیا را بیان می‌کند، عبادت‌ها، دعاها و طرز معاشرت‌شان را با مردم مثال می‌زند، در واقع خود نوعی تربیت عملی است با ذکر جزئیات. آنچه در تمام آن‌ها محور اصلی بحث قرآن است، هدایت توحیدی انبیاست و این اعتقاد درونی آن‌ها به توحید است که در اعمال آن‌ها بروز کرده است.»^{۲۳۱}

۲۲۹. بیانات امام خامنه‌ای
ع.ا.خ. ۶۹/۱/۴

۲۳۰. طباطبایی،

سیدمحمدحسین، المیزان
فی تفسیر القرآن، ج ۶،
ص ۱۸

۲۳۱. طباطبایی،

سیدمحمدحسین، المیزان
فی تفسیر القرآن، ج ۶،
ص ۲۹۰

ایجاد جنبش نرم‌افزاری

باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آن‌ها در نظر بعضی مثل وحی منزل است و ... این جزمیت‌ها را بشکنند و راه‌های تازه‌ای پیدا کنند هم خودشان استفاده کنند هم به بشریت پیشنهاد کنند ... دانشگاه باید بتواند يك جنبش نرم‌افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد.^{۲۳۲}

ایجاد الگوهای دانشگاه اسلامی با عملی کردن مولفه‌های دانشگاه اسلامی

دانشگاه امام صادق يك پدیده‌ی ممتاز است؛ صرفاً يك دانشگاه مثل بقیه‌ی دانشگاه‌ها نیست که فقط می‌خواهند دانشجو و عالم تربیت کنند؛ این هم هست؛ منتها علاوه‌ی بر این، می‌خواهد از همه جهت، يك الگوی دانشگاه اسلامی باشد؛ از جهت انگیزه‌های ایمانی، رعایت‌های عملی و رفتاری، و عشق به علم و علم‌آموزی عاشقانه و مؤمنانه. اینکه امام می‌فرماید: «من دوست داشتم بر سر شاگردان تازیانه‌ها بلند می‌شد، برای اینکه این‌ها را به علم بکشانند»، این معنایش چیست؟ علم را اسلام قدسیت بخشیده، علم يك امر مقدس است؛ دنبال علم رفتن دارای قدسیت است. این طور نیست که علم مثل هر ابزار دیگری، فقط وسیله‌ای برای پول در آوردن باشد - حالا پول هم از آن در می‌آید - اما قدسیت علم باید حفظ شود؛ «العلم نور»؛ نور بودن علم باید مورد نظر باشد و

۲۳۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۷۹/۱۲/۹

از جمله‌ی شئون دانشگاه اسلامی، یکی همین است. همه خیال می‌کنند دانشگاه اسلامی که می‌گوییم، یعنی حجاب‌ها این‌طوری باشد، پسرها آستین کوتاه نپوشند و زلف‌ها بلند نباشد؛ این‌ها که معنای دانشگاه اسلامی نیست! دانشگاه اسلامی از لحاظ ایمان، انگیزه، شور مقدس، رفتار اسلامی و علم‌آموزی مؤمنانه، این‌ها شرط دانشگاه اسلامی است. آن وقت جهت دادن؛ جهت دادن به این علم‌آموزی؛ که بهترین کاری که در دانشگاه شد، یکی همین بود که این دانشگاه را مخصوص علوم انسانی کردند؛ که این منطقه‌ی واقعاً خلأ و فراغی بود؛ يك خلأ است که آن باید پُر شود. خوب، اگر شما که دانشجوی این دانشگاه هستید و در این بیست و چند سالی که این دانشگاه سرپاست، توانسته باشد این رسالت را انجام دهد- که يك نمونه‌ی دانشگاه و متخرّجین دانشگاه، به صورت مطلوب و اسلامی فراهم بیاورد- این دانشگاه به دستاورد بسیار بزرگی رسیده است. این دانشگاه، این است. از این دانشگاه، توقع چیز دیگر و فراتر از این است.^{۲۳۳}

وظیفه‌ی اساتید در آگاه‌سازی و بصیرت‌بخشی

بر اساتید متعهد است تا با باز شدن دانشگاه‌ها در صورت مشاهده‌ی انحراف و گرایش جوانان به یکی از دو قطب قدرت و مکر، آنان را به توطئه‌ها و شیطننت‌ها آگاه کنند و جوانانی متعهد نسبت به مصالح کشور و آگاه به اهداف اسلام تحویل جامعه دهند و مطمئن باشند که با این خدمت، استقلال و

۲۳۳. بیانات مقام
معظم رهبری ﷺ ۸۴/۱۰/۲۹

آزادی کامل میهن عزیزشان تضمین خواهد شد.^{۲۳۴}

تهیه‌ی متون مناسب

باید در زمینه‌ی اسلامی کردن دانش، تهیه و تألیف متون درسی طوری عمل شود که بصیرت، اهداف، اصول و نگرش اسلامی را در زمینه‌های زندگی، علایق، دستاوردها و جامعه‌ی انسانی در مراحل آموزشی مختلف منعکس سازد و نشان دهد. تحصیلات دانشگاهی و دانشکده‌ای، اساس تحول و اتخاذ شیوه‌های جدید در زمینه‌های دانش بشری است، از این روی، در تهیه‌ی متون درسی اسلامی برای سطح دانشکده‌ای به تحصیلات پیش از دانشگاه اولویت داده شود. فارغ التحصیلان دانشگاهی آشنا با اسلام، باید خود ثروت و منبعی فکری باشند برای پیشرفت فکری اسلامی بیشتر و آفرینش دانش اسلامی اصیل‌تر و تهیه‌ی متون درسی اسلامی برای دیگر مراحل آموزشی.^{۲۳۵}

مشکل دانشگاه یک مشکل مثلی است که یکی از این موارد متون درسی است و اگر متون درسی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، الهی باشد، در دانشجو اثر می‌گذارد؛ اما متأسفانه امروز بیشتر متون درسی ترجمه‌های غربی است... اصلاح متون درسی تنها به رشته‌های علوم انسانی مثل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی خلاصه نمی‌شود (برای مثال) تاریخ ما نیز باید تاریخ اسلامی باشد و به جای اینکه شاهان محور باشند باید انبیاء را محور قرار داد و تاریخ اسلام نیز نباید تاریخ اهل تسنن باشد که تشیع را تحدید کند... اگر توانستیم متون درسی را

۲۳۴. بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان عضو انجمن‌های اسلامی صحیفه نور جلد ۱۲ ص ۵۴ تاریخ: ۵۹/۲/۱

۲۳۵. مجله فقه اهل بیت (ع) (فارسی)، ج ۴، ص ۱۸۳.

تصحیح و اسلامی کنیم نیازمند اساتیدی هستیم که متون جدید را بتوانند تدریس کنند و در این صورت یا باید عده‌ای را بازنشست کرد که این امر نیز باعث بهانه جویی دشمنان خواهد شد و یا اینکه به آن‌ها آموزش‌های لازم داده شود.^{۲۳۶}

ارائه برنامه‌ی اجرایی درکنار مباحث نظری

سوال: مفهوم و مراد از «نهضت نرم‌افزاری» چیست؟ عوامل و موانع و منطق تحقق آن چه می‌باشد؟ حوزه و دانشگاه در کجای این ماجرا قرار دارند؟ نقش بایسته هریک از آن‌ها چیست؟

علی‌رغم اخلاص و علم اساتید دانشگاهی نمی‌توان از آن‌ها توقع داشت که علوم انسانی را اسلامی کنند؛ زیرا علوم انسانی که آن‌ها فرا گرفته‌اند، همان علوم غربی است. از طرف دیگر حوزویان نیز صرفاً با آشنائی با اسلام نمی‌توانند این کار را به انجام برسانند؛ زیرا آشنایی با علوم انسانی و موضوع و محمول و قضایای آن نیز برای این کار لازم است. از همین رو تنها افرادی که آشنایی لازم را هم با علوم اسلامی و هم با علوم انسانی داشته باشند و برای این کار نیز دلسوز باشند می‌توانند قدم اول را بردارند. اگر فرض شود همه‌ی مقدمات نظری تحول در علوم انسانی فراهم شود و به همه‌ی سؤالات نیز پاسخی روشن داده شود، پس از همه‌ی این مراحل فقط تحقیقات مرحله‌ی نظری به پایان رسیده و نوبت به ارزیابی این مسأله می‌رسد، که آیا زمینه‌ی اجرایی کردن نتیجه‌ی این تحقیقات در عمل هم فراهم است یا خیر؟ به همین منظور باید در کنار طرح مسائل نظری در

۲۳۶. بیانات آیت الله جعفر سبحانی در دیدار با فراکسیون دانشگاهیان مجلس شورای اسلامی بهار ۹۰

زمینه‌ی علوم انسانی، باید یک طرح اجرایی برای شروع کار و کیفیت انجام آن نیز ارائه کرد. زیرا گاهی نقشه‌ی یک ساختمان توسط مهندس به سرعت تهیه می‌شود؛ اما اجرای نقشه مراحل دشواری را شامل می‌شود و باید محاسبه شود که این عملیات از کجا شروع شود، چه قدر نیروی انسانی و امکانات می‌خواهد و ... ۲۳۷

روحیه‌ی عدالت خواهی را در دانشجویان تقویت کنید
جوان دانشجو احساساتش در درجه اول متوجه عدالت خواهی است. آنچه بیش از همه چیز دانشجو را به خود متوجه می‌کند، عدالت خواهی است این جهت را در او تقویت کنید. ۲۳۸

۲۳۷. لیتلنصباح‌پدی

نقل از پایگاه معظم له

۲۳۸. بیانات رهبر معظم انقلاب

عج در دیدار وزیر علوم و روسای

دانشگاه ها، ۸۳/۱۰/۱۷

نتیجه گیری و پیشنهادات

اسلامی کردن دانشگاه‌ها با ندای پیر خمین در آغازین روزهای حرکت انقلابی ایشان در دوران طاغوت مبنی بر اینکه «دانشگاه‌ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته بشود، که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت‌های اسلامی»،^{۲۳۹} موضوع مورد بحث و سکه‌ی رایج مجامع علمی شد. حضرت امام رحمته‌الله علیه دانشگاه را «در رأس امور» دانست و آن را «مبدأ همه‌ی تحولات» قرار داد از دیدگاه آن حکیم راحل «مقدرات این مملکت در دست این دانشگاه‌هاست» و «از دانشگاه باید سرنوشت يك ملت تعیین بشود». بنابراین، «دانشگاه يك كشوری اگر اصلاح شود آن كشور اصلاح می‌شود» و «اگر دانشگاه را ما سست بگیریم و از دست برود، همه چیزمان از دستمان رفته است». امام خمینی رحمته‌الله علیه به خوبی می‌دید که بحث اسلامی شدن دانشگاه با غوغا سالاری دلدادگان به غرب و شرق مواجه خواهد شد لذا مکرراً به اصل موضوع و شیوه صحیح اسلامی کردن دانشگاه اشاره نمودند.

از این رو جامعه دانشگاهی فهمید که اسلامی شدن دانشگاه «از نان شب برای دانشگاه‌ها واجب‌تر است!» و فهمید که «اگر بخواهید دانشگاه، علمی هم بشود، باید اسلامی بشود»^{۲۴۰} و به این نکته رسید که اسلامی شدن دانشگاه از مهمترین مقدمات اسلامی شدن جامعه است که دغدغه و از ایده‌آل‌ها و خواست‌های هر مسلمان دلسوزی است از این رو به دنبال مفهوم، مولفه‌ها، مقتضیات، موانع و زمینه‌های ایجابی و سلبی آن، است.

۲۳۹. این مطلب در روزی
اردیبهشت ۱۳۵۹، چند روز پس
از طرح بحث‌هایی پیرامون
تعطیلی دانشگاه‌ها و «انقلاب
فرهنگی» توسط حضرت امام
خمینی طی سخنانی بر لزوم
اسلامی شدن دانشگاه‌ها
ایراد شد.

۲۴۰. تعبیر مقام معظم
رهبری رحمته‌الله علیه.

«اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک معنای عمیق و وسیع و جامعی دارد»^{۲۴۱} که باید بسیار دقیق و موشکافانه مورد بررسی و برنامه ریزی قرار گیرد. و کار را با مولفه‌ها و مشخصه‌هایی آغاز کرد (این تقدم تقدم رتبتی است نه زمانی) که مقتضای ذات دانشگاه اسلامی است و سپس در مسیر شروطی که شرط کمال آن است قدم برداشت.

توحیدی شدن دانش و دانشگاهیان اولین قدم در اسلامی کردن دانشگاه و مقتضای ذات آن است از این رو است که امام امت می‌فرمودند: «قرآن این را فرموده است: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» قرائت کن نه قرائت مطلق. بیاموز، نه آموزش مطلق. علم تحصیل کن، نه علم مطلق و تحصیل مطلق علم جهت‌دار، آموزش جهت‌دار، جهت اسم رب است توجه به خداست».^{۲۴۲}

دانشگاهیان نباید آن قدر در مباحث علمی غرق شوند که هدف و جهت تعلیم به فراموشی سپرده شود.

تأکید زیاد امام امت به جهت‌دار بودن علم و سایر اندیشمندان انقلاب به این که اگر نقش نظام فاعلی و نظام غایی اگر در علوم غافل بماند، در واقع، علم ناقص است و اشاره‌ی آن‌ها به ابتر بودن آن، چیزی شبیه به عقب‌افتادگی علمی صاحبان چنین علمی می‌باشد. از سوی دیگر نگرش تک بعدی به علم «چالش علم و دین را به همراه دارد و مانع همگامی و وحدت حوزه و دانشگاه و علم و دین خواهد بود. تا زمانی که ریشه‌های معایب علم موجود، برطرف نشده و غفلت از مبدأ و معاد عالم و منطق قانونی حاکم است نمی‌توان به اسلامی شدن علوم امیدوار

۲۴۱. تعبیر مقام معظم رهبری علیه السلام، ۷۶/۱۲/۶

۲۴۲. حضرت امام خمینی علیه السلام، ۵۹/۱۰/۶

بود با توصیه و بخش نامه و نمازخانه ساختن تاکید بر ظواهر شرعی نمی‌توان علوم دانشگاه‌ها را اسلامی کرد، هرچند ممکن است فضای غالب و جو حاکم بر آن اسلامی شود و دانشجویان متدینی از تحصیلات عالی دانشگاه فراغت یابند. اما باید عنایت کرد که دانش اسلامی است که مرکز یادگیری خود به نام دانشگاه را اسلامی خواهد کرد نه عکس آن. علوم اسلامی زمانی فراهم می‌شود که اولاً علم را به حریم هندسه‌ی معرفت دینی راه دهیم و چتر دین را بر سر آن بگسترانیم و ثانیاً طبیعت را خلقت ببینیم و میان طبیعت‌شناسی و الهیات وفاق و آشتی برقرار کنیم و از سیر افقی فقط در مسیر علم دست برداریم و هرگونه فکر ناب، اندیشه، عقل صرف و رهاورد علم صائب را موهبت الهی بدانیم که به انسان عطا کرده است.»^{۲۴۳} با این رویکرد علوم نیز کاراتر و پربارتر خواهند شد و موجب احیای انسانیت می‌گردند.

از دیگر «شاخصه‌های اسلامی شدن، علمی شدن و عمیق شدن است، خودباور بودن استاد و دانشجو است، اتکا به نفس داشتن استاد و دانشجو است.» «یعنی دانشگاهی که بتواند علم را در خود بجوشاند؛ همچنان که اسلام، یک روز در بین مردم این حالت را به وجود آورد، در حالی که با علم، هیچ رابطه‌ای نداشتند».^{۲۴۴}

اسلامی بودن، یعنی ایستادگی بر روی اصول و پایه‌های مستحکمی که زیر پای اندیشه و فکر انسان وجود دارد؛ و بر اساس آن، بنا کردن، پیش رفتن، جوشیدن و زاییدن.

۲۴۳. آیت الله جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی، صص ۱۳۹ به بعد.

۲۴۴. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام

امام المسلمین اخلاص، نشاط و عزت را شرط دانشگاه اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند: «دانشگاه اسلامی، دانشگاهی شکوفا و پرنشاط است؛ دانشگاهی است که در آن، علم عزیز است! عالم عزیز است، استاد کرامت دارد و دانشجویی عبادت است! شما کجا چنین چیزی را پیدا می‌کنید که دانشجویی قصد قربت کند و درس بخواند. خوب، این‌ها چیزهای خیلی مهمی است. این، دانشگاه اسلامی است.»

متأسفانه برخی از مسؤولان دانشگاه‌ها از اسلامی شدن دانشگاه تنها به مولفه‌های صوری و نمادین بسنده کرده و به واقع به دنبال تحقق مولفه‌های معناگرایانه نبودند. از این رو رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام تذکر دادند که اسلامی کردن دانشگاه در این خلاصه نمیشود که مثلاً دانشجویان با آستین کوتاه نیایند، یا با موی پیدا نیایند! ایشان تأکید کردند که «مسائل اسلامی کردن که این نیست! البته یکی از خصوصیات دانشگاه اسلامی این است که تدین در آن وجه غالب است؛ چون جامعه‌ی ما جامعه‌ی اسلامی است و تدین در آن، وجه غالب است.»

همچنین در پاسخ به این سوال که آیا معنای اسلامی بودن دانشگاه این نیست که اصلاً آدم بی‌دین و آدم غیر دینی در دانشگاه نباشد؟ فرمودند: «باید دین؛ وجه غالب باشد معنای اسلامی بودن دانشگاه هم همین است؛ متدین بودن دانشگاه، یعنی این؛ و تازه متدین بودن، یکی از ابعاد اسلامی بودن دانشگاه است، نه همه‌ی آن.»^{۲۴۵}

یک بعد دانشگاه اسلامی هم تدین است؛ به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام «یعنی مظاهر فساد و مظاهر فسق در آنجا وجود نداشته باشد- همان چیزهایی که جزو بینات و واضحات است- مسئله‌ی دختر و پسر، مسئله‌ی بعضی از منکرات و بعضی از محرمات، باید نباشد؛ مثل داخل جامعه و خانه من و شما که نباید باشد، در داخل دانشگاه هم نباید باشد.»^{۲۴۶}

آنچه که از دانشگاهیان انتظار می‌رود حضور در صحنه، استقلال و عدم وابستگی به دولت، تهذیب نفس، تحمل مخالفان، ارشاد و هدایت دولت، آگاهی بخشی به مسلمانان نسبت به وظایف خطیر سیاسی خود، اصلاح حال ملت و جلوگیری از ظلم، غارتگری و دزدی، پرهیز از دنیاطلبی، مقابله با دو فرهنگ منحط شرق و غرب، پرهیز از سخنان تفرقه‌آمیز و ... است.^{۲۴۷}

۲۴۶. بیانات مقام معظم رهبری
در کتاب نکته‌های ناب نقل
از پایگاه اطلاع رسانی تبیان.

۲۴۷. برخی این انتظارها
حضرت امام علیه السلام مشخصاً از حوزه
های علمیه داشت که با توجه
به وحدت این دو نهاد در هدف
و آرمانها، می‌توان از دیگری نیز
انتظار داشت.



فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه امیرالمومنین علیه السلام
۳. احمد زاده، میرحواس، چستی تمدن از دیدگاه اندیشمندان، مجموعه‌ی مقالات مقدمه‌ای بردانشگاه تمدن ساز اسلامی، دفتر برنامه ریزی اجتماعی وزارت علوم، چ، ۱۳۸۷.
۴. اسدی مقدم، کبری، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی رحمته الله علیه، تهران، نشر ذکر، ۱۳۷۴.
۵. افتخاری، اصغر و همکاران، ارزش و دانش، مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ، ۱۳۸۷.
۶. افروغ، عماد، وحدت حوزه و دانشگاه از منظر امام خمینی رحمته الله علیه، مجموعه مقالات حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چ، ۱۳۷۸.
۷. اکبری، رضا و شکرانی یاسین، تاثیر عوامل غیر معرفتی در اسلامی شدن دانشگاه‌ها، مجموعه مقالات ارزش و دانش مقدمه‌ای بر دانشگاه اسلامی، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، چ، ۱۳۸۷.
۸. امام خمینی رحمته الله علیه، ولایت فقیه (حکومت اسلامی).
۹. آل احمد، جلال، در خدمت و خیانت روشنفکران، چ، ۲، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷.
۱۰. بهشتی، (آیت الله) سید محمد، بایدها و نبایدها، تهران، بنیاد نشر آثار و اندیشه های آیت الله شهید دکتر بهشتی رحمته الله علیه، ۱۳۸۰.
۱۱. بیانیه رسالت دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۲. پارسانیا، حمید، علم سکولار و علم دینی، مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
۱۳. جوادی آملی، (آیت الله) عبدالله، امام مهدی، موعود موجود، قم اسراء، ۱۳۸۷.
۱۴. جوادی آملی، (آیت الله) عبدالله، انتظار بشر از دین، قم اسراء، ۱۳۸۰.
۱۵. جوادی آملی، (آیت الله) عبدالله، شکوفائی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، اسراء، ۱۳۸۴.
۱۶. جوادی آملی، (آیت الله) عبدالله، علوم انسانی و هماهنگی وحی و عقل، مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه، چ، ۱، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸.
۱۷. جوادی آملی، (آیت الله) عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، انتشارات اسراء.
۱۸. جوادی آملی، (آیت الله) عبدالله، نگاهی فراوری وحدت حوزه و دانشگاه، چ، ۱، مجموعه مقالات وحدت حوزه و دانشگاه، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸.
۱۹. حسن زاد، (آیت الله) حسن، الالهیات من کتاب الشفا.
۲۰. حیدری، محمد حسین. کیفیت و مراتب دانش از منظر حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام، مجموعه مقالات مقدمه‌ای بردانشگاه تمدن ساز اسلامی، دفتر برنامه ریزی اجتماعی وزارت علوم، چ، ۱۳۸۷.
۲۱. خواجه سروی، غلامرضا، دانشگاه اسلامی به مثابه‌ی راهبرد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات.
۲۲. دانشگاه اسلامی و رسالت دانشجوی مسلمان، مجموعه بیانات مقام معظم رهبری پیرامون دانشگاه و دانشجو در سال ۱۳۷۶، روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، چ، ۱۳۷۷.
۲۳. دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی، مجموعه مقالات، چ، ۲، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چ، ۱۳۷۹.
۲۴. دآوری، محمد و سلیمی، علی، ویژگی‌های دانشگاه اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری علیه السلام، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه.
۲۵. سبحانی، (آیت الله) جعفر، بیانات در دیدار با فراکسیون دانشگاهیان مجلس شورای اسلامی، بهار، ۹۰.

